



پوهنتون اسلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور

رساله ماستری

محصل : آقا گل «کوه بندی»

استاد رهنما : دوکتور نجیب الله «صالح»

سال : ۱۳۹۸ هـ ش مطابق ۱۴۴۱ هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور

رساله ماستری

محصل: آقا گل «کوه بندی»
استاد رهنما: دوکتور نجیب الله «صالح»

سال: 1398 هـ.ش مطابق 1441 هـ.ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم آقا گل ولد تور گل ID: 97-395-SH-MSF محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور به روز ۱۹/۱۲/۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۳	دکتور نجیب الله صالح	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

اهداء

این اثر را با همه کاستی‌های آن بر روان آخرین پیامبران (علیهم السلام) اهداء می‌نمایم.

همچنان:

- بر روان اصحاب گران‌قدرش (رضی الله عنهم) که در مسیر تبلیغ و نشر دین زحمات زیادی را متحمل شده اند تقدیم می‌نمایم،
- و برای تمام مجتهدین عزیز و گرامی که فقه اسلامی را تدریس می‌کنند، و مسلمانان را از حلال و حرام، نکاح و طلاق... در روشنائی قرار می‌دهند،
- و برای استادان عالی‌قدر و والدین گرامی ام که بنده را در نوشتن این رساله کمک همه جانبه کرده اند،
- و به تمام امت اسلامی که برای تطبیق احکام قرآن سعی و تلاش دارند.

سپاس‌گزاری:

قبل از همه خداوند منان را سپاس گذارم که توفیق مزید به این بنده ضعیف عنایت فرمود، تا بتوانم در حد توان خویش در تحقیق و نگارش این رساله اقدام نموده و به پایان رسانم.

ثانیا؛ این اثر مدیون راهنمایی های استاد عزیز و گرانقدرم جناب محترم **دوکتور نجیب الله «صالح»** و همه دوستانی است، که به نحوی در کمیت و کیفیت این اثر، با نظریات سازنده شان مرا یاری نموده اند، شایسته است تا از همه این بزرگواران سپاس‌گزاری نمایم.

جادراد تا از ریاست محترم پوهنتون سلام تشکری نمایم، که ایشان زمینه تحصیلات عالی را تا سطح ماستری مهیا ساخته اند و از معنویات‌شان من و سایرین مستفید شدیم و تا نسل‌های بعدی ان شاء الله ادامه خواهد داشت.

خلاصه بحث

در این تحقیق فرق میان نکاح موقت و نکاح دائمی، و حرمت نکاح موقت از دیدگاه مذاهب اربعه و فقهای کرام بصورت واضح بیان شده است، اگرچه مجوزین نکاح موقت و متعه با دلایل بدون سند و ضعیف سعی نموده‌اند تا این نوع نکاح را ترویج نمایند، (به عوض این که در مصارف و امور نکاح دائمی سهولت‌ها را ایجاد کنند، برعکس جوانان مسلمان را از راه راست منحرف نموده و به خواست‌های جنسی آنان از طریق نکاح متعه و موقت جواب می‌دهند) در حالی که این نوع نکاح با زنا شباهت بیشتر دارد و عفت و پاکدامنی و شخصیت مسلمانان را زیر سوال می‌برد.

بدین اساس عده ای از عالم نماهای اهل تشیع که به عامه مردم (پیروان شان) فتوای جواز نکاح موقت را می‌دهند، لیکن این عمل را به زنان و دختران خودشان هیچ گاه نمی‌پسندند حتی حاضر نیستند که یکبار دختر شان بایک شخص نکاح موقت یا به اصطلاح آنان صیغه کند....

حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خلافت اش به منع آن اقدام جدی نموده و تحریم آن را اعلام کرد، همچنان عصر پیامبر ﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم (به استثنای چند روز محدود) از وجود چنین نکاح عاری بود. چنانچه امام قرطبی (رحمه الله) گفته است: علماء سلف و خلف برتحریم نکاح متعه (موقت) اتفاق نظر دارند مگر کسی که از رافضی‌ها باشد که به رأی آن توجه نمی‌شود. علاوه برآن، اگر نکاح موقت منع نشود مردم (جوانان) به نکاح دائمی حاضر نمی‌شوند و شیرازه تشکیل خانواده در میان مسلمانان از هم می‌پاشد.

بدین اساس پایان نامه تحصیلی دوره ماستری ام را تحت عنوان (توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور) ترتیب داده ام، و این

موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا نکاح موقت تشبیه به زنا است و تنها نکاح دائمی است که اشباع‌گریزه بقای نسل بشر را تضمین کرده است. روش تحقیق ما در این رساله طوری است که بعد از بیان نکاح دائمی و موقت و دلایل مجوزین و مانعین آن، به وجوه اشتراک و افتراق نکاح متعه و دائمی پرداخته‌ایم. همچنان سعی نمودیم تا مطالب تهیه شده با دلایل قوی استناد داشته باشد تا خواننده مقصد اصلی و هدف بحث را دریابد و خسته نشود.

قابل ذکر است که در رابطه به ازدواج موقت و متعه در قوانین ملی کشور هیچ مطلبی را در یافت کرده نتوانستیم.

فهرست موضوعات

شماره	عناوین	صفحات
1	مقدمه :	1
د ل		
مفاهیم عمومی در مورد نکاح		
2	مبحث اول: تعریف، ارکان، شرایط و اهداف ازدواج.....	11
3	مطلب اول: تعریف عقد ازدواج.....	11
4	مطلب دوم: ارکان ازدواج.....	11
5	مطلب سوم: شرایط عقد ازدواج	13
7	مبحث دوم: مشروعیت و اهمیت ازدواج.	14
8	مطلب اول: مشروعیت ازدواج	14
9	مطلب دوم: اهمیت و فضیلت ازدواج	17
10	مطلب سوم: حکمت های ازدواج	19
	مطلب چهارم: تکالیف و حقوق در ازدواج	21
11	مبحث سوم: چگونگی ازدواج موقت از دیدگاه فقها.....	26
12	مطلب اول: ازدواج موقت از دیدگاه فقها	26
13	مطلب دوم: تعریف ازدواج موقت.....	29
14	مطلب سوم: ماهیت ازدواج موقت.....	32
15	مبحث چهارم: شرایط، صحت، لزوم و نفاذ عقد نکاح.....	33
16	مطلب اول: شرایط صحت عقد ازدواج.....	33
17	مطلب دوم: شرایط لزوم عقد ازدواج.....	36
18	مطلب سوم: شرایط نفاذ عقد ازدواج.....	37
فصل دوم		
مجوزین نکاح موقت		
19	مبحث اول: تعریف، حکم و دلایل قرآنی ازدواج موقت از نظر اهل تشیع.	40
20	مطلب اول: تعریف و حکم ازدواج موقت.....	40
21	مطلب دوم: حکم ازدواج موقت از دیدگاه اهل تشیع.....	42
22	مطلب سوم: دلایل قرآنی اهل تشیع بر ازدواج موقت.....	43
23	مبحث دوم: دلایل ازدواج موقت از حدیث و عمل صحابه، از نظر اهل تشیع.....	45
24	مطلب اول: دلایل اهل تشیع از حدیث نبوی (ﷺ).	45
25	مطلب دوم: دلایل اهل تشیع از عمل صحابه و تابعین.....	48
26	مطلب سوم: پیامد های مثبت ازدواج موقت.....	50
27	مطلب چهارم: نکاح متعه در کتب اهل تشیع.....	54
فصل سوم		

مانعین ازدواج موقت		
28	مبحث اول: تحریم ازدواج موقت از نظر اهل سنت.....	57
29	مطلب اول: حکم ازدواج موقت از دیدگاه اهل سنت.....	57
30	مطلب دوم: پیامدهای منفی ازدواج موقت.....	65
31	مطلب سوم: تحریم نکاح متعه توسط امیر المؤمنین، عمر (رض) ..	66
32	مبحث دوم: ازدواج مؤقت در نصوص شریعت.....	67
33	مطلب اول: در قرآن برای ازدواج موقت احکامی وجود ندارد.....	67
34	مطلب دوم: عصر پیامبر (ص) از نکاح موقت خالی بود.....	72
فصل چهارم		
وجوه اشتراک و دیدگاههای علما به ارتباط زواج موقت		
35	مشترکات ازدواج موقت و دائمی	74
36	تفاوت‌های ازدواج موقت و دائمی	76
37	ارکان و شرایط ازدواج موقت	81
38	ازدواج موقت در آئینه دیدگاهها	85
39	مبحث اول: دیدگاه علمای مذاهب اربعه.....	85
40	مطلب اول: دیدگاه مذهب احناف در باره متعه.....	85
41	مطلب دوم: دیدگاه مذهب مالکی در باره متعه.....	89
42	مطلب سوم: دیدگاه مذهب شافعی در باره متعه.....	90
43	مطلب چهارم: دیدگاه مذهب حنبلی در بابه متعه.....	92
44	مبحث دوم: دیدگاه علمای معاصر.....	93
45	مطلب اول: دیدگاه دکتر وهبة الزحیلی در باره متعه.....	93
46	مطلب دوم: دیدگاه دکتر یوسف قرضاوی.....	97
47	مطلب سوم: حکم نکاح به نیت طلاق.....	99
48	مطلب چهارم: مناقشه در حکم نکاح متعه.....	104
49	نتیجه گیری	106
50	پیشنهادات	108
51	فهرست آیات قرآن	109
52	فهرست احادیث نبوی	112
53	فهرست اعلام	114
54	فهرست مأخذ و منابع	115

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحبه ومن اتبع هداه إلى يوم الدين أما بعد.

الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: {وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا .

وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}.¹

ترجمه: و یکی از نشانه های خداوند (ﷺ) این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت و هر یکی را شیفته و دلباخته ی دیگری ساخت مسلماً در این نشانه ها و دلایلی است برای افرادی که می‌اندیشند.

نکاح موقت یکی از مسائل اختلافی و جنجالی بین مسلمانان و اهل تشیع است که در طی احادیث صحیح و آیات مختلفی حرمت آن به اثبات رسیده است و تا روز قیامت نیز بنا به همان روایات و آیات حرام گردیده است، ولی اهل تشیع احادیث و روایات بدون سند رابه ائمه و پیامبر (ﷺ) نسبت داده اند که به وسیله آن اکاذیب و روایات جعلی حلال و جواز آن را ثابت نمایند، که به غیر از زنان زنا کار و بد اخلاق هیچ زن دیگری قادر و حاضر به انجام چنین کاری نمی‌شوند، صحابه بزرگوار و تابعین گرانقدر پیامبر (ﷺ) به حرمت آن قائل بوده اند که نظریات و اقوال زرین آنان نیز در تاریخ و کتابهای معتبر درج گردیده است.

اگر مسلمانان در تمام امور مهم به کتاب خداوند متعال و سنت پیامبرش و تابعین او باز می‌گشتند و به آن اعتماد و به احکامش اطمینان می‌داشتند و اکتفا می‌نمودند بین آنها اختلافی باقی نمی‌ماند، پس باید قرآن را در این امر مهمی که به یکی از ویژگیهای خاص مسلمانان مانند: عرض، نسل و شرف آنان مربوط است، مرجع و وسیله هدایت خود قرار دهیم تا با این همه اختلافات خاتمه داده و از تمام رسم و عنعنات که افراد جامعه را رو به عیاشی می‌کشاند و دشمنان را خوشحال می‌کند دست برداشته و به سنت راستین پیامبر (ﷺ) چنگ بزنیم.

در اینجا قابل یادآوری است که بنده بخود مناسب دانستم پایان نامه ی تحصیلی خود را تحت عنوان (توقیت درنکاح ازدیدگاه اهل سنت، تشیع وقوانین ملی کشور) به رشته تحریر درآورم.

¹ [الروم: 21].

الف: معرفی موضوع

نکاح متعه یا موقت را که امروزه اهل تشیع سبب خوش گزرانی خویش قرار داده اند، در حقیقت یکی از بقایای نکاح جاهلی بوده که قبل از اسلام رواج داشته است، پس این ازدواج یک امر تاریخی قلمداد شده و به عنوان حکم شرعی از جانب شارع نمی باشد.

شکی نیست که اسلام، در آغاز، ازدواج موقت را با اصلاحاتی پذیرفته است اما بعد از آن رسول الله ﷺ این نکاح را به صورت همیشگی و تا روز قیامت حرام قرار داده، طوری که دیگر به حرمت آن جای شک باقی نمانده است.

آنچه در این پایان نامه به رشته تحریر درآورده‌ام مختصری مسایل نکاح موقت است که از کتب مربوط به آن، تحت نظر استاد مشرف و رهنمای بزرگوارم «دکتر نجیب الله صالح» گرد آوری شده است. این تحقیق را به چهار فصل تقسیم بندی کرده‌ام که در فصل به مسایل عمومی راجع به نکاح دائمی و موقت در چهار مبحث پرداخته‌ام، و در فصل دوم مجوزین نکاح موقت در قالب دو مبحث بیان شده و در فصل سوم مانعین نکاح موقت را در دو مبحث بیان کرده‌ام، در فصل چهارم وجوه اشتراک و افتراق متعه با نکاح موقت و ازدواج موقت در آیینه دیدگاهها را در دو مبحث پرداخته‌ام.

ب: اهمیت موضوع

طوری که از نامش هویداست این موضوع دارای اهمیت و ضرورت خاص می باشد که آن عبارت از: شناخت مسایل توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور است،

نکاح یا ازدواج در جوامع بشری البته با شیوه ها و طریقه‌های متفاوت اجتماعی و حقوقی و جود داشته، اما این امر در اسلام جدی گرفته شده و زیر بنای زندگی اجتماعی دانسته شده است از جمله برای حفظ نسب و قانون مند شدن و مشروعیت بخشیدن رابطه جنسی مرد و زن، مهم می باشد. زیرا این امر حفظ ثبات و ارزش‌های اجتماعی را مستحکم نگه می دارد. بر علاوه این که ازدواج یک امر اجتماعی است، یک امر حقوقی نیز می باشد.

با اینکه جواز نکاح متعه در زمان پیامبر اکرم (ﷺ) در اندک زمانی بود و بعداً تحریم آن بیان شد، فقهای مذاهب اربعه نیز قائل به حرمت آن شده اند و برای اثبات حرمت آن به احادیثی

استناد می کنند که بعضی از این احادیث دلالت بر نسخ جواز نکاح متعه به وسیله بعضی از آیات می کند و احادیث دیگر از آنها، دلالت بر این دارد که متعه با سنت و قول رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نسخ شده است، ما با ذکر مقداری از این احادیث آنها را مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهیم از این لحاظ این موضوع یک ضرورت مهم می باشد تا در مورد آن تحقیق نمایم.

فواید این تحقیق:

1. جهت استفاده عام از این موضوع: که مسلمانان در دام این نوع هواپرستی‌های تزویر کننده اهل تشیع گیر نمانند.
2. حیثیت نکاح متعه و پیامد های آن برای مسلمانان واضح شود تا از آن اجتناب کنند.
3. با فهم این موضوع دلایل ضعیف و خود ساخته اهل تشیع برملا گردد.

ج: اسباب اختیار موضوع

اسباب و عواملی که مرا واداشت تا این موضوع را اختیار نمایم زیاد است اما مهمترین آنها قرار ذیل است:

- 1- با علاقمندی که به این موضوع داشتم خواستم این موضوع را مورد تحقیق و بررسی قرار دهم تا پیامدهای منفی و عواقب ناگوار این گونه ازدواج را به مردم جامعه معرفی نمایم.
- 2- در نتیجه این تحقیق شاید کسانی که به این نوع ازدواج ها رو آورده اند بدانند که این ازدواج (موقت) اصل و ریشه ای در دین ندارد و یک امر منسوخ شده است.
- 3- خواستم از طریق این تحقیق برای اهل مسلک خود خدمتی کرده باشم و برای اشخاصی که دچار این معضله هستند راه بیرون رفت ارائه نمایم.

د: سوالات تحقیق

1. ازدواج موقت چی پیامد های دارد؟
2. حیثیت عقد صیغه یا نکاح موقت چگونه است؟
3. حکم ازدواج موقت از دید علمای اهل سنت چیست؟
4. آیا در عقد ازدواج توقیت جائز است یا نه ؟

ه: پیشینه موضوع

باتوجه به اهمیت و جایگاه خاصی که نکاح و ازدواج در شریعت اسلامی برخوردار است، جادارد که پیرامون آن تحقیق صورت گیرد.

اما با این همه اهمیت، نگارنده به کتابی که جامع مباحث ازدواج موقت یا نکاح متعه باشد و از آن تصویر واضح و علمی ارائه شود به زبان های محلی دست نیافته ام (البته به حد جستجوی محقق) و پس از تتبع در کتابها، به موضوعات زیر دست یافته ام :

"تفاوت بین ازدواج میسار و ازدواج موقت" تألیف اسحاق دبیری (تاریخ نشر: اول دیجیتالی، سال 1394ش). در این کتاب مطالب خوبی را در رابطه به نکاح متعه بیان کرده اما از تحقیق آن مردم عام جامعه کمتر اخذ کرده می توانند و بطور جامع و همه شمول نبوده. و در این تحقیق از این کتاب استفاده کرده ام. "58 اعتراض به قانون ازدواج موقت" تألیف محمد باقر سجودی (محل در یافت سایت عقیده : www.aqeedeh.com). این کتاب در برگیرنده مطالب خوبی است ولی روش آن با روش این تحقیق متفاوت است، و در این تحقیق از این کتاب کم استفاده برده ام.

و: روش تحقیق

در رساله ای که روی دست دارید تحت نام "توقیت در نکاح از دیدگاه اهل سنت، تشیع و قوانین ملی کشور" بعد از بیان نکاح دائمی و موقت و مجوزین و مانعین آن، به وجوه اشتراک و افتراق نکاح متعه و نکاح دائمی پرداخته ایم

هم چنان سعی نمودیم تا مطالب تهیه شده با دلایل قوی استناد داشته باشد تا خواننده مقصد اصلی و هدف بحث را دریابد و خسته نشود.

اما روش یا منهج تحقیق ما در این رساله قرار ذیل است:

- 1- روش تحقیق این رساله کتابخانه ای است.
 - 2- ترجمه آیات قرآن کریم اکثراً از (تفسیرنور) گرفته شده است.
 - 3- شماره پاورقی ها، در شماره مسلسل ردیف شده است.
 - 4- فهرست اعلام از شخصیت ها در انتهای رساله بیان شده است.
 - 5- فهرست آیات قرآن کریم بنابر تقدیم و تأخیر سوره های قرآن کریم ترتیب شده.
 - 6- فهرست احادیث شریف طبق حروف ابجدی ترتیب شده است.
 - 7- فهرست مصادر یا مراجع نیز طوری است که اسم مشهور نویسنده یا کنیه اش با نام مکمل کتاب در ابتدای سطر بیان شده است.
- در بحث نکاح متعه یا ازدواج موقت، حقایق را بیان کرده ام و به ناحق جانب داری نکرده ام.

ز: اهداف تحقیق

اهداف تحقیق ما پیرامون نکاح موقت و دایمی قرار ذیل است:

- 1- هدف از بحث روی این موضوع این است که فرق بین نکاح موقت و دایمی برای مردم شناسایی شود.
- 2- ضعیف بودن روایات نکاح موقت و پیامد های بد آن برای امت اسلامی واضح و آشکار می گردد.
- 3- با فهم این موضوع زمینه شناخت نکاح موقت و تفکیک آن از نکاح دایمی برای مسلمانان بصورت علمی و تخصصی مساعد می شود.
- 4- وضاحت و بیان این مسئله در حقیقت دفاع از آب رو و عزت خواهران مسلمان است.
- 5- آگاهی دادن برای نسل جوان است تا آنان فریب تبلیغات اهل تشیع را نخورند که به نکاح موقت تشویق می کنند.

ح: مشکلات تحقیق

در هر تحقیق ممکن است که باحث از یک جهتی به یک سلسله مشکلات مواجه شود، بنده نیز در جریان تحقیق به مشکلاتی روبرو شدم که از جمله: می توان به نبود یک تعداد کتاب های مربوط به موضوع به دسترس من، عدم وجود مراجع به زبان فارسی، و نبود برق و اینترنت کافی، اشاره نمود.... لیکن با وجود این نوع مشکلات به توفیق و کمک الله متعال توانستم کار تحقیق خود را به پایان برسانم.

ط: خطه و پلان تحقیق

بحث خود را به یک مقدمه و چهار فصل قرار ذیل تقسیم نموده ام:

مقدمه، که شامل حمد و سپاس و درود، بیان موضوع، اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع، سوالات تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، مشکلات تحقیق، و خطبه بحث می باشد.

فصل اول: مفاهیم عمومی در مورد نکاح

مبحث اول: تعریف، مشروعیت و اهمیت ازدواج.

مطلب اول: مشروعیت ازدواج

مطلب دوم: اهمیت و فضیلت ازدواج

مطلب سوم: حکمت های ازدواج

مطلب چهارم: تکالیف و حقوق در ازدواج

مبحث دوم: تعریف، ارکان، شرایط و اهداف ازدواج

مطلب اول: تعریف عقد ازدواج.

مطلب دوم: ارکان ازدواج.

مبحث سوم: پیشینه تاریخی، تعریف، هدف و ماهیت ازدواج مؤقت

مطلب اول: پیشینه ی تاریخی ازدواج موقت.

مطلب دوم: تعریف ازدواج موقت.

مطلب سوم: هدف ازدواج موقت.

مطلب چهارم: ماهیت ازدواج موقت.

مبحث چهارم: صحت، لزوم و نفاذ عقد نکاح

مطلب اول: شرایط صحت عقد ازدواج.

مطلب دوم: شرایط لزوم عقد ازدواج.

مطلب سوم: شرایط نفاذ عقد ازدواج.

فصل دوم : مجوزین نکاح موقت

مبحث اول: حکم و دلایل قرآنی ازدواج موقت از نظر اهل تشیع

مطلب اول: حکم ازدواج موقت.

مطلب دوم: حکم ازدواج موقت از دیدگاه اهل تشیع.

مطلب سوم: دلایل قرآنی اهل تشیع بر ازدواج موقت.

مبحث دوم: دلایل ازدواج موقت از حدیث و عمل صحابه، از نظر اهل تشیع

مطلب اول: دلایل اهل تشیع از حدیث نبوی (ﷺ).

مطلب دوم: دلایل اهل تشیع از عمل صحابه و تابعین.

مطلب سوم: پیامدهای مثبت ازدواج موقت.

فصل سوم : مانعین ازدواج مؤقت

مبحث اول: تحریم ازدواج موقت از نظر اهل سنت

مطلب اول: حکم ازدواج موقت از دیدگاه اهل سنت.

مطلب دوم: پیامد های منفی ازدواج موقت.

مطلب سوم: تحریم نکاح متعه توسط امیر المؤمنین، عمر.

مبحث دوم: ازدواج موقت در نصوص شریعت.

مطلب اول: در قرآن برای ازدواج موقت احکامی وجود ندارد.

مطلب دوم: عصر پیامبر (ﷺ) از نکاح موقت خالی بود.

فصل چهارم: وجوه اشتراک و دیدگاه های علما به ارتباط زواج موقت

مشترکات ازدواج موقت و دائمی

تفاوت های ازدواج دائمی و موقت

ارکان و شرایط ازدواج موقت

ازدواج موقت در آئینه دیدگاهها

مبحث اول: دیدگاه علمای مذاهب اربعه

مطلب اول: دیدگاه مذهب احناف در باره متعه

مطلب دوم: دیدگاه مذهب مالکی در باره متعه

مطلب سوم: دیدگاه مذهب شافعی در باره متعه

مطلب چهارم: دیدگاه مذهب حنبلی در باره متعه

مبحث دوم: دیدگاه علمای معاصر

مطلب اول: دیدگاه دکتر وهبة الزحیلی در باره متعه

مطلب دوم: دیدگاه دکتر یوسف قرضاوی.

مطلب سوم: حکم نکاح به نیت طلاق.

مطلب چهارم: مناقشه در حکم نکاح متعه.

نتیجه گیری

پیشنهادات

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

فهرست مأخذ و منابع

فصل اول

مفاهیم عمومی در مورد نکاح

مبحث اول: تعریف، ارکان، شرایط و اهداف ازدواج

مبحث دوم: مشروعیت و اهمیت ازدواج

مبحث سوم: چگونگی ازدواج مؤقت از دیدگاه فقها

مبحث چهارم: صحت، لزوم و نفاذ عقد نکاح

مبحث اول

تعریف، ارکان، شرایط و اهداف ازدواج

مطلب اول : تعریف عقد ازدواج

الف) معنی لغوی: ازدواج به کسر الف به معنای با هم جفت شدن، جفت گرفتن، زن گرفتن، شوهر کردن می باشد.²

ب) معنی اصطلاحی: احناف نکاح را چنین تعریف نموده اند:

«هُوَ عِنْدَ الْفُقَهَاءِ عَقْدٌ يُفِيدُ مِلْكَ الْمُتَعَةِ، أَيْ جَلَّ اسْتِمْتَاعِ الرَّجُلِ مِنْ امْرَأَةٍ لَمْ يَمْنَعْ مِنْ نِكَاحِهَا مَانِعٌ شَرْعِيٌّ، قَصْدًا».³

ترجمه: نکاح به نزد فقهاء عبارت از عقدی است که افاده می کند ملک نفع گرفتن را افاده می کند، (استمتاع یا نفع گرفتن مرد از زن) که مانع نشود از ازدواج شخص کدام مانع شرعی به قصد مباشرت.

مطلب دوم : ارکان ازدواج

تعریف ارکان: ارکان از نظر جمهور فقها جمع رکن بوده و آن همان عناصر اساسی است که به آن وجود یک شیء موقوف بوده و در صورت فقدان آن شیء موجود شده نمی تواند.

چنانچه در مذهب احناف ارکان عقد نکاح ایجاب و قبول است طوری که بیان شده:

«وَيُعَقَّدُ أَيُّ النِّكَاحِ: أَيُّ يَثْبُتُ وَيَحْصُلُ انْعِقَادُهُ بِالْإِجَابِ وَالْقَبُولِ»⁴

ترجمه: نکاح انعقاد می یابد، مستحکم و ثابت می شود به ایجاب و قبول.

شرایط ایجاب و قبول:

² حسن ، عمید. ج. 1. ص 110.

³ ابن عابدین شامی، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) (3/3)، نشر: دارالفکر- بیروت، طبع دوم سال 1412 هـ.

⁴ ابن عابدین شامی، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) (3/9).

عقد نکاح وقتی درست مشروعیت و تحقق پیدا می‌کند که آثار مطلوب و نتایج شرعی ازدواج، بر آن مترتب گردد، که شرایط زیر را داشته باشد:

الف: از شرایط ایجاب و قبول اتحاد مجلس است: چنانچه در کتب احناف آمده است: «وَمِنْ شَرَائِطِ الْإِجَابِ وَالْقَبُولِ: اتِّحَادُ الْمَجْلِسِ لَوْ حَاضِرِينَ».⁵

ترجمه: و از شرایط ایجاب و قبول اتحاد یا وحدت و یکجا بودن مجلس است در صورتی که جانبین حاضر باشند.

البته شرط نیست که قبول بلا فاصله بعد از ایجاب باشد. اگر مجلس طول کشید و فاصله افتاد، بین قبول و ایجاب و در این اثنا چیزی پیش نیامد که اعراض و انصراف از ازدواج تلقی گردد، اشکالی ندارد و یک مجلس محسوب

می‌شود. اگر پیش از ادای عبارات دال بر قبول، طرفین از هم جدا شدند، "ایجاب" باطل می‌گردد دیگر پس از آن مجلس قبول تاثیری ندارد. چون از هم جدا شدن آنها، انصراف طرف "قبول" بحساب می‌آید. و همچنین اگر در مجلس ایجاب و قبول، بین آنها به وسیله چیزهائی فاصله افتاد که مجلس را قطع می‌کند و اعراض از قبول تلقی می‌شود، دیگر قبول تاثیر ندارد.⁶

ب: عاقدین کدام مانع شرعی نداشته باشند:

مانند این که اگر یکی از آنها خنثی مشکل، محارم، جنیه، انسان آبی... زیرا در این صورت اختلاف جنس به وجود می‌آید که به اساس آن مقاصد عمومی ازدواج مفقود می‌شود⁷

ج: نباید قبول با ایجاب مخالف باشد، مگر این که مخالفت قبول با ایجاب بسود ادا کننده ایجاب باشد، که در این صورت بیشتر دلالت بر قبول می‌کند، اگر گوینده ایجاب گفت: دختر خود فلانی را به عقد ازدواج تو درآوردم، بر مبلغ مهریه یکصد افغانی - "زوجتك ابنتي فلانة، علی مهر قدره مائة افغانی" - و قبول کننده گفت: عقد ازدواج و نکاح وی را پذیرفتم بر مبلغ مهریه

⁵ ابن عابدین شامی، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) (14 / 3).

⁶ سید سابق، فقه السنه، د.سید سابق، مترجم: د.محمود ابراهیمی، سال 1430 هـ. (نرم افزار) سایت نوار اسلام، www.IslamTape.com.

⁷ ابن عابدین شامی، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) (4 / 3).

دویست افغانی، این عقد صحیح است چون در قبول چیزی آمده است که بیشتر بصلاح طرف ایجاب یعنی زن است.

د: هر دو طرف عقد - متعاقدين - باید سخنانی را از يك ديگر بشنوند که مقصود - از آن ایجاد پیوند زناشویی باشد و بدانند که این کلمات و سخنان بدین منظور ادا می‌شوند، حتی اگر معنی مفردات و تك تك کلمات و الفاظ را جداگانه هم در نیابند و نفهمند، اشکال ندارد، چون هر دو میدانند، مقصود و نیت از گفتن این کلمات و الفاظ، ایجاد پیوند زنان شویی بر مبنای دین است و آنچه که معتبر می‌باشد، قصد و نیت است.⁸

مطلب سوم : شرایط عقد نکاح

منظور از شرایط، اموری است که وجود شیء متوقف بر آنها می‌باشد، اما خارج از حقیقت شیء هستند. اما شرایط عقد ازدواج در مذهب حنفی عبارتند از: شرایط انعقاد، شرایط صحت، شرایط نفاذ و شرایط لزوم. شرایط انعقاد مربوط به ایجاب و قبول و صیغه عقد است مانند وقوع ایجاب و قبول در یک مجلس و تطابق ایجاب و قبول و این که هر یک از متعاقدين کلام یکدیگر را بشنود و بفهمد. همچنین عاقد باید اهلیت صدور لفظ را داشته باشد؛ یعنی دارای عقل و تمیز باشد، بنابراین مجنون و صغیر غیر ممیز نمی‌تواند عقد ازدواج را منعقد نماید. در صورت مسلمان باشد زوجه، زوج نیز باید مسلمان باشد و ازدواج غیر مسلمان با زن مسلمان باطل است. شرایط صحت عقد شرایطی است که بدون آنها عقد معتبر نبوده و از نظر شرعی محترم نمی‌باشد.⁹ برای صحت عقد ازدواج دو شرط بیان شده است؛ شهادت و صلاحیت زن برای عقد ازدواج. شرایط نفوذ عقد؛ شرایطی است که بدون آنها احکام عقود بر متعاقدين نافذ نخواهد بود و عقد متوقف بر اجازه شده و در صورت تحقق اجازه نافذ می‌گردد. مانند اهلیت و ولایت حنفیه چهار شرط را بعنوان شرایط لزوم ازدواج بیان کرده اند: انجام عقد غیر بالغ توسط پدر یا جد پدری یا فرزند، انتخاب مهر المثل یا بیشتر با عنوان مهر در ازدواج توسط بالغه عاقله، فقدان عیب در زوج، کفالت.¹⁰

⁸ سید سابق، فقه السنه، د. سید سابق، مرجم: د. محمود ابراهیمی، سال 1430 هـ. (نرم افزار).

⁹ ابن عابدین شامی، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) (7/3).

¹⁰ شمس الأئمه سرخسی، المبسوط للسرخسی (12/198).

مبحث دوم

مشروعیت و اهمیت ازدواج

نظام اسلام که از طرف پروردگار عالمیان برای حل مشکلات انسان‌ها فرستاده شده، مطابق فطرت انسان و دارای سلامتی است که یکی از بخش‌های سلامتی‌اش را در قالب ازدواج به نمایش گذاشته است.

مطلب اول: مشروعیت ازدواج

1- ازدواج از دیدگاه قرآن:

الله متعال فرموده است: {فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ}.¹¹

ازدواج هسته اساسی خانواده و فامیل در اجتماع محسوب می‌شود و نیز در عین حال رابطه مقدسی است که به اساس حکم شرعی، با در نظر داشت ضرورت‌های عقلی، طبیعی و اجتماعی به میان آمده است. دین مقدس اسلام همان‌گونه که در مقابل بی‌بندوباری و آزاد ساختن غریزه جنسی به مبارزه برخاسته، زنا و کلیه چیزهایی که موجب نزدیک شدن به آن می‌گردد را نیز حرام گردانیده است. همچنان اسلام با سرکوب و خنثی ساختن غریزه جنسی نیز مخالف است و مردم را به ازدواج تشویق نموده و از کناره‌گیری (برای عبادت) و ترک ازدواج منع ساخته است. طوری که ابن حبان در صحیح خود از انس بن مالک رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«تَزَوُّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ، فَإِنِّي مُكَائِرُ الْأَنْبِيَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».¹²

ترجمه: با زنانی ازدواج کنید که شوهر دوست و زایا هستند، زیرا من در روز قیامت بکثرت شما در برابر انبیاء دیگر افتخار می‌کنم.

پس برای مسلمان حلال نیست که به بهانه اینکه می‌خواهد تنها عبادت خدا را انجام دهد از ازدواج دوری گزیند.¹³

¹¹ [النساء: 3]

¹² محمد بن حبان، صحیح ابن حبان (9/ 338)، نشر: مؤسسه رساله - بیروت، طبع دوم سال: 1414 ه ق، قال شعيب الارنؤوط: هذا حديث صحيح لغيره.

2- دلایل سنت نبوی:

راجع به ترغیب و تشویق به ازدواج نمودن احادیث زیادی از پیامبر ﷺ روایت شده است به گونه مثال می توان از حدیث ذیل یاد آوری نمود که حضرت انس رضی الله عنه چنین روایت نموده است:

«جاء ثلاثة رهة الى بيوت ازواج النبي ﷺ يسألون عن عبادة النبي ﷺ، فلما اخبروا كانهم تقالوها، فقالوا: واين نحن من النبي ﷺ قد غفر الله ماتقدم من ذنبه وما تأخر، فقال احدهم، اما انا فاصلى الليل ابدأ وقال آخر: انا اصوم الدهر ولا افطر. وقال آخر: انا اعتزل النساء فلا اتزوج ابدأ. فجاء رسول الله ﷺ الله، فقال انتم الذين قلتم كذا وكذا؟ اما والله انى لا خشاكم الله واتقاكم له لكن اصوم وافطروا صلى وارقد. واتزوج النساء فمن رغب عن سنتى فليس منى».¹⁴

ترجمه: سه گروه به خانه ازواج پیامبر ﷺ آمده راجع به چگونگی عبادات پیامبر اسلام سوالات را مطرح نمودند چون زمانیکه جواب سوالات شان را دریافتند. بخود موضوع عبادت پیامبر اسلام را که ارزیابی داشته گفتند، ما کجا؟ ایشان (پیامبر) کجا؟ زیرا خداوند اول و آخر پیامبر صلی الله علیه وسلم را مغفرت کرده است،

این یکی از ایشان خطاب به دیگران گفت برای همیشه شب را نماز می خوانم و دیگرش گفت من همیشه روزه میگیرم و افطار نمی کنم و دیگرش گفت هر چه شخصاً خودم دیگر برای همیشه شب را از زن ها کناره گرفته ازدواج نمی دارم .

چون زمانی پیامبر ﷺ تشریف آورده از موضوع مطلع شده خطاب به اشخاص موجود فرمودند ایا شما هستید که حرفهای چنین وچنانی را به زبان آورده اید؟

باخبر باشید قسم به خداوند که من به نسبت به شما از خداوند زیاد خوف دارم و تقوی زیاد دارم. درحالیکه عادت من برین است که هم روزه می گیرم و هم افطار می نمایم شب نیز نماز می گزارم و خواب هم می نمایم و ازدواج نیز داشته ام کسی که از سنت من اعراض میدارد وی از امت من نمی باشد.

¹³ قرضاوی، یوسف قرضاوی. حلال و حرام. چاپ هفتم (چاپخانه مهارت 1388). مترجم: ابوبکر ، حسن زاده. ص 212

¹⁴ محمد بن اسماعیل، بخاری، صحیح البخاری فی کتاب النکاح، باب الترغیب فی النکاح (2/7)، نشر دار طوق النجاة، طبع اول سال: 1422 ه.ق.

راجع به ازدواج نمودن احادیث بیسی از پیامبر ﷺ روایت شده است که بحیث مشیت نمونه از خروار گهرین یکی از موارد آنرا نقل داشتم.

3- دلایل اجماع :

ساکنین کره خاکی و جامعه بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان مرد یازن همه اهمیت ازدواج را در نظر دارند و درک می کنند بلکه جامعه بشریت از مشکلات آن به ستوه آمده و نگران اند.

در نظر برخی نگران کننده ترین موضوع برای بشریت مسئله ازدواج است فقرا که به مانند ثروتمندان همه از سنگینی مشکلات ازدواج پریشان اند (قطع نظر از آنکه اکثر مشکلات شان خود ساخته و بی هوده است).

اسلام ازدواج را آسان ترین موضوع معرفی کرده است. حضرت پیامبر اسلام و اصحاب گرامی شان و ائمه سلف و خلف عملاً ازدواج را اجرانموده و در امر چگونگی ازدواج الگوی را به جهانیان راجع به آسانی و ساده گی آن نشان داده اند، اما امروز از دیدگاه هزینه مشکل ترین چیز ازدواج است.

که البته کاربرد چنین روش های طاقت فرسا نه کدام مشروعیتی قرآنی دارد و نه کدام دلیلی سنتی و نه کدام منطق اجماعی.¹⁵

¹⁵ سعید القحطانی، موسوعة الإجماع فی الفقه الإسلامی (86/3)، ناشر: دار الفضیلة للنشر والتوزیع، الرياض، طبع اول سال: 1433 هـ.ق.

مطلب دوم: اهمیت و فضیلت ازدواج

ازدواج، تاریخچه ای به قدمت پیدایش انسان ها در کره زمین دارد و در تمام مکاتب و ادیان مطرح است اما هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای این موضوع اهمیت قایل نبوده است. نظام اسلام که اساس ترقی، رشد و تکامل در تمامی شؤون زندگی را در چگونگی تشکیل خانواده ها می داند، برای این امر مهم اهدافی در نظر گرفته است؛ قرآن مجید خلقت همسران و ایجاد رشته مودت و دوستی بین زن و مرد را از نشانه های شناخت خداوند (ﷺ) شمرده و به برخی از فواید ازدواج مانند آرامش روحی و جسمی، ارضای غریزه جنسی، ایجاد دوستی و علاقه، بقای نسل و تکامل فرد، اشاره می کند چنانچه فرموده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»¹⁶

ترجمه: از جمله نشانه های قدرت خداوند (ﷺ) این است که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفریده تا بدان ها آرام گیرید و میان شما و آن ها دوستی و مهربانی قرار داد. در این (دوستی و محبت) برای کسانی که تفکر می کنند، نشانه هایی وجود دارد.

در کتاب "مبسوط سرخسی" از اهمیت ازدواج و نکاح این چنین تعریف نموده است:

«نَّمَّ يَتَعَلَّقُ بِهِذَا الْعَقْدِ أَنْوَاعٌ مِنَ الْمَصَالِحِ الدِّينِيَّةِ وَالْدُنْيَوِيَّةِ مِنْ ذَلِكَ حِفْظُ النِّسَاءِ وَالْقِيَامُ عَلَيْهِنَّ وَالْإِنْفَاقُ، وَمِنْ ذَلِكَ صِيَانَةُ النَّفْسِ عَنِ الزَّانَا، وَمِنْ ذَلِكَ تَكْثِيرُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى وَآمَةِ الرَّسُولِ»¹⁷

ترجمه: در برنامه عقد نکاح انواعی از مصالح دینی و دنیوی قائم می شود، منجمله حفظ زنان، سرپرستی شان، نفقه شان و همچنان نگهداری نفس انسان از زنا و فحشاء و تکثیر بندگان الله و امت رسول الله ﷺ است.

بنابراین، ازدواج یکی از زیباترین و پربرترین موضوعات زندگی انسان به شمار می رود هیچ رابطه ای جز ازدواج نمی تواند در کنار رفع نیازهای جسمی و روابط عاطفی بین زن و مرد،

¹⁶ [الروم : 21].

¹⁷ شمس الأنمه سرخسی، المبسوط للسرخسی (4 / 192)، نشر: دارالمعرفه - بیروت، بدون طبع، تاریخ نشر: 1414 هـ. نرم افزار شامله.

کاهش اضطراب و احساس آرامش را تامین نماید ازدواج در تمام فرهنگها و ملل مختلف همراه با جشن و سرور و شادمانی است مردم همیشه برای شروع زندگی یک زوج جوان جشن می گیرند و شادی به راه می اندازند.

با در نظر داشت ویژگیها و فواید ازدواج به این نتیجه میرسیم که ازدواج نوعی عبادت است؛ لذا باید برای ایجاد و حفظ معنویت در آن تلاش شود؛ حتی در حدیثی روایت شده که با ازدواج کردن نصف دین تان تکمیل میشود و بعد در نصف متباقی آن بکوشید :

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت، رسول الله ﷺ فرمود:

«إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ كَمَلَ نِصْفُ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي».¹⁸

ترجمه: وقتی که انسان ازدواج میکند نصف دین وی تکمیل میشود و در تکمیل نصف باقی دینش از خدا (ﷻ) بترسد.

¹⁸ البیهقی، احمد بن حسین البیهقی، فی شعب الإیمان - (7 / 341)، نشر مکتبه رشد در ریاض، طبع اول سال 2003م. ، الحدیث (حسن) انظر حدیث رقم: 6148 فی صحیح الجامع، فیض القدیر (6 / 103).

مطلب سوم: حکمت‌های ازدواج

1- کنترل نظر حرام:

انسان توسط ازدواج مشروع می‌تواند از نگاه چشم‌اش با حرام و ارتکاب گناه جلوگیری نماید و آرامش زندگی خویش را حفظ نماید، چنانچه در صحیح البخاری از عبد الله ابن مسعود رضی الله عنهما روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود:

و نیز می‌فرماید: «مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَعْيَضُ لِلْبَصَرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ».¹⁹

ترجمه: هر کس از شما (جماعت مسلمانان) توانایی ازدواج را دارد، ازدواج کند و زن بگیرد؛ زیرا ازدواج موجب می‌گردد تا چشم از نگاه حرام خودداری نماید و عورت از ارتکاب حرام نیکوتر حفظ گردد و اگر کسی توانایی ازدواج را ندارد؛ پس روزه بگیرد تا بدینوسیله شهوتش کم شود و (از مضرات آن محفوظ گردد).

2- مهار کردن غریزه جنسی:

غرایز طبیعی که بشریت دارد اگر محل تخلیه وارضای مجاز نداشته باشند بشر ناچار می‌شود بهرطریق که برایش میسر و مقدرگردد خودش را ارضا می‌کند به این صورت درگرداب هر زگی و بی‌عفتی غرق می‌شود به همین جهت دین برای این غریزه طبیعی نکاح و ازدواج را مجاز اعلام کرده است و از این راه حل برتری دین بر عقل به اثبات می‌رسد.

و همین است که هرزگی چون تجربه برای احدی قابل تحمل برای همیشه نیست. و بادر نظر گرفتن همین نتایج ادیان الهی و آسمانی نکاح را مجاز اعلام کردند. تا برای ارضای غریزه بشر محدودیت و قیود داشته باشد تا در بیماری هرزگی گرفتار نشود عقل از تشخیص نتایج آن قاصر بود.²⁰

3 – کثرت امت و ایجاد محبت: از جمله حکمت‌های ازدواج یکی هم تکثر نسل امت محمد صلی الله علیه و سلم است و ایجاد دوستی و محبت در تشکیل خانواده است، طوری که در حدیث شریف آمده است: «تَزَوَّجُوا الْوُدَّ الْوُلُودَ، فَإِنِّي مُكَائِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ».²¹

¹⁹ - محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری (5/ 1949)، کتاب النکاح.

²⁰ یوسف علی بدیوی، السعادة الزوجية ومقوماتها في ظل الإسلام، نشر اول (دیجیتال)، سال: 1438 هـ، www.qalamlib.com.

ترجمه: با زنی که بسیار زاینده و پر محبت است ازدواج کنید؛ زیرا من «به دلیل افزایش شما مسلمانان» بر امتهای دیگر فخر می‌کنم.

همچنان الله متعال نحوه استفاده از زنان را در امور نکاح برای مردان مسلمان بیان داشته و زنان را به حیث مزرعه قلم داد نموده چنین فرموده است:

{يَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ} .²²

ترجمه: زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آبیید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده.

²¹ ابو عبد الله الحاكم، المستدرک علی الصحیحین للحاکم (2/ 176)، وقال: "هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُخْرَجْ لَهُ بِهَذِهِ السِّيَاقَةِ"، نشر: دارالکتب العلمی بیروت، طبع اول سال: 1411 هـ.

²² [البقره: 223].

مطلب چهارم: تکالیف و حقوق در ازدواج

بدون شک عقد نکاح یا ازدواج حقوقی را بالای زن و شوهر تعیین و تثبیت می نماید که با مراعات نمودن آن شیرازه خانواده استحکام می یابد، پس ابتدا شروع می کنیم از خانم (زوجه)، زوجه دارای دونوع حقوق می باشد:

الف: حقوق مادی .

ب : حقوق معنوی .

1 - حقوق مادی زوج عبارت از پرداخت مهریه است که بنا به آیات قرآن عظیم الشان واحادیث پیامبر اسلام مهر را حق زن دانسته شده که شوهر مکلفیت دارد که دروهله نخست خانمش را از این حق بهره مند سازد.

زیرا الله متعال می فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾.²³

ترجمه: و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید.

و نیز فرموده است: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾.²⁴

ترجمه: پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید ، باید که مهریه او را (چنان که مقرر است بدون کم وکاست و درموعد خود) بپردازید، و این واجبی (از واجبات الهی) است.

و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید.

هدف از مهریه، اظهار اهمیت عقد ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن، اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با اوزمینه ای برای دوام معاشرت و زنده گی زناشوی است و علت اینکه مرد باید متعهد به پرداخت مهریه شود این است که معمولاً مرد ها باتوجه به کار و تجارت درآمد حاصل از آن توانای مالیشان بیشتر به توشه و سرمایه مادی احتیاج پیدامی کند.

²³ سوره النساء آیه 4

²⁴ سوره النساء آیه 24

خداوند ج می فرماید: {الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ}.²⁵

ترجمه: مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

2- همچنان از حقوق مادی دیگری زوجه مخارج زنده گی است، زیرا مرد شرعاً مکلف است که مواد غذایی لباس و مسکن مناسب را برای همسرش فراهم سازد طوری که زن نیاز به پیش خدمت داشته باشد، مرد نیز باید در حد توان پیش خدمتی را برای او استخدام نمایند.

خداوند ج می فرماید: {أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ}.²⁶

همانجا که [خود] سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهد.

3- از حقوق مادی خانم یکی هم موضوع خدمت گار است که پخت و پز و شستشو و دیگر کارهای منزل به همسر واجب نیست.

4 - لباس نیز از جمله حقوق دیگری خانم می باشد که لباس و پوشش مناسب و شخصیت زن و عرق محل که بدن او را بپوشاند و از گرمای تابستان و سرمای زمستان مصون بدارد تهیه کند.

5 - وسایل بهداشت نیز از جمله حقوق مادی زن محسوب میگردد که مرد به اندازه کافی وسایل بهداشت خانمش را مهیا سازد .

6 - مسکن نیز یکی از حقوق مادی همسر محسوب میگردد که شوهر در حد توان باید محل سکونت را به صورت خرید ساخت و یا اجاره برای همسرش فراهم سازد.²⁷

²⁵سوره النساء آیه 37

²⁶سوره الطلاق آیه 6.

²⁷ زحیلی، دکتور و هبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر ص: 174 مترجم: عبدالعزیز سلیمی. www.qalamlib.com.

ب: حقوق معنوی خانم

حسن سکون با زوجه از جمله حقوق معنوی خانم به شمار می رود خداوند متعال می فرماید:
{وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا}.²⁸

و با آنها بشایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوانی قرار میدهد.²⁹

حقوق مشترك زن و شوهر :

درباره قایم نگهداشتن رشته نکاح در شریعت اسلام هدایات تفصیلی وارد شده است که بعد از قایم شدن رشته نکاح برای محکم نگهداشتن آن به طور اصول میان مرد و خانمش نشان دادن حقوق و فرایض دایره عمل و تعیین اختیارات آن و هدایت برای هر موقع به این خاطر داده شده است که این یگانه رشته است که بعد از با شعور شدن يك مرد و يك زن بر این مدت طولانی دريك جا باهم معیشت میدارند که به اساس این رشته مرد وزن باهم آن قدر نزدیک می شوند که چون نزدیک بودن گوشت و خون این رشته سبب نزدیک و درازی اش بسیار نزاکت ها را دارا بوده است که از حقوق مشترك مرد وزن است همواره در محکم ساختن و قایم کردن آن سعی به خرچ دهند و هر کدام متوجه دایره عمل وصیت خود باشند تا آن که این رشته قطع نگردد و در ضعف آن کوشش نکند و مشترکاً در نگهداری رابطه زناشویی تلاش ورزند اگر زن و شوهر در امر قایم نگهداشتن رابطه زوجیت مشترکاً حقوق یکدیگر را مراعات نکنند یقیناً از سهلنگاری و ناشناسی حقوق یکدیگر رابطه زناشویی از هم می باشد.³⁰

حق خود داری استفاده از غیر محل نسل :

محل ارتباطات جنسی بین زن و شوهر در دین مبین اسلام مشخص شده است اسلام موضعی را که پاکیزه و مورد بهره برداری و به دور از هرگونه عوارض نامطلوب است که به این منظور

²⁸ سوره النسا ایه 19

²⁹ داکتر مصطفی- خرم دل، تفسیر نور، ناشر (احسان ت تهران: 1388 چاپ خانه اسوه چاپ هفتم).

³⁰ مولانا مجیب الله، ندوی . فقه اسلامی . (1388)، مترجم : گل ملا ، همکار . ج 1 ص 463

اختصاص داده است و مسلمانان را از تماس با زنان خود از طریق انحرافی و خلاف فطرت ناپاک «از عقب» برحذر داشته است.³¹

الله متعال می فرماید: {نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ} ³²

ترجمه: زنان شما محلّ بذرافشانی شما هستند، پس از هر راهی که می‌خواهید به آن محلّ درآید (و زناشویی نمائید به شرط آن که از موضع نسل تجاوز نکنید)، و برای خود (با انتخاب همسران شایسته و پرورش فرزندان صالح و بایسته، توشه‌ای) پیشاپیش بفرستید، و از خدا خویشتن را برحذر دارید (و به هنگام حیض با زنان نزدیکی نکنید و از راهی جز راه بقای نوع بشر با ایشان زناشویی ننمائید) و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد (و از شما درباره اعمال و اقوالتان پرسیده خواهد شد)، و مژده بده به مؤمنان (که بارعایت حدود دین، سعادت اخروی و رضایت پروردگار را به دست خواهند آورد).

که بارعایت حدود دین سعادت اخروی و رضایت پروردگار را به دست خواهند آورد.³³
حق برگزاری محفل شادمانی در چوکات فرهنگ اسلام:

دربعضی از عروسی‌ها از بعضی احادیث زدن دایره «دف» و اشعار مطلوب خواندن ثابت شده است، چنانکه در زمان رسول الله ﷺ زنها به مساجد می رفتند لکن بعداً اصحاب کرام رضی الله عنهم به اساس پیداشدن فتنه زنان را از رفتن به مساجد منع کردند، چنانچه در صحیح البخاری از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود:

عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ «لَوْ أَدْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَحَدَتْ النِّسَاءَ لَمَنَعَهُنَّ كَمَا مُنِعَتْ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ قُلْتُ لِعَمْرَةَ أَوْ مُنِعْنَ قَالَتْ نَعَمْ».³⁴

ترجمه: از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت که می فرمود: اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌دانست که زنان (این زمان در آرایش و تجمل) به چه وضعیت قرار دارند حتماً آنها را از رفتن به مساجد منع میکرد، چنانچه زنان بنی اسرائیل (از رفتن به مساجد) منع شده بودند.

³¹ قرضاوی. حلال و حرام در اسلام ص 240

³² سوره بقره آیه 223.

³³ داکتر مصطفی، خرم دل، تفسیر نور، ص 69

³⁴ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، فی کتاب الاذان (173/1).

همچنان درین وقت که سازوسرود درزنده گی مردم درآمده است به این سبب از آن پرهیز کردن بسیار ضروری می باشد.

موسیقی یا سازوسرودی که در زمان حاضر مردم در عروسی ها استفاده می میکنند تنها به (دف یا دایره) اکتفا نمی شود پس در مکروه بودن آن هیچ جای شک و شبهه باقی نی ماند چون بسیاری اوقات صدای دختران جوان بلند می شود علاوه برآن ده ها مشکل دیگری را ایجاد می کند که دلیل ممنوعیت آن از این حدیث شریف گرفته می شود:

در صحیح البخاری از ابو مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود:

«لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَجْلُونَ الْحَرَ وَالْحَرِيرَ وَالْحَمَرَ وَالْمَعَازِفَ وَلَيُنزِلَنَّ أَقْوَامٌ إِلَى جَنْبِ عِلْمٍ يَرُوحُ عَلَيْهِمْ بِسَارِحَةٍ لَهُمْ يَأْتِيهِمْ يَغْنِي الْفَقِيرَ لِحَاجَةٍ فَيَقُولُونَ: ارْجِعْ إِلَيْنَا غَدًا فَيَبِيئُهُمُ اللَّهُ وَيَضَعُ الْعِلْمَ وَيَمْسُحُ آخِرِينَ قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»³⁵

ترجمه: در میان امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا و لباس ابریشمی و شراب و آلات موسیقی را حلال می شمارند، و گروهی در پهلوی کوه بلندی فرود می آیند که با گوسفندان خود شب گذرانند، کسی برای رفع نیازمندی به نزدشان می آید، برایش می گویند: فردا نزد ما بیا، اما شب هنگام الله متعال کوه را بالای آنان می اندازد و هلاک شان می کند، و گروه دیگری را الله متعال به شکل میمون و خوک تبدیل (مسخ) می کند که تا روز قیامت به همین صورت باقی خواهند ماند.

توضیح: در حدیث فوق رسول الله ﷺ از پیش آمدگناهای خبر میدهد که دامن گیر مردمی از امتش میشود مانند: ارتکاب زنا، پوشیدن ابریشم (به مردان) شراب نوشی و گوش دادن به آلات موسیقی از قبیل: دهل، عود رباب و غیره است و چنان این آلات را استعمال میکنند که گویا برایشان حلال و جایز میباشد. و اگر استعمال این آلات و استماع آواز آنها حلال میباشد، رسول الله ﷺ جمله (یستحلونها) را استعمال نمی کرد.

علامه انور شاه کشمیری در العرف الشذی شرح ترمذی بعد از اینکه اسناد حدیث فوق را تأیید نموده گفته: و عجب است از بعضی صوفیه که معازف را جواز داده اند، و تمام احادیث وارد شده در نهی را نادیده گرفته اند.³⁶

³⁵ محمد بن اسماعیل بخاری صحیح البخاری، کتاب الاشریه (837/2) باب ماجاء فیمن یستحل الخمر.

مبحث سوم

چگونگی ازدواج موقت از دیدگاه فقها

مطلب اول - ازدواج موقت از دیدگاه فقها :

در رابطه به پیشینه تاریخی ازدواج موقت یا متعه، نظر علمای جید مذاهب را بررسی می کنیم که قرارذیل بیان کرده اند:

1- از نظر مذهب حنفی:

«واعلم أن نكاح المتعة قد كان مباحا بين أيام خيبر وأيام فتح مكة إلا أنه صار منسوخا بإجماع الصحابة رضي الله تعالى عنهم حتى لو قضي بجوازه لم يجز ولو أباحه صار كافرا كما في المضمرات لكن ليس فيه تعزير ولا حد ولا رجم كما في الننف فعلى هذا يلزم عدم ثبوت ما نقل من إباحته عند مالك»³⁷

ترجمه: بدون شک نكاح متعه در میان روز های خیبر و فتح مکه مباح قرار گرفته بود، و بعد از آن به اجماع صحابه رضی الله عنهم منسوخ گردید، حتی اگر کسی به جواز آن فیصله نماید، این جواز درست نیست، اگر مباح گرداند کافر می شود، چنانچه در کتاب مضمرات گفته است، لیکن در آن تعزیر و حد و رجم نیست، چنانچه در الننف³⁸ آمده، بنابر این عدم ثبوت اباحت آن پیرامون آنچه که از امام مالک رحمه الله نقل کرده اند ثابت می شود.

همچنان در کتاب المبسوط بیان کرده است:

«بلغنا عن رسول الله - صلى الله عليه و سلم - أنه أحل المتعة ثلاثة أيام من الدهر في غزاة غزاهما اشتد على الناس فيها العزوبة ثم نهى عنها»³⁹

³⁶ ابو عیسیٰ ترمذی سنن الترمذی، باب الأجراس علی الخیل: 300/1، نشر: دارالغرب الاسلامی، بیروت، سال 1998م.

³⁷ مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر (488 /1) تألیف: عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان، طبع بیروت، سال: 1415هـ.

³⁸ (الننف فی الفتاوی لأبو الحسن علی بن الحسین بن محمد السُّعْدِي، حنفی "المتوفی: 461هـ).

³⁹ المبسوط للسرخسی (83 /4).

ترجمه: حدیث رسول الله ﷺ برای ما رسیده است که نکاح متعه را در تمام تاریخ روزگار، سه روز مباح قرار داده است و بس، که آنهم در جنگ ها مسلمانان به مشکلات مواجه شده بودند و بعد از آن منع قرار گرفته است.

2- از نظر مذهب مالکی:

«وَأَمَّا نِكَاحُ الْمُتَعَةِ حِكْمُهُ : فَإِنَّهُ وَإِنْ تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَحْرِيمِهِ ، إِلَّا أَنَّهَا اخْتَلَفَتْ فِي الْوَقْتِ الَّذِي وَقَعَ فِيهِ التَّحْرِيمُ»⁴⁰

ترجمه: در مورد نکاح متعه و حکم آن: بدون شک اگرچه احادیث در تحریم آن به تواتر رسیده، لیکن در وقت تحریم آن اختلاف است.

بدین ترتیب، اهل سنت در اینکه ازدواج موقت در صدر اسلام حلال بوده است شکی ندارند اما این حکم در زمان رسول خدا (ﷺ) و به زبان آن حضرت (ﷺ) نسخ و تحریم شده است. اما اهل تشیع عقیده دارند که این حکم مشروعیت ازدواج موقت، نسخ نشده و تا روز قیامت ادامه دارد. از این رو، حکم به تحریم و نسخ آن از جانب رسول خدا (ﷺ) بی اساس می دانند.⁴¹

3- از نظر مذهب شافعی:

امام شافعی رحمه الله در کتاب (الام) گفته است:

«نِكَاحُ الْمُتَعَةِ الْمُنْهَى عَنْهُ كُلُّ نِكَاحٍ كَانَ إِلَى أَجَلٍ مِنْ الْأَجَالِ قَرَبًا أَوْ بَعْدًا وَذَلِكَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ نَكَحْتُكَ يَوْمًا أَوْ عَشْرًا أَوْ شَهْرًا أَوْ نَكَحْتُكَ حَتَّى أُخْرَجَ مِنْ هَذَا الْبَلَدِ...»⁴²

ترجمه: نکاح متعه یا موقت ممنوع هر آن نکاح است که برای آن یک وقت معین شده باشد، وقت نزدیک باشد یا دور چنانچه مرد برای زن بگوید: ترا به نکاح گرفتم یک روز یا ده روز یا یکماه یا نکاح کردم با تو تا وقتی که از این شهر خارج شوم....

4- از نظر مذهب حنبلی:

⁴⁰ بداية المجتهد ونهاية المقتصد (ص: 440) لابن رشد القرطبي، طبع بيروت لبنان سال: 1415 هـ.

⁴¹ عبدالحسين، اميني. (1340 هـ.ش). الغدير في الكتاب والسنة والادب. مترجم: محبتقى، واحدی. ج. 6. دوم. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.

⁴² الام - دار المعرفة (79 / 5).

«مسألة : قال رحمه الله تعالى : ولا يجوز نكاح المتعة، معنى نكاح المتعة أن يتزوج المرأة مدة مثل أن يقول زوجتك ابنتي شهرا أو سنة أو إلى انقضاء الموسم أو قدوم الحاج وشبهه سواء كانت المدة معلومة أو مجهولة فهذا نكاح باطل»⁴³

ترجمه: امام احمد رحمه الله فرموده : نكاح موقت جواز ندارد، معنى نكاح موقت اين است كه يك زن به نكاح گرفته شود به يك مدت مانند اين كه بگويد شخص : من با تو ازدواج دو ماه يا يكسال يا تا گذشت فلانه موسم يا تا آمدن حجاج... برابر است كه مدت معلوم باشد يا مجهول، پس اين نكاح باطل است.

⁴³ المغني (7 / 571).

مطلب دوم - تعریف ازدواج موقت:

الف) معنی لغوی: ازدواج موقت (متعّه): عبارت از چیزی است که از آن انتفاع قلیل و غیر باقی برده شود.⁴⁴ و همچنین متعه: عبارت از آن چیزی است که از آن تمتع و برخورداری شود. زنی که جهت تمتع زناشویی بر ای مدت معینی گرفته شود و همچنان به معنای متعه زن چیزهای که بعد از طلاق به زن می رسد از قبیل البسه و زینت آلات می باشد آمده است.⁴⁵

واژه متعه: تمتع و مشتقات آن در قرآن کریم به معنای مختلفی آمده است که هر یک از آنها در اینجا به طور مختصر بیان میگردد.

1- متعه: به معنای زاد و توشه: (مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ).⁴⁶

ترجمه: همه اینها برای بهره‌گیری شما و چهار پایانتان است!

2- متعه: به معنای منفعت و سود: (ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبِئَةِ).⁴⁷

ترجمه: این متاع زندگی دنیا است و در نزد خداوند (ﷻ) فرجام نیک است.

3- متعه: به معنای بقا: (قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ).⁴⁸

ترجمه: کسی که کفر ورزد در این جهان او را اندکی باقی گذارم ولی در آخرت معذب در آتش گردانم.

4- متعه: به معنای عطا: (وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَىٰ الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ).⁴⁹

⁴⁴ علی اکبر، قرشی (1307 ه.ش). قاموس قرآن. ج. 6. اول. تهران: دارالکتب الاسلامی، (ص: 227).

45- حسن، عمید. فرهنگ عمید. ج 2. ص 1053.

⁴⁶ (النازعات، 33) ..

⁴⁷ (آل عمران، 14).

⁴⁸ (بقره، 163).

⁴⁹ (بقره، 236).

ترجمه: زانی راکه طلاق داده اید قبل از مباشرت آنها را از چیزی بهر مند سازید. دارابه اندازه توان خود و نادار به اندازه توان خود بهره شایسته ای که سزاوار مقام نیکوکاران است.

فقها در مورد تفریق بیشتر از متعه معنای آخری یعنی عطا و دادن را اراده کرده اند. متعه به معنای عطا کردن یا مهر المتعه در مورد لازم است که مردی، زنی را بدون تعیین مهر عقد کند و سپس پیش از مباشرت و دخول طلاق دهد در این مورد مرد یاد شده باید به زوجه مطلقه خود چیزی متناسب با وضعیت و تمکن مالی خود بدهد، آن چیز متعه است.

5- متعه: به معنای حج تمتع: (فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَاءً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ).⁵⁰

ترجمه: هر کس از عمره تمتع به حج باز آید، قربانی کند هر چه مقدور او است و هر کس به قربانی تمکن نیافت سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز هنگام مراجعت که ده روز تمام شود. این عمل برای کسی است که اهل شهر مکه نباشد. قابل یادآوری اینکه مخالفان ازدواج موقت حکم حج و عمره تمتع را نیز قبول ندارند.

ب) معنی اصطلاحی:

در رابطه به معنای اصطلاحی نکاح متعه یا موقت علمای مذاهب چهارگانه آن را این چنین تعریف کرده اند:

1- از نظر مذهب حنفی:

«وَتَفْسِيرُ الْمُتَعَةِ أَنْ يَقُولَ لِامْرَأَتِهِ: أَتَمَّتْ بِكَ كَذَا مِنْ الْمُدَّةِ بِكَذَا مِنَ الْبَدَلِ، وَهَذَا بَاطِلٌ عِنْدَنَا»⁵¹

ترجمه: معنای واضح متعه این است که یک شخص به زن بگوید من از شما (این نوع استفاده را) به این مدت در بدل این (پول) استفاده می کنم؛ و این باطل است در مذهب ما.

2- از نظر مذهب مالکی:

⁵⁰ {بقره، 169}.

⁵¹ شمس الأئمة سرخسی، المبسوط للسرخسی (5/ 152).

نکاح متعه (ازدواج موقت) آنست که لفظ عقد موقت به یک وقت باشد مثلاً شخصی در یک خانم بگوید: تو در مقابل این مقدار پول و به مدت معین نفس خود را در اختیار من قرار بدهی و یا اینکه به ولّی آن بگوید فلانه را در مقابل این مقدار پول مدت یک ماه و یا چند روز به ازدواج من بدهی. و ولّی در مقابل بگوید در مدت این قدر وقت قبول کردم.

3- از نظر مذهب شافعی: نکاح متعه همان نکاح در مدت معین می باشد. مثلاً شخصی به زنی بگوید به مدت این قدر وقت بامن ازدواج کن.

4- از نظر مذهب حنبلی: نکاح متعه همان ازدواج در مدت است برابر است که مدت معلوم باشد
یانباشد.⁵²

⁵² عبد الرحمن الجزيري (1347 هـ.ش). الفقه على المذاهب الأربعة. ج. 4. طبع اول. بیروت: دارالفکر. ص. 52.

مطلب سوم - ماهیت ازدواج موقت:

در ارتباط با ازدواج، این پرسش مطرح است که ماهیت ازدواج چیست؟ و آیا ماهیت ازدواج موقت همانند ماهیت ازدواج دائم است؟ در کتاب قاموس قرآن چنین آمده است: متعه را از آن جهت متعه گویند که آن مورد انتفاع است تا مدت معلومی، به خلاف نکاح دائمی که مدت معلوم ندارد.⁵³

راغب در مفردات، متعه را این گونه بیان کرده است: متعه النکاح آن است که مرد، زنی را به مهریه و مال مشخصی که به او می دهد، برای مدت مشخص و معلوم به عقد در می آورد و پس از پایان مدت بدون طلاق از یک دیگر جدا می شوند.⁵⁴

بنابراین، حقیقت نکاح موقت این است که در این نکاح پیمان مشخص طرفین مرد و زن بر پایه ی مدت مشخص و مهر معلوم می باشد و نیز اگر مهریه در عقد موقت، تعیین نگردد عقد موقت از اساس باطل است و این درحالی است که در عقد دائم، اساساً زمان تعیین نمی گردد و در واقع، زمان آن تا پایان عمر یکی از زوجین است؛ چه این که فوت یکی از زوجین، یکی از اسباب انحلال نکاح است که البته این ویژگی در نکاح موقت نیز وجود دارد. تعیین مهریه، اگرچه در عقد دائم لازم است ولی از ارکان عقد دائم محسوب نمی شود، پس اگر در عقد دائم، تعیین مهریه فراموش شود و یا حتی عمداً مهریه تعیین نگردد، عقد ازدواج دائم صحیح بوده و زوجین می توانند پس از اجرای عقد، مهریه را به صورت توافقی تعیین کنند (مهر المسمی) و یا محکمه، تعیین مهریه می شود (مهر المثل). با این توصیف، آیا می توان گفت: ازدواج موقت دارای ماهیت قرارداد مالی است؟ آیا ماهیت ازدواج موقت، همانند ماهیت یک معامله و تجارت است که از طریق آن، پول و کالا مبادله می شود؟ البته تردیدی نیست - همان طور که گذشت - تعیین مهریه در عقد موقت، از ارکان آن است، ولی این امر، عقد موقت را به یک قرارداد تجاری یا مالی تبدیل نمی کند. باید اعتراف کرد که تعیین ماهیت، برای ازدواج موقت، دشوار است. بر این اساس، ازدواج موقت یک امر عرفی است که در این صورت، این پرسش مطرح است که آیا از نظر عرف، ازدواج موقت دارای ماهیت مالی و قراردادی، همانند قرارداد تجاری است؟ به نظر می رسد که عرف، ازدواج موقت را قرارداد مالی تلقی نمی کند. نتیجه آن که سخن نویسنده این رساله ازدواج موقت آنچکه از ارکان معلوم می شود یک عقد قرارداد مالی بین زن و مرد می باشد.⁵⁵

⁵³ علی اکبر، قرشی (1307 ه.ش). قاموس قرآن. ج. 6. ص. 227.

⁵⁴ حسین ابن محمد، راغب اصفهانی. (1383 ه.ش). مترجم: غلام رضا.

⁵⁵ مرتضی، عسکری، محمد جواد کرمی ازدواج موقت در اسلام، (ج 1 ص 12) تهران، دارالکتب الاسلامی. (1377 ه.ش).

مبحث چهارم

شرایط صحت، لزوم و نفاذ عقد نکاح

مطلب اول - شرایط صحت عقد ازدواج:

شروط صحت عقد ازدواج شرایطی اند که موجودیت آنها جهت مرتب شدن اثر بر عقد ضروری پنداشته می شود هرگاه یکی از این شروط در ازدواج موجود نباشد عقد ازدواج به نظر حنفیه فاسد و به نظر جمهور فقها باطل است.

در ماده 77 قانون مدنی افغانستان آمده است «شرایط صحت و نفاذ عقد ازدواج عبارت اند: ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین، اولیا و یا وکلای شان. حضور شهود. عدم موجودیت حرمت دایمی یا موقت بین ناکح و منکوحه»⁵⁶ اما به موجب فقه شرایط خصوصی صحت عقد ازدواج قرار آتی اند.

عدم موجودیت حرمت دایمی و موقت، حضور شهود، رضا و اختیار طرفین، معین بودن زوجین، عدم احرام زوجین به حج، عدم کتمان عقد نکاح، عدم مصاب بودن یکی از طرفین عقد ازدواج به مرض مخوف و صعب العلاج و حضور ولی است.

البته درباره ی بعضی این شرایط میان فقها وحدت نظر ولی درباره ی بعضی دیگر اختلاف نظر وجود دارد در ذیل هر یک از این شرایط را در روشنایی فقه اسلامی به صورت مختصر بالترتیب مورد تحلیل قرار میدهیم.

1) عدم موجودیت حرمت بین ناکح و منکوحه :

از دیدگاه قرآن و سنت نبوی حتی از دیدگاه فقهای اسلامی ازدواج کردن با محرم خود قطعاً حرام بوده، این یک شرط اساسی در ازدواج بین دختر و پسر می باشد که باید ازدواج کننده گان از جمله اصول و فروع همدیگر نباشند. بنا بر این ازدواج شخص با محرمات دایمی و موقت حرام است.

محرمات: جمع محرم است که از ریشه حرم گرفته شده و به معنای حرام می باشد، پس در اصطلاح حقوقی محرمات به زنانی اطلاق می گردد که شخص نمی تواند با آنها ازدواج نماید. محرمات بدو دسته یعنی موبد و موقت منقسم میگردد.

2) حضور دو نفر شاهد با اهلیت :

⁵⁶ وزارت عدلیه. جریده رسمی. قانون مدنی افغانستان، فصل اول، ص 10.

یکی از شرایط صحت عقد ازدواج: عبارت از این است که دو نفر شاهد مرد و یا یک نفر شاهد مرد با دونفر شاهد زن در حین انعقاد عقد ازدواج باید وجود داشته باشد فقهای اهل سنت به جز امام مالک اتفاق نظر دارند بر این که شهادت شرط صحت عقد ازدواج است پس ازدواج بدون شهود صحیح نیست زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ وَلَا نِكَاحَ إِلَّا بِشُحُودٍ» 57

ترجمه: نکاح صحت نکاح ندارد مگر در حضور ولی و نیست نکاح مگر در حضور شاهد.

طبق این حدیث پیامبر (ﷺ) شرایط که باید در شاهد رعایت گردد قرار ذیل اند :

الف) عاقل و بالغ بودن شهود:

جهت صحت شهادت شرط است که شاهدان عاقل و بالغ باشند بنا بر این شاهدان مجنون به سبب عدم تحقق هدف شهادت یعنی اعلان و اثبات ازدواج در آینده در صورت انکار یکی از زوجین و یا طفل ناشی از ازدواج صحیح نیست. هر گاه طرفین مسلمان باشند فقها بدون اختلاف مسلمان بودن شهود را شرط صحت ازدواج تلقی می نمایند پس شهود قرارگرفتن کافر حین انعقاد عقد ازدواج مسلمان صحیح نیست ولی هرگاه زن اهل کتابیه باشد در فقه دونظر وجود دارد. امام شافعی، امام احمد، امام محمد و زفر (رحمه الله علیهم) بر این نظر اند که شهود باید مسلمان باشند ولی امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف (رحمه الله علیهم) بر این باور اند که نکاح زن اهل کتابیه در حضور دو شاهد اهل کتابیه صحیح است همچنان شنوا بودن یعنی کر نبودن شهود شرط دانسته شده است. در باره بینایی شهود در فقه دونظریه وجود دارد فقهای شافعیه بر این نظر اند بینایی شهود شرط صحت شهادت تلقی می گردد برعکس به نظر جمهور فقها بینایی شرط صحت شهادت در حین عقد ازدواج نیست.

ب) تعدد شهود:

به اتفاق نظر فقهای مذاهب چهارگانه تعدد شهود شرط صحت عقد ازدواج تلقی می گردد که حد اقل نصاب آن به نظر حنفیه دو مرد و یا یک مرد و دو زن می باشد بنا بر این نکاح به حضور شاهد واحد منعقد نمی گردد زیرا پیامبر (ﷺ) فرموده است: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ وَشَاهِدَيْنِ» 58

ترجمه: هیچ نکاح بدون حضور ولی و حضور گواهان درست نیست .

57- احمد بن حسین بن علی، بیهقی. (1344 ه.ش). سنن کبری. ج6 ص111.

58- سلیمان بن احمد، طبرانی. معجم الکبیر. ج11. ص155.

در باره شهادت زنان در عقد ازدواج در فقه دونظریه ی متفاوت وجود دارد فقهای شافعیه و حنابله بر این نظر اند که شرط صحت شهادت این است که شهود مرد باشند. در غیر آن چنین ازدواج صحیح نیست. بر عکس فقهای حنفی بر این نظر اند که شهادت دو زن و یک مرد در عقد ازدواج مانند شهادت در اموال صحیح است.

ج) عادل بودن شهود وقت شهادت:

در باره ی عادل بودن شهود در فقه دو نظر وجود دارد فقهای حنفیه بر این نظر اند که عدالت شاهدان شرط صحت عقد ازدواج نیست پس ازدواج در حضور شاهدان فاسق نیز صحیح است. جمهور فقها با توجه به این حدیث فوق حضور شاهدان عادل را شرط صحت عقد ازدواج میدانند چنانچه پیامبر (ﷺ) می فرماید: «لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ وَشَاهِدَيْنِ عَدْلٍ»⁵⁹

ترجمه: هیچ نکاح بدون حضور ولی و حضور گواهان عادل صحیح نیست .

طبق ماده (77) فقره اول قانون مدنی افغانستان برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم است «انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین اولیا یا وکلای شان».⁶⁰ طبق نص این ماده ایجاب و قبول توسط عاقدین اولیا و یا وکلای آنها شرط صحت و نفاذ عقد ازدواج تلقی می گردد ولی طبق فقه ایجاب و قبول صحیح که صیغه عقد نامیده می شود شرط انعقاد عقد ازدواج تلقی می گردد.

59- احمد بن حسین بن علی، بیهقی. سنن کبری. ج.7. ص111.

⁶⁰ وزارت عدلیه. جریده رسمی. قانون مدنی افغانستان، فصل اول، ص.10.

مطلب دوم - شرایط لزوم عقد ازدواج:

بعد از آنکه عقد ازدواج با تمام شرایط آن منعقد گردد، یک سلسله شرایط دیگری نیز بر آن مرتبط می شود که فقها آنرا تحت عنوان شرایط لزوم یاد کرده اند. معنای لزوم عقد آنست که هیچ کدام از زوجین و یا افراد دیگری که ضرر عقد متوجه آنها میشود پس از اتمام حق فسخ نداشته باشند. مراد از شروط لزوم شروطی است که هرگاه تحقق پیدا کند هیچ کس حق ندارد آنرا فسخ کند. و چنانچه هیچ یکی از این شروط و یا یکی از آنها تحقق پیدا نکند عقد غیر لازم بوده و فسخ آن نیز جایز است. طبق قواعد عمومی شروط لزوم شروطی اند که استمرار و بقای عقد متوقف بر موجودیت آنها است. بنا بر این هرگاه یکی از شرایط لزوم در عقد موجود نباشد عقد جایز و غیر لازم است. و طرفین عقد و یا یکی از آنها میتوانند عقد را فسخ نمایند و برای اینکه عقد ازدواج لزوم پیدا کند باید موجوبات فسخ در آن وجود نداشته باشد. جهت لزوم عقد ازدواج تحقق شرایط آتی ضروری است.⁶¹

کفایت در عقد ازدواج لازم است:

کفایت از نگاه لغوی به معنای مساوات و مماثلت است مثلاً گفته میشود که فلانی کفو فلانی است یعنی فلانی مساوی به فلانی است از نگاه اصطلاحی: عبارت است مساوات و برابری است که در امور مخصوص بین زوجین برقرار می باشند.

در صورتی که زن عاقله و بالغه با شخص دیگری بدون رضایت اولیا در برابر مهر مثل ازدواج نماید جهت لزوم عقد ازدواج شرط است که زوج کفو زوجه باشد بنا بر این درمورد که زوج کفو زوجه نباشد ولی عاصب(پدر، پدرکلان، کاکا، و پسر کاکا) وی می تواند اعتراض و فسخ عقد را مطالبه نمایند. خصوصاً در حالتی که به این ازدواج رضایت نداده باشد که در این حال حق اعتراض و فسخ را خواهد داشت. دلیل آن اینست که کفو حق مشترکی است میان زن و اولیای او و چنانچه حق زن ساقط شود حق اولیای او محفوظ خواهد ماند اما این حق مادام ثابت است که زن فرزندی به دنیا نیاورده و یا حامل نباشد. چون در این حال حق اعتراض ساقط خواهد شد زیرا در اینجا تربیت و نگهداری فرزند بالاتر از حق اعتراض اولیای زن است.⁶²

⁶¹ علاء الدین، الکاسانی. (1982 هـ.ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. ج. 2. طبع اول بیروت: دارالفکر.

⁶² سید سابق. (1360). فقه السنه. مترجم: محمود، ابراهمی. ج. 2. طبع چهارم. بیروت: دارالفکر.

مطلب سوم - شرایط نفاذ عقد ازدواج:

شرط نفاذ: عبارت است شرطی است که نافذ بودن حق منوط بر تحقق آن است. تفاوت این شرط با شرط انعقاد و صحت این است که عدم تحقق شرط انعقاد و صحت موجب بطلان عقد میشود در حالیکه عدم رعایت شرط نفاذ موجب بطلان عقد نمی گردد. ولی ترتیب اثر حقوقی منوط بر تحقق آن است بنا بر این تا زمانی که شرط نفاذ عقد محقق نشود عقد صحیح منعقد شده نمی تواند موجب ایجاد اثر حقوقی گردد بهترین مثال که می توان برای چنین عقدی ارایه کرد عقد فضولی است که نفاذ آن منوط بر اعطای اجازه توسط شخصی است که عقد برای او انعقاد یافته است. اگر ازدواج صغار و یا مجانین مطرح بحث باشد در آن صورت جهت انفاذ آن موجودیت اجازه ولی این گونه اشخاص حتمی و لازمی می باشد. در غیر آن صورت عقد ازدواج آنها باطل میباشد. از آنچه که گفته شد چنین نتیجه گرفته می شود که شروط نفاذ عقد ازدواج شروطی اند که ترتیب اثر حقوقی بر عقد موقوف بر موجودیت آنها بعد از انعقاد عقد به صورت صحیح است. بنا بر این هرگاه یکی از شرایط نفاذ موجود نباشد عقد ازدواج به نظر فقهای حنفیه و مالکیه موقوف است بنا بر این در ذیل شروط نفاذ عقد ازدواج را در فقه بعد از آن قانون مدنی افغانستان مورد مطالعه قرار میدهیم.

شروط نفاذ عقد ازدواج:

فقها به صورت عموم جهت نفاذ عقد ازدواج و مرتبط شدن اثر بر آن شرایط زیر را لازم میدانند.

1- اینکه طرفین عقد ازدواج دارای اهلیت کامل باشد هر گاه طرفین عقد ازدواج را به صورت مباشر و یا توسط وکیل خویش منعقد نمایند باید دارای اهلیت کامل یعنی عاقل و بالغ باشد بنا بر این در صورت عاقل و بالغ بودن طرفین عقد نافذ و آثار مانند حلّیت استمتاع جنسی پر داخت مهر حرمت مصاهره و ... بر عقد ازدواج مرتبط میگردد ولی امام محمد (رحمه الله) بر این باور است که هرگاه زن عاقله و بالغه نکاح خود را به صورت مباشر بدون ولی با دیگری منعقد نماید نفاذ عقد ازدواج موقوف بر اعطای اجازه ولی است .

بنا بر این هرگاه طفل ممیز عقد ازدواج را به صورت مباشر منعقد نمایند نفاذ عقد ازدواج به نظر احناف منوط بر اعطای اجازه توسط ولی او است. در صورت که طفل غیر ممیز و یا

مجنون عقد ازدواج خویش را منعقد نمایند اصلاً عقد انعقاد نمایاند فقهای شافعیه و حنابله بر این نظر اند که تصرفات طفل ممیز و غیر ممیز اصلاً انعقاد نیافته و باطل پنداشته می شود.⁶³

اینکه زوجه رشید باشد در صورت که عقد ازدواج را خودش منعقد نماید در صورت که رشید نباشد به نظر فقهای مالیکه عقد وی متوقف به اجازه ولی او است فقهای شافعیه و حنابله بر این نظر است که رشد شرط صحت عقد ازدواج است پس بدون اجازه ولی عقد وی باطل است. بر عکس فقهای حنفیه میگویند که رشد شرط صحت و نفاذ عقد ازدواج نیست هر گاه سفیه زنی را به نکاح خود در بیاورد ازدواج وی جواز دارد.

2- اینکه در موجودیت ولی قریب ولی بعید عاقد عقد ازدواج نباشد به نظر احناف شرط است که در عقد ازدواج عاقد عقد ازدواج در صورت موجودیت ولی قریب ولی بعید نباشد بنا بر این هرگاه در صورت موجودیت ولی قریب مانند پدر و پدرکلان ولی بعید مانند کاکا و غیره دختر صغیره را به نکاح دیگری در بیاورد نفاذ عقد ازدواج موقوف بر اجازه ولی قریب است.

3- اینکه وکیل در عقد ازدواج از حدود و صلاحیت خویش تجاوز ننماید هرگاه شخص دیگری را جهت تزویج شخص معین در برابر مهرم عین وکیل تعیین نماید و وکیل شخص دیگری را در برابر مهر بیشتر برای وی تزویج نماید نفاذ عقد منوط بر اعطای اجازه توسط موکل است بنا بر این در صورت که موکل اجازه اعطا نماید عقد نافذ و در غیر آن باطل می گردد.

4- اینکه عاقد عقد شخص فضولی نباشد: فضولی شخصی است که بدون ولایت تزویج حین انعقاد ازدواج زنی را برای دیگری بدون داشتن ولایت و وکالت حین انعقاد عقد ازدواج تزویج نماید هر گاه فضول شخصی را برای دیگری تزویج نماید نفاذ عقد به نظر حنفیه و مالیکه منوط بر اعطای اجازه توسط زوج است.⁶⁴

5- شروط نفاذ عقد ازدواج: در قانون مدنی افغانستان همان شرایط صحت عقد ازدواج است. که قبلاً به تفصیل صحبت شد. و از تکرار آن در این جا جلوگیری می نمایم.⁶⁵

⁶³ ابو العینین، بدران. الفقه المقارن للاحوال الشخصیه. ج. 1. ص. 143.

⁶⁴ علاء الدین، الکاسانی. (1982 ه.ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. ج. 2. ص. 233.

⁶⁵ وزارت عدلیه. جریده رسمی. قانون مدنی افغانستان، فصل اول، ص. 10.

فصل دوم

مجوزین نکاح مؤقت

مبحث اول: تعريف، حكم و دلايل قرآنى ازدواج مؤقت از نظر اهل تشيع

مبحث دوم: دلايل ازدواج مؤقت از حديث و عمل صحابه، از نظر اهل تشيع

مبحث اول

تعریف، حکم و دلایل قرآنی ازدواج موقت از نظر اهل تشیع

مطلب اول: تعریف و حکم ازدواج موقت.

الف) معنی لغوی: متعه در قرآن کریم به چندین معنا آمده است که هر یک از آنها در اینجا بیان می‌گردد:

1- متعه: به معنای زاد و توشه: (مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ).⁶⁶

ترجمه: همه اینها برای بهره‌گیری شما و چهارپایان تان است!

2- متعه: به معنای منفعت و سود است، چنانچه در قرآن کریم آمده است:

(ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ).⁶⁷

ترجمه: این متاع زندگی دنیا است و در نزد خداوند (ﷻ) فرجام نیک است.

3- متعه: به معنای بقا: (قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ).⁶⁸

ترجمه: کسی که کفر ورزد در این جهان او را اندکی باقی گذارم ولی در آخرت معدب در آتش گردانم.

4- متعه: به معنای عطا: (وَمَتَّعُوهُمْ عَلَىٰ الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَىٰ الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ).⁶⁹

ترجمه: زنانی را که طلاق داده اید قبل از مباشرت آنها را از چیزی بهرمنند سازید. دارابه اندازه توان خود و نادار به اندازه توان خود بهره شایسته ای که سزاوار مقام نیکوکاران است.

⁶⁶ (نازعات، 33).

⁶⁷ (آل عمران، 14).

⁶⁸ (بقره، 163).

⁶⁹ (بقره، 236).

5- متعه: به معنای حج تمتع: (فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ).⁷⁰

ترجمه: هرکس از عمره تمتع به حج بازآید، قربانی کند هرچه مقدور او است و هرکس به قربانی تمکن نیافت سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز هنگام مراجعت که ده روز تمام شود. این عمل برای کسی است که اهل شهرمکه نباشد. قابل یادآوری اینکه مخالفان ازدواج موقت حکم حج و عمره تمتع را نیز قبول ندارند.

6- متعه: به معنای ازدواج موقت با شرایط خاص خود: (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً).⁷¹

ترجمه: پس چنان که از آنان بهر مند شوید آن حق معین که مهر آنها است بپردازید.

ب) معنی اصطلاحی:

1- از نظر حنفی ها: نکاح متعه (ازدواج موقت) آنست که به زنی گفته شود:

«وَصُورَةُ نِكَاحِ الْمُتَعَةِ أَنْ يَقُولَ لِامْرَأَةٍ خُذِي هَذِهِ الْعَشْرَةَ لِأَتَمَنَّعَ بِكَ أَوْ مَتَّعِي بِنَفْسِكَ أَيَّامًا»⁷²

ترجمه: صورت نکاح متعه آن است که به زنی گفته شود، این چند پول را بگیر برای این که من از تو نفع می گیرم یا تو مرا از نفس خود نفع برسان به مدت چند روز.

2- از نظر مالکی ها: نکاح متعه (ازدواج موقت) آنست که لفظ عقد موقت به یک وقت باشد مثلاً شخصی به یک خانم بگوید: تو در مقابل این مقدار پول و به مدت معین نفس خود را در اختیار من قرار بده و یا اینکه به ولی آن بگوید فلان را در مقابل این مقدار پول مدت یک ماه و یا چند روز به ازدواج من بدهی. و ولی در مقابل بگوید در مدت این قدر وقت قبول کردم.⁷³

⁷⁰ {بقره، 169}.

⁷¹ (نساء، 24).

⁷² زبیدی حنفی، ابوبکر بن علی، الجوهرة النيرة على مختصر القدوري (2/ 18)، نشر مطبعة خيرية، طبع اول: 1322 هـ.

⁷³ صاوی، ابو العباس احمد بن محمد مشهور به صاوی مالکی، حاشية الصاوي على الشرح الصغير (2/ 448)، نشر: دارالمعارف.

3- از نظر شافعی ها: نکاح متعه همان نکاح در مدت معین می باشد. مثلاً شخصی به زنی بگوید به مدت این قدر وقت بامن ازدواج کن.⁷⁴

4- از نظر حنابله: نکاح متعه همان ازدواج در مدت است برابر است که مدت معلوم باشد یا نباشد.⁷⁵

مطلب دوم: حکم ازدواج موقت از دیدگاه اهل تشیع

از روایات و عمل صحابه رضی الله عنهم و مسلمانان واضح می شود که ازدواج غیر دائم، همانند ازدواج دائم، امری مشروع و قانونی است و نه تنها اشکال و خدشه‌ی به اصل شرعی بودن آن نمی توان وارد کرد؛ بلکه باید آنرا راه حلّ منطقی، عقلانی، اخلاقی و دینی در جهت رفع پاره‌ی از مشکلات جنسی جوامع و جلوگیری از فحشا و بی بندوباری دانست.

در قرآن، آیه‌ی روشن و صریح بر مشروع بودن آن وجود دارد و روایات فراوانی هم از شیعه و سنی در باره‌ی حلیّت و شرعی بودن آن در صدر اسلام زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) و خلیفه بعدی نقل شده است.

علاوه بر مستندات صریح قرآنی و روایی در تأیید و تشریح ازدواج موقت، می‌توان دلایل عقلی و تجربی فراوانی نیز بر صحت و درستی آن اقامه کرد و تجویز آن را شاهدی بر ماندگاری، جامع‌نگری و واقع‌نگری آیین اسلام و پاسخ‌گویی صریح و دقیق آن به مشکلات مختلف انسان‌ها دانست.

عمل اصحاب و اذعان برخی از دانشمندان اهل سنت، بر شرعی بودن آن و نیز تحریم شخصی آن، از سوی خلیفه دوم خود دلیل روشن و قاطعی بر مشروعیت آن است این دلایل و مستندات، به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.⁷⁶

⁷⁴ ابو الحسن یحیی بن ابی الخیر... الشافعی، البيان في مذهب الإمام الشافعي (9/ 275)، نشر: دارالمنهاج-جده، طبع اول: 1421 هـ.

⁷⁵ منقور، احمد بن محمد. الفواکه العديدة في المسائل المفيدة (30/2)، نشر: شركة الطباعة العربية، طبع پنجم، سال: 1407 هـ.

⁷⁶ شرح الكافي (11/ 53)، <http://www.shamela.ws>.

مطلب سوم: دلایل قرآنی اهل تشیع بر ازدواج موقت

مهمترین دلیل وحیانی بر جواز و حلیت ازدواج غیر دائم، این آیه است که می‌فرماید:

(فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ).⁷⁷

ترجمه: زنانی را که متعه کرده اید، مهرشان را به عنوان فریضه ی (واجب) به آنان بدهید و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید، بعداً می‌توانید با توافق آن را کم یا زیاد کنید.

دلالت این آیه، بسیار صریح و روشن است و هر گونه تغییر و تحریف معنای آن، راه به جایی نمی‌برد. به همین جهت، وقتی شخصی از ابن عباس (رض) درباره حکم نکاح موقت پرسید، وی باشگفتی جواب داد: مگر قرآن نخوانده‌ی؟! مگر سوره نسا را قرائت نکرده‌ی؟! مگر آیه فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ... را نخوانده‌ی?!

بیشتر مفسران اهل سنت، واژه «استمتاع» را در آیه، به معنای ازدواج متعه ذکر کرده‌اند. حتی ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب و سعید بن جبیر (رضی الله عنهما) این آیه را چنین می‌خواندند: (فما استمتعتم به منهنّ الي اجلٍ مسمّی فاتوهنّ اجورهنّ) هر چه از آنها استمتاع کردید، برای مدتی معین، پس حتماً اجرت شان را به آنها بدهید.

علامه امینی مصادر و منابع زیادی را از کتاب های معتبر اهل سنت (مانند مسند احمد بن حنبل گردآورده است که همه آنها، شأن نزول این آیه را، ازدواج موقت دانسته و آن را مستند جواز متعه خوانده اند.⁷⁸

ابو اسحاق ثعلبی⁷⁹ در تفسیرش آورده است: حبيب بن ثابت گفت: ابن عباس (رضی الله عنه) نوشته ی به من داد و گفت: این، طبق قرائت پدرم است؛ در آنجا نوشته بود:

⁷⁷ (نساء، 24).

⁷⁸ الغدير (10 / 383)، <http://www.shamela.ws>.

⁷⁹ او احمد بن محمد بن ابراهيم الثعلبی، ابو اسحاق: مفسر، از اهل نیشابور است که به علم تاریخ زیاد اشتغال داشت، در سال 427 هـ. وفات نموده و دارای تألیفات زیادی است، مانند: الكشف والبيان في تفسير القرآن.

(فماستمتعتنم به منهئن إلى أجل مسمي).⁸⁰

از ابن نصره نیز نقل شده است: از ابن عباس (رضی الله عنه) درباره نکاح موقت سؤال کردم، گفتند: مگر سوره (نساء) را نخوانده ی؟ گفتیم: آری، گفتند: نخوانده ی (فما استمتعتنم به منهن الي اجل مسمي)؟ گفتیم: این گونه قرائت نمی کنم. گفتند: به خدا این آیه، سه بار این طور نازل شده است.⁸¹

عمران بن حصین (رضی الله عنه) صحابی مشهور می گوید:

«أُنزِلَتْ آيَةُ الْمَتَعَةِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَفَعَلْنَاهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ لَمْ يُنَزَلْ قُرْآنٌ يُحَرِّمُهُ وَلَمْ يَنْهَ عَنْهَا حَتَّى مَاتَ.»

ترجمه: آیه متعه در کتاب خدا هست و ما در زمان رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) متعه را انجام می دادیم و قرآن هرگز آن را تحریم نکرد و رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از آن نهی نفرمودند؛ تا روزی که از دنیا رفتند.⁸²

⁸⁰ ثعلبی، ابو ابراهیم الثعلبی، تفسیر الثعلبی، طبع دار التفسیر (10 / 210)، نشر: دارالتفسیر جده، طبع اول سال: 1436 هـ.

⁸¹ تفسیر الثعلبی = الكشف والبيان عن تفسیر القرآن ط دار التفسیر (10 / 211).

82- عبدالرحمن بن محمد، القماش، (2009 م) الحاوی فی تفسیر القرآن الکریم، ج.ص: 5، اول، بیروت، دارالنشر.

مبحث دوم

دلایل ازدواج موقت از حدیث و عمل صحابه، از نظر اهل تشیع

مطلب اول: دلایل اهل تشیع از احادیث نبوی (ﷺ)

یکی از دلایل روشن و مسلم در باره ی ازدواج غیر دائم، وجود احادیث فراوان در سنت نبوی، در تأیید و مشروعیت آن است، اتفاقاً این احادیث از سوی صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و تابعین مورد اعتماد اهل سنت، نقل شده است، اسامی بعضی از این افراد، عبارت است از: جابر بن عبدالله انصاری، ابن مسعود، عمران بن حصین، ابوسعید خدری...

اصولاً، وقتی در تأیید و مشروعیت این ازدواج، روایات معتبر و متیقنی از سوی چنین افراد با سابقه‌ی نقل شده باشد، دیگر جایی برای انکار و اشکال، باقی نمی‌ماند.

البته این روایات، غیر از احادیث معتبر و کثیری است که از سوی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نقل شده و شرعی بودن ازدواج موقت را خاطر نشان ساخته است.

کتاب های روایی شیعه، آکنده از روایاتی است که از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت علی (رضی الله عنه) و سایر امامان: به خصوص امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل شده و نه تنها آن را تأیید کرده است؛ بلکه ازدواج موقت را راه حل مناسبی برای جلوگیری از فحشا و مفساد اجتماعی دانسته و نهی آن را، مساوی با ترویج و ازدیاد زنا و منکرات معرفی کرده است، در اینجا به برخی از این روایات، با توجه به راویان آنها اشاره می‌شود:

1- آنچه مسلم در صحیح خود از حدیث جابر و سلمه بن الاکوع (رضی الله عنهم) روایت نموده آنها گفتند:

«خَرَجَ عَلَيْنَا مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَدْ آذِنَ لَكُمْ أَنْ تَسْتَمْتِعُوا بِعَنِي: مُنْعَةَ النِّسَاءِ».⁸³

⁸³ محمد بن فتوح، الحمیدی. (1423 هـ.ق.) الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم. ج. 1. دوم. بیروت: دار ابن حزم. ص. 252.

ترجمه: منادی پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، بیرون آمد و گفت: پیامبر به شما اجازه داده‌اند که متعه کنید؛ یعنی نکاح موقت زنان.

2- در صحیح مسلم از عطا نقل شده است: «قَالَ عَطَاءٌ حِينَ قَدِمَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مُعْتَمِرًا فَجَنَنَاهُ فِي مَنْزِلِهِ فَسَأَلَهُ الْقَوْمُ عَنْ أَشْيَاءَ ثُمَّ ذَكَرُوا لَهُ الْمُتْعَةَ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَمْتَعْنَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ خِلَافَةِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ».⁸⁴

ترجمه: گفت عطا زمانیکه جابر بن عبدالله برای عمره آمده بود، ما به منزلش رفتیم و دوستان از او سؤال هایی کردند؛ سپس متعه را ذکر کردند، پس او گفت: آری! ما در زمان رسول خدا (ﷺ) و ابوبکر و عمر (رضی الله عنهما) متعه می‌کردیم.

3- امام باقر (رحمه الله) روایت می‌کند:

«عن علي بن ابراهيم عن ابيه... عن زرارة: قال: جاء عبدالله بن عمير الليثي الى ابي جعفر (رحمه الله) فقال: ما تقول في متعة النساء فقال: احلها الله في كتابه على سنة فهي حلال الى يوم القيامة».⁸⁵

ترجمه: علی ابن ابراهیم از پدرش... از زرارة نقل کرده که گفت: عبدالله بن عمیر لیثی نزد امام باقر (رح) آمد و سؤال کرد: نظر شما در مورد متعه زنان چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: خدا آنرا در کتاب خود و برطبق سنت پیامبرش حلال کرده است. پس این متعه تا روز قیامت حلال خواهد بود.

4- همچنین حدیث دیگری از حضرت جابر (رضی الله عنه) روایت است که می‌فرماید: «جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ كُنَّا نَسْتَمْتَعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ وَالذَّقِيقِ الْأَيَّامَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ حَتَّى نَهَى عَنْهُ عُمَرُ (رضی الله عنه)».⁸⁶

ترجمه: از جابر بن عبد الله الأنصاري شنیدم که می‌گفت: ما در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) و ابو بکر در مقابل یک مشت خرما یا آرد متعه می‌کردیم. تا اینکه عمر (رضی الله عنه) در قضیه عمرو بن حریث از آن نهی کرد.

⁸⁴ محمد بن فتوح، الحمیدی. الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم. ج.2، دوم، ص.253.

⁸⁵ عبدالحسین، امینی. الغدیر فی الکتاب والسنة والادب ج.6.. ص 220.

⁸⁶ محمد بن فتوح، حمیدی همان اثر. ج.2، ص.253.

5- ابن حاتم از ابن عباس نقل کرده است که گفت:

«كانت متعة النساء في أول الإسلام كان الرجل يقدم البلدة ليس معه من يصلح له ضيعته ولا يحفظ متاعه، فيتزوج المرأة الي قدر ما يري أنه يفرغ من حاجته، فتنظر له متاعه و تصلح له ضيعته»⁸⁷.

ترجمه: متعه زنان در اول اسلام رايج بود و مرد وقتي به شهري مي رفت كه با او كسي نبود كه متاعش را حفظ كند، پس بازني ازدواج (موقت) مي كرد به اندازه ي كه از كار فراغت پيدا ميكرد.

6- از ابن عمر در مورد متعه زنان سؤال شد، او گفت: آن حلال است. سؤال كننده از اهل شام بود، به او گفت: پدريت آن را ممنوع كرد. ابن عمر گفت: اگر پدرم آن را ممنوع کرده و رسول خدا آن را انجام داده باشد، آیا ما سنت پیامبر (ﷺ) را رها کنیم و از قول پدرم، تبعیت نماییم. احمد بن حنبل با اسناد خود از عبدالرحمان بن نعيم اعرجي روايت کرده است: نزد عبدالله بن عمر بودم كه شخصي درباره متعه از او پرسيد، گفت: به خدا سوگند! در روزگار رسول خدا (صلی الله عليه وسلم) زناكار نبوديم و نياز خود را با ازدواج موقت برطرف مي كرديم.⁸⁸

این ها نمونه ي از روايات مربوط به حلیت نکاح غير دائم، در منابع معتبر اهل سنت است كه به رغم نظر فقهي آنان مبني بر حرمت آن، به روشني مشروعيت و جواز ازدواج موقت را اثبات مي كند، در اینجا باید از علما و اندیشمندان اهل سنت پرسید: چرا به راحتی از دلالت صریح آیه ی تمتع و این روايات فراوان و معتبر چشم پوشي کرده و بر نظر نادرست خود به هر دليل و بهانه ي پافشاري مي كنيد؟ چرا دستور الهي را در این زمینه ارائه نمي دهيد؟!.

اما نظر اهل سنت در رابطه با حرمت نکاح متعه طوری است كه بر تحريم آن اجماع دارند، طوری كه بدرالدين عینی در كتاب "البنایه شرح الهدایه" آمده است:

«(ونكاح المتعة باطل): ادعی غير واحد من العلماء الإجماع علی تحريم المتعة»⁸⁹

ترجمه: "و نکاح متعه باطل است" بسیاری از علما اجماع را نقل کرده اند بر تحريم نکاح متعه.

⁸⁷ أحمد بن حنبل. (1416 هـ ق) مسند الإمام أحمد بن حنبل ج. 23. دوم. بيروت. مؤسسة الرسالة.

⁸⁸ جمال الدين، الزيلعي. (1987 هـ ق). نصب الرأية لأحاديث الهداية ج. 3. اول. بيروت: دار الإحياء التراث.

⁸⁹ عینی، بدرالدين عینی حنفی، البنایه شرح الهدایه (61/5)، نشر دارالکتب العلمیه - بيروت. طبع اول سال: 1420 هـ.

مطلب دوم: دلایل اهل تشیع از عمل صحابه و تابعین رضی الله عنهم

گرچه ما دلیل جواز نکاح متعه را منحصر به دو دلیل کتاب و سنت نموده ایم و لکن عمل صحابه و تابعین هم می تواند بعنوان يك دليل ولا اقل يك مؤيد مطرح گردد. همانگونه که در روایات فوق گذشت عمران ابن حصین و جابر ابن عبدالله ضمیر جمع را برای عاملین به نکاح متعه می آورند و بالفاظ «تمتعنا» یا «استمتعنا» می فهمانند که نه تنها يك نفر این عمل را انجام داد بلکه صحابه پیامبر نوعاً نکاح متعه را انجام داده اند و در آینده بسیاری از صحابه و تابعین که عمل نکاح متعه را انجام داده بودند بصورت مختصر ذکر خواهد شد. در اینجا به بعضی از اخبار اشاره می کنیم که عمل بعضی از صحابه را متذکر می شوند:

1- «عیر عبد الله بن الزبیر عبد الله بن عباس بتحلیله المتعة، فقال له: سل أمك كيف سطعت المجامر بينها وبين أبيك؟ فسألها فقالت: ما ولدتك إلا في المتعة».⁹⁰

ترجمه: عبدالله ابن زبیر، عبدالله بن عباس را به سبب اینکه قائل به حلّیت نکاح متعه بود سرزنش کرد، عبدالله ابن عباس به وی گفت: از مادرت سؤال کن که عقد نکاح بین او و پدرت چگونه بوده است وی از مادرش سؤال کرد و مادر وی در جوابش گفت: تورا بدنیا نیاوردم مگر بسبب عقد متعه.

2- «عن ایوب: قال عروة لابن عباس: الا تتلقى الله ترخص في المتعة فقال ابن عباس: سل امك يا عروة».⁹¹

ترجمه: ایوب می گوید: عروة ابن زبیر به ابن عباس گفت: آیا از خدا نمی ترسی که در متعه قائل به جواز هستی ای ابن عباس در جوابش گفت: ای عروه برو از مادرت سؤال کن... (بدین معنی که مادرت تو را مثل برادرت به سبب متعه حامله شده است.)

3- «عن مسلم القرى قال: دخلنا اسماء بنت ابی بكر فسألناها عن متعة النساء فقالت: فعلناها على عهد النبي (ﷺ)».⁹²

⁹⁰ محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی (المتوفى: 502هـ)، شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم - بيروت، طبع اول: 1420هـ.

⁹¹ ازدواج موقت و صیغه های آن. ج 4. اول. بیروت: مؤسسة الرسالة. ص 66.

⁹² محمد زکریا، کاندهلوی. (1424هـ.ق). اوجز المسالك الى موطأ ابن مالك. ج 9. اول. دمشق: دارالقلم. 335.

ترجمه: مسلم القری می گوید: نزد اسماء دختر ابوبکر رفتیم و درباره متعه زنان سؤال کردیم در جواب گفت: ما این عمل را در زمان پیامبر اسلام انجام دادیم.

نتیجه ای که از مباحث فوق گرفته می شود این است که نه تنها از حیث نظری ادله ای بر جواز متعه در صدر اسلام وجود دارد، بلکه از حیث عملی نیز بسیاری از صحابه پیامبر به این جواز عمل کرده اند و این مطلب بصورت آشکار مورد عمل واقع می شده است و بصورت سیره مستمره بین صحابه هم درآمده بود.

اما در حقیقت این دلایل با روحیه اسلام در تضاد است و برای اثبات یک مسئله از مراجع دینی اسناد بکار است نه این که سخن هرکس را من حیث دین قبول کنیم، چنانچه در مقدمه صحیح مسلم نیز این مطلب واضح بیان شده که اسناد از دین و روایت از ثقات لازم است و جرح روایت به همین خاطر جواز داده شده و از غیبت حرام محسوب نمی شود چون بخاطر حفاظت و صیانت از شریعت و احکام اسلام است، از عبد الله ابن مبارک روایت شده که فرمود:

«الْإِسْنَادُ مِنَ الدِّينِ، وَلَوْلَا الْإِسْنَادُ لَقَالَ مَنْ شَاءَ مَا شَاءَ»⁹³

ترجمه: (برای اثبات یک مطلب) اسناد و دلایل از دین لازم است یعنی اگر اسناد و دلایل مطرح نباشد، هرکس هرچه بخواست می گوید.

⁹³ صحیح مسلم (15/1).

مطلب سوم: پیامد های مثبت ازدواج موقت

1- مقاوم سازی جوانان در مقام تهاجم فرهنگی غرب: با افزایش رسانه های گروهی به خصوص ماهواره، اینترنت، فیلم های مبتذل و... با فساد انگیز جنسی و محرک میل جنسی جوانان به شدت افزایش یافته است. اگر ازدواج دائم میسر نبود با ازدواج موقت می توان هم در مقابل این تهاجم مقاومت کرد و هم جلوی مفسد جنسی سوء آن را گرفت همان گونه که حضرت علی (رضی الله عنه) می فرماید: اگر حضرت عمر (رضی الله عنه) متعه را حرام نمی کرد کسی جزء آدم شقی زنا نمی کرد.⁹⁴

2- آشنایی زوجین پیش از ازدواج: دختر و پسری که قصد ازدواج دائم دارند برای شناخت بیشتر یکدیگر می توانند از طریق ازدواج موقت با هم رابطه داشته باشند. البته این ارتباط باید با نظارت والدین باشد تا اگر احیاناً سلیقه یا رفتار و روحیات ایشان مورد پسند هم دیگر واقع نشد به راحتی بتوانند از یکدیگر جد اشوند؛ زیرا بسیار اتفاق افتاده که بین دختر و پسری عقد دائم خوانده شده و تا زمان ازدواج اختلافی پیش آمد نموده که موجب جدایی و طلاق ایشان گردیده و از آنجا که صیغه ی عقد جاری شده، پرداخت نصف مهریه بر مرد واجب گردیده است و در این زمان که معمولاً مهریه های بسیار بالا تعیین می کنند پرداخت چنین مهریه ی سنگینی مشکلات و نا راحتی هایی را برای خانواده ها ایجاد می کند.

3- برطرف کردن موانع رشد انسان در جهت بندگی خداوند (ﷻ):

کسی که هنوز نیازهای طبیعی و اساسی اش تأمین نشده و شبانه روزی ذغذغه ی برآورده شدن چنین نیازه هایی را دارد چگونه می تواند به رشد مطلوب و معنوی خویش دست یابد. روایاتی بامضمون «من لامعاش له لا معادله» و همچنین روایاتی که اجر بیشتری را برای عبادت متأهل نسبت به مجرد بیان می کنند، ناظر به همین مسئله اند.

⁹⁴ عبدالحسین، امینی. الغدیر فی الکتاب والسنة والادب. ج 6. ص 290.

4- آرامش: ازدواج، مایه ی آرامش فکری و روحی جوان و احساس شخصیت و اعتماد به نفس می شود و او را از بی ماری و بیکاری و بی برنامه‌گی و نا امید می رهند و جلوی برخی گناهان را می گیرد و موجب صیانت روحی و اخلاقی جوان می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) نیز فرموده است:

«مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ امْرَأَةً صَالِحَةً، فَقَدْ أَعَانَهُ عَلَى شَطْرِ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الشَّطْرِ الثَّانِي»⁹⁵

ترجمه: هرکس را الله متعال زن صالحه نصیب گرداند، او را در نصف دین اش کمک کرده است، پس در نیمه باقی مانده، از خداوند (ﷺ) بترسد و تقوا بورزد.

وقتی اصل ازدواج تا این حد مهم، کارساز، گناه سوز، مصلحت آفرین و مفسده زداست، کمک به آن نیز اهمیت می یابد و برای پدر و مادر، تلاش در این راه و فراهم کردن مقدمات و زمینه ی آن، یک تکلیف محسوب می شود و زدودن موانع و بر طرف کردن دشواری‌های ازدواج، و ترویج آسان سازی ازدواج و آسان گیری در این زمینه به عنوان یک فرهنگ عمومی، وظیفه به شمار می آید.

کسی که از بیم فقر و تنگدستی ازدواج نکند، به خداوند (ﷺ) بدگمان شده است، خدایی که فرماید: اگر فقیر باشند، خدا از فضل خویش آنان را بی نیاز و غنی می سازد.

5- تلاش معاش: ایجاد بستر مناسب و انگیزه ی قوی تر برای تامین معاش و در آمد، از آثار مثبت دیگر ازدواج است. گرچه نباید بی حساب و بدون سنجش دست به ازدواج زد و لازم است که شرایط اقتصادی و توانایی‌های مالی هم لحاظ شود، ولی وعده ی خداوند (ﷺ) را نیز نباید فراموش کرد که قول داده است تنگدستی را به غنا تبدیل کند و جایی برای بیم از فقر باقی نگذارد. پس ایجاد روحیه ی توکل و اعتماد به لطف الهی، بعد مثبت دیگری از تشکیل خانواده است. خداوند متعال، ضمن دستور به ازدواج با دختران و جوانان شایسته و صالح می فرماید:

(إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).⁹⁶

⁹⁵ المستدرک علی الصحیحین للحاکم (2/ 175)، هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ. تَعْلِيقُ الذَّهَبِيِّ فِي التَّلْخِصِ: صَحِيحٌ.

ترجمه: چنانچه تنگدست و فقیر باشند، خداوند(ﷻ) آنان را از فضل خویش بی نیاز و توانگر می سازد، خداوند وسعت بخش و داناست.

از پیامبر اسلام (ﷺ) روایت است که فرمودند:

(من ترك التزويج مخافة العيلة فليس منا» ان الله عزوجل يقول: ان يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ).⁹⁷

ترجمه: کسی که از بیم فقر و تنگدستی ازدواج نکند، پس از جمله ما نیست. قسمیکه الله (ﷻ) می فرماید: اگر فقیر باشند، خدا از فضل خویش آنان را بی نیاز و غنی می سازد. ازدواج، سبب می شود که حقوق متقابل میان دو انسان پدیدآید. این سازنده است. ارتباطهای خانوادگی و پیوندهای فامیلی، دامنه ی این حقوق و وظایف اخلاقی و اجتماعی را گسترده ترمی سازد و سامان بخش روابط انسانی می گردد.

6- احساس مسئولیت: کسیکه ازدواج نکرده است، خود را آزاد حس می کند و مسئولیتی را نمی شناسد. در نتیجه، استعدادها و خلاقیت های انسانی او هم بروز نمی کند. اما با ازدواج، بار اداره ی زندگی را بر دوش می کشد. این تعهد و احساس مسئولیت سازنده است. که هر نوع مسئولیت پذیری، انسان را به تلاش و آشکار ساختن استعداد و توانایی خویش وادار می دارد.

7- برنامه ریزی: از سوی دیگر، حسابداری، نظم، برنامه ریزی و به تعبیر روایات، تقدیر معیشت لازمه به دوش کشیدن تعهد اداره یک زندگی مشترک و تامین همسر و فرزندان و تربیت شایسته اولاد است.

از آنجاکه تربیت نسلی با ایمان، مؤدب، سالم و موفق، برای خود انسان نیز مایه ی آبرو و حیثیت اجتماعی است، این رسالت سنگین نیز به نوع دیگری توانایی های شخص را به مرحله ی ظهور و بروز می رساند.

⁹⁶ (النور: ۳۲).

⁹⁷ علاوالدین، فوری. (1401 ه.ق). *کنز العمال فی سنن الأفعال والأقوال*. ج 16. پنجم: بیروت: موسسه الرساله. ص. 279.

8- حق شناسی: ازدواج، سبب می شود که حقوق متقابل میان دوانسان پدیدآید. این سازنده است ارتباط های خانوادگی و پیوندهای فامیلی، دامنه ی این حقوق و وظایف اخلاقی و اجتماعی را گسترده ترمی سازد و سامان بخش روابط انسانی می گردد. کمک به ازدواج جوانان و تشکیل خانواده، کمک به ساخته شدن انسان های مسئولیت پذیر، مدیر و صالح است و یکی از راه های عمده و موفق مبارزه باگناه در جامعه، تسهیل ازدواج است. این، هم تکلیف والدین و افراد خبیر و توانمند را سنگین می سازد، هم روشنگر راهی برای آنانی است که در اندیشه صلاح و سلامت قشر جوان جامعه اند، هم وظیفه خود جوانان را در این زمینه روشن می کند. با تقویت و ترویج و تسهیل این سنت نبوی، بهتر می توان با منکرات مقابله کرد و سدی در برابر هجوم فساد فرهنگی بیگانه پدید آورد.⁹⁸

و سخن آخر این که نکاح متعه هیچ پیامد یا اثر مثبتی ندارد بلکه در این زمانه پیام آن جز تکثیر فحشاء چیز دیگری نیست، از همین خاطر است که علمای رافضی (شیعه) هیچ گاه به زن و دختر خود اجازه صیغه یا نکاح متعه را نمی دهند تنها به دیگران جواز می دهند، حتی در حرمت آن بین ائمه اهل سنت هیچ اختلافی وجود ندارد، طوری که بدرالدین عینی آن را نقل کرده است:

«كان ذلك مباحا في صدر الإسلام ثم حرم فلم يبق اليوم خلاف بين الأئمة إلا شيئا ذهب إليه بعض الروافض.»⁹⁹

ترجمه: نکاح متعه در صدر اول اسلام مباح بود باز حرام گردید، طوری که امروز هیچ اختلافی در میان امامان اهل سنت در حرمت آن دیده نمی شود، مگر یک مقداری که رافضی های شیعه به طرف آن رفته اند.

⁹⁸ محمد، صادقی. (1384 ه.ش). الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه. ج.4. دوم. تهران: امید فردا. ص289.

⁹⁹ البناية شرح الهداية (62 /5).

مطلب چهارم: نکاح متعه در کتب اهل تشیع

در کتب فقه اهل تشیع پیرامون نکاح متعه آمده است:

1- «مسألة 119: نکاح المتعة عندنا مباح جائز، وصورته أن يعقد عليها مدة معلومة بمهر معلوم، فإن لم يذكر المدة كان العقد دائماً. وإن ذكر الأجل ولم يذكر المهر بطل العقد، وإن ذكر مدة مجهولة، لم يصح على الصحيح من المذهب، وبه قال علي عليه السلام - على ما رواه أصحابنا. وروي ذلك عن ابن مسعود، وجابر بن عبد الله، وسلمة بن الأكوع، وأبي سعيد الخدري، والمغيرة بن شعبة، ومعاوية بن أبي سفيان، وابن عباس، وابن جريج، وسعيد بن جبیر، ومجاهد، وعطاء. وحكى الفقهاء تحريمه عن علي - عليه السلام - وعمر بن الخطاب، وابن مسعود، وابن الزبير وابن عمر، وقالوا: إن ابن عباس رجع عن القول باباحتها».¹⁰⁰

ترجمه: نکاح متعه نزد ما مباح و جایز است، و صورت آن طوری است که به مدت معلوم و مهر معلوم منعقد می شود، اگر مدت ذکر نشود عقد دائمی می شود. و اگر مدت ذکر شود و مهر ذکر نشود عقد باطل می شود، و اگر مدت مجهول ذکر شود باز هم بنا بر قول صحیح از مذهب نکاح درست نیست، و به همین قول از حضرت علی رضی الله عنه نقل شده است. و نیز این مطلب از ابن مسعود، جابر، سلمه بن اکوع، ابوسعید خدری، مغیره بن شعبه، معاویه بن ابوسفیان، ابن عباس، ابن جریر، سعید بن جبیر، مجاهد و عطاء رضی الله عنهم نقل شده است. لیکن فقهاء تحريم آن را از حضرت علی، حضرت عمر، ابن مسعود، ابن زبیر و ابن عمر رضی الله عنهم نقل کرده اند، و گفته اند: که ابن عباس از قول به اباحت آن رجوع کرده است.

2- «(فصل) * (في نکاح المتعة وتحليل الجارية) * نکاح المتعة عندنا صحیح مباح في الشريعة، وصورته أن يعقد عليها مدة معلومة بمهر معلوم، فإن كانت المدة مجهولة لم يصح، وإن لم يذكر المهر لم يصح العقد وبهذين الشرطين يتميز من نکاح الدوام، وخالف جميع فقهاء وقتنا في إباحة ذلك».¹⁰¹

¹⁰⁰ الخلاف (362/6) تأليف شيخ محمد بن الحسن الطوسي (460هـ)، نشر: مؤسسه نشر اسلامي از جماعت مدرسین قم تاريخ: جمادى الآخرة 1407هـ.

¹⁰¹ المبسوط في فقه الامامية (348 /5) تأليف شيخ محمد بن الحسن الطوسي (460هـ)، نشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سال: 1270هـ.

ترجمه: نکاح متعه نزدما طبق شریعت صحیح و مباح است، و صورت آن طوری است که منعقد می گردد به مدت و مهر معلوم، اگر مدت مجهول باشد نکاح درست نیست، اگر مهر ذکر نشود عقد صحیح نیست، پس به همین دو شرط نکاح متعه از نکاح دائمی تمییز میشود، و تمام فقهاء وقت مابیه اباحت نکاح متعه مخالفت کرده اند.

فصل سوم

مانعین ازدواج موقت

مبحث اول: تحریم ازدواج موقت از نظر اهل سنت

مبحث دوم: ازدواج موقت در نصوص شریعت.

مبحث اول

تحریم ازدواج موقت از نظر اهل سنت

مطلب اول: حکم ازدواج موقت از نظر اهل سنت.

با اینکه جواز نکاح متعه در زمان پیامبر اکرم (ﷺ) مدت کوتاهی مورد اتفاق بود ولیکن همان گونه که قبلاً گذشت فقهای امت اسلامی (اهل سنت) قائل به حرمت آن شده اند و برای اثبات حرمت آن از آیات و احادیث پیامبر (ﷺ) استناد می کنند :

اما نخست موضوع حرمت متعه را از دلایل قرآنی در چند فرع مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهیم.

فرع اول:

ازدواج موقت ابتدا در میان یهود، فارس و غیره وجود داشته است. و به جامعه جاهلی جزیره العرب سرایت کرده است. وقتی دین اسلام آمد در ابتدای دعوت دوبار با نزول این آیات تحریم شد:

1- {وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7)}.¹⁰²

ترجمه: و عورت خود را حفظ می کنند، مگر از همسران یا کنیزان خود، که در این صورت جای ملامت ایشان نیست، اشخاصی که غیر از این (دو راه زناشویی) را دنبال کنند، متجاوز (از حدود مشروع) بشمار می آیند (و زناکار می باشند).

از این آیات مکی مشخص می شود که اصل در فروج حرمت است و اما تحلیل آن استثنا است که بعداً ذکر می شود پس در باره هر چه سکوت کرد حرام است.

عبارت: {وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ}، محور اصلی حرمت است. {إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ}، استثناء حلال و شامل دو نوع نکاح است یعنی غیر از آن دو همه حرامند. اما خداوند (ﷻ) برای اینکه راه اشتباه و التباس را بر انسان ببندد با نص صریح غیر از

¹⁰² (المؤمنون: 5 - 7).

آن دو نکاح را تحریم کرده است. (فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ)، پس هر راه دیگری غیر از آن دو نکاح حرام است خواه با زنا، متعه یا استبضاع و ... باشد.

چنانچه در تفسیر نسفی (مدارک التنزیل) گفته است:

«وفیه دلیل تحریم المتعة والاستمتاع بالكف لإرادة الشهوة»¹⁰³

ترجمه: در این آیت دلیل تحریم نکاح متعه و لذت بردن از کف دست به اراده شهوت است.

مسلمانان در عهد مکی این نکاح (ازدواج موقت) را به خاطر حرمت آن انجام نداده اند و هنگامی که به مدینه هجرت کردند آیات نازل شده جز نکاح دائم و نکاح ملک یمین چیز دیگری را اضافه نکردند. کسی که از همسر موقت تمتع می کند در واقع نمی توان آن را زوجه او نامید. چون در صورت مرگ یکی از آنها از همدیگر ارث نمی برند. لیکن در قرآن کریم برای ازواج مسئله میراث بیان گریده است:

طوری که الله متعال می فرماید:

2- (وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ).¹⁰⁴

ترجمه: و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست.

اگر همسر موقت زوجه محسوب می شد باید از همدیگر ارث می بردند و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست، شما نصف اموال زنانان را می برید اگر فرزند نداشته باشند و زنانان از شما یک چهارم اموالتان را می برند.

3- (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ)،

ترجمه: کسانی که همسر ندارند را به نکاح درآورید.

(وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ)،

¹⁰³ تفسیر النسفی = مدارک التنزیل وحقائق التأویل (2/ 460).

¹⁰⁴ (النساء: 12).

ترجمه: و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را.

منظور نکاح ملک یمین است سپس می فرماید:

(وَلَيْسَتَّعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).¹⁰⁵

ترجمه: و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند.

پس هر کس زوجه یا امه را نیافت تا با او ازدواج کند خداوند به او توصیه می کند صبر و عفاف را پیشه کند یعنی غیر از آن دو نکاح راههای دیگر حرام اند. اگر نکاح موقت حلال بود در اینجا ذکر می شد. مثلاً به جای {ولیستعفف} می فرمود {لیستمع}، چون لیستعفف مقتضی منع است. خصوصاً با توجه به اینکه اصل در فروج حرمت است.

درسورة نساء می فرماید:

4- (فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ)،

این همان ازدواج دائم است. از زنانی که می پسندید دو یا سه یا چهار تا را (در یک زمان) به نکاح خود درآورید.

(فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً)،

ترجمه: و اگر می ترسید عدالت را (درباره ی همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها يك همسر بگیرید.

(وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ)¹⁰⁶ ترجمه: و یا از کنیزانی که مالک آنهاست استفاده کنید.

خداوند(ﷺ) ازدواج با یک زن و نکاح ملک یمین را در این آیه مطرح کرده است، اگر نکاح موقت مشروع بود حتماً خداوند(ﷺ) آنرا مطرح می نمود.

¹⁰⁵ (النور: 33).

¹⁰⁶ (النساء: 3).

سپس خداوند(ﷻ) بعد از محرمات نکاح می گوید:

5- {وَأَجَلٌ لَّكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (24) وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ}.¹⁰⁷

ترجمه: برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان (یعنی جز زنان مؤمن حرام) حلال گشته است و می‌توانید با اموال خود (از راه شرعی) زنانی را جویا شوید و با ایشان ازدواج کنید (بدان شرط که منظورتان زنا و دوست‌بازی نباشد و) پاکدامن و از زنا خوشتندار باشید، پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید، باید که مهریه او را (چنان که مقرر است بدون کم و کاست و در موعد خود) بپردازید، و این واجبی (از واجبات الهی) است، و بعد از تعیین مهریه، گناهی بر شما نیست در آنچه میان خود بر آن توافق می‌نمائید (مثلاً این که همسر با رضا و رغبت از مقداری از مهریه خود چشم‌پوشی کند و یا شوهر مشتاقانه مقداری بر اندازه مهریه بیفزاید) بیگمان خداوند (پیوسته بر مصالح بندگان خود) آگاه (و در احکامی که برای آنان وضع می‌نماید) حکیم بوده (و می‌باشد). و اگر کسی از شما نتوانست با زنان آزاده مؤمن ازدواج کند، می‌تواند با کنیزان مؤمنی ازدواج نماید.

یعنی این دو راه حلال ازدواج دائم و نکاح ملک یمین هستند. ولی اگر اولی را به ازدواج موقت تفسیر کنیم جای ازدواج دائم که اصل در نکاح است در آیات باقی نمی‌ماند و این غیر معقول است چون دلیلی برای تعبیر آیه به ازدواج موقت نداریم جز لفظ (استمتعتم) که به علت متشابه بودنش نمی‌توان چیزی را با قرآن ثابت کرد.

پس استدلال به قرآن برای مشروعیت ازدواج موقت جائز نیست زیرا تنها جایی از قرآن که در این زمینه به آن استناد می‌شود لفظ متشابه بوده و دلالت آن قطعی نیست. در قرآن حتی یک نص صریح دالّ بر مشروعیت نکاح موقت وجود ندارد، پس ادعای مشروعیت آن باطل است.¹⁰⁸ علاوه بر آن، در تفسیر طبری روایات مربوط به این آیات نقل کرده و به هر کدام از آن‌ها جواب مقنع داده است که اینجا متن تفسیر طبری را بررسی می‌کنیم.

¹⁰⁷ (النساء: 24 - 25).

¹⁰⁸ اسحاق، دبیری، ازدواج موقت. (ج 1 ص 2-5) تاریخ انتشار: 1394 ش، آدرس برقی: www.aqeedeh.com.

در تفسیر طبری گفته است:

«قال أبو جعفر: وأولى التأويلين في ذلك بالصواب، تأويل من تأوله: فما نكحتموه منهن فجامعتموه، فآتوهن أجورهن = لقيام الحجة بتحريم الله متعة النساء على غير وجه النكاح الصحيح أو الملك الصحيح على لسان رسوله صلى الله عليه وسلم. وقد دللنا على أن المتعة على غير النكاح الصحيح حرام، في غير هذا الموضع من كتبنا، بما أغنى عن إعادته في هذا الموضع. وأما ما روي عن أبي بن كعب وابن عباس من قراءتهما: (فما استمتعتم به منهن إلى أجل مسمى)، فقراءة بخلاف ما جاءت به مصاحف المسلمين. وغير جائز لأحد أن يلحق في كتاب الله تعالى شيئاً لم يأت به الخبر القاطع العذر عن لا يجوز خلافه»¹⁰⁹

ترجمه: ابو جعفر طبری گفته است؛ اولین تأویل در این مسئله که به صواب (حق) نزدیک است، تأویل کسانی است، که گفته اند: هنگامی یکی از زنان را نکاح کردید و با او جماع کردید، پس بدهید اجوره (مهر) آن را؛ از جهت این که حجت و دلیل به تحریم الله متعال متعه زنان را باشد بر غیر وجه نکاح صحیح یا ملک صحیح بر زبان پیامبر ﷺ.

و طبری گفته بدون شک دلایل آن را بیان کردیم که متعه بر غیر نکاح صحیح حرام است، البته غیر از اینجا در دیگر کتب ما، طوری که اینجا به ذکر دوباره آن ضرورتی دیده نمی شود.

اما آنچه که از قرائت ابی ابن کعب و ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده، (آنچه را از زنان به استمتاع یا فایده گرفتید تا یک مدت معین) این یک قرائتی است که مصاحف مسلمین آن طور نیست، و برای هیچ کس جواز ندارد که به کتاب الله چیزی را نسبت دهد که حدیث یا خبر قاطع در رابطه آن نیامده که خلاف آن جواز نداشته باشد.

فرع دوم:

دلایل حرمت نکاح مؤقت از احادیث نبوی (ﷺ). در زیر بعضی از احادیثی را که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نکاح مؤقت را در آن‌ها تحریم قرار داده بیان می نمائیم:

¹⁰⁹ ابو جعفر، الطبری، تفسیر الطبری = جامع البیان/ تحقیق احمد شاکر (8/ 178-179).

1 - عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَا بِنِ عِبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «نَهَى عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ، وَعَنْ أَكْلِ الحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ يَوْمَ خَيْبَرَ.»¹¹⁰

ترجمه: از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - ﷺ - روز خیبر، از متعه زنان (صیغه کردن) و خوردن گوشت الاغ های اهلی، نهی فرمود.

2 - وَعَنْ سَبْرَةَ الْجُهَنِي (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّهُ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُنْتُ أَذْنُتُ لَكُمْ فِي الْاسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُخَلِّ سَبِيلَهَا، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْنَاهُنَّ شَيْنًا»¹¹¹

ترجمه: سبره جهنی(رضی الله عنه) می گوید: همراه رسول الله (ﷺ) بودم که فرمودند: ای مردم من به شما اجازه داده بودم؛ با زنان متعه کنید، و بدانید که خداوند آن را تا روز قیامت؛ حرام کرده است، هر کس زنی از متعه در اختیار دارد، رها کند، و از آنچه به آن داده است، چیزی پس نگیرد.

3 - وَعَنْ سَلْمَةَ بِنِ الْأَكْوَعِ قَالَ: «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَامَ أُوطَاسٍ فِي الْمُتْعَةِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ثُمَّ نَهَى عَنْهَا»¹¹²

ترجمه: سلمه بن اکوع (رضی الله عنه) می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم در سال اوطاس سه روز اجازه داد که (نکاح) متعه کند، و سپس از آن نهی کرد. مسلم روایت کرده است.

4 - وَعَنْ ابْنِ عَمْرِو قَالَ : لَمَّا وَلى عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ ، خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ : «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ أَذِنَ لَنَا فِي الْمُتْعَةِ ثَلَاثًا، ثُمَّ حَرَمَهَا، وَاللَّهِ، لَا أَعْلَمُ أَحَدًا يَتَمَتَّعُ وَهُوَ مُحَصَّنٌ إِلَّا رَجَمَتْهُ بِالْحِجَارَةِ، إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنِي بِأَرْبَعَةِ يَشْهَدُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَحَلَّهَا بَعْدَ إِذْ حَرَمَهَا»¹¹³

ترجمه: از عبدالله پسر عمر(رضی الله عنه) روایت شده گفته است: وقتی عمر بن خطاب به خلافت رسید برای مردم خطبه داد سپس فرمود: همانا پیامبر (ﷺ) سه مرتبه به ما اجازه نکاح موقت داده است سپس آنرا حرام نمود، قسم بخدا بدانم هر کسی که همسر داشته و نکاح موقت را

¹¹⁰ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری. 1357. صحیح البخاری . ج.2. سوم. پاکستان: نعمانی. ص.369.

¹¹¹ مسلم بن حجاج. نیشابوری. 1392. مختصر صحیح مسلم. عبدالقادر. ترشابی. ج.2. ص.533. اول. زاهدان. حرمین..

¹¹² مسلم، ابو الحسین مسلم بن الحجاج... صحیح مسلم، نشر، دارالجلیل بیروت. www.temawy.com.

¹¹³ محمد بن یزید. القزوی. (ب.ت). سنن ابن ماجه. ج.2. اول. بیروت. دارالفکر. ص.2 1963.

انجام دهد و ی را با سنگ سنگسار می کنم مگر اینکه چهار شاهد بیاورد که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) بعد از حرام کردن آنرا حلال گردانیده .

5 - وعن سالم بن عبد الله أن رجلا سأل عبد الله بن عمر رضي الله عنهما عن المتعة فقال «حرام قال، فان فلانا يقول فيها فقال، والله لقد علم أن رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم حرمها يوم خيبر وما كنا مسافحين»¹¹⁴

ترجمه: از سالم پسر عبدالله روایت شده که همانا مردی از عبدالله پسر عمر (رضی الله عنهما) در مورد نکاح موقت سؤال کرد فرمود: حرام است گفت: همانا فلانی می گوید: جائز است سپس فرمود به خدا سوگند دانسته شده که رسول خدا (ﷺ) روز خیبر آنرا حرام گردانیده و ما زناکار نیستیم.

6 - وعن سالم بن عبد الله قال: أتى عبد الله بن عمر فقيل له إن ابن عباس يأمر بنكاح المتعة فقال ابن عمر: سبحان الله ما أظن ابن عباس يفعل هذا، قالوا بلى إنه يأمر به قال: وهل كان ابن عباس إلا غلاما صغيرا إذ كان رسول الله ﷺ ثم قال ابن عمر: نهانا عنها رسول الله ﷺ وما كنا مسافحين.¹¹⁵

ترجمه: از سالم پسر عبدالله روایت شده گفته است: به نزد عبدالله پسر عمر آمد به او گفته اند که عبدالله پسر عباس به نکاح موقت امر می کند ابن عمر گفت: سبحان الله گمان نمی کنم ابن عباس (رضی الله عنهما) چنین کار را انجام بدهد گفتند: چرا به آن دستور داده است گفت: آیا ابن عباس (رضی الله عنهما) در زمان رسول خدا (ﷺ) نوجوانی بیش بود؟ سپس فرمود: رسول خدا (ﷺ) ما را از نکاح موقت نهی فرموده و ما زناکار نیستیم.

وجه استدلال از احادیث طوری است که در سه حدیث اول الفاظ و جملاتی که در رابطه به نهی از متعه وارد شده الفاظ صریح هستند که متعه را تحریم و نهی کرده اند، مانند «نَهَى عَنْ مُتَعَةِ النِّسَاءِ - وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - ثُمَّ نَهَى عَنْهَا» این الفاظ و امثال آن که در سیاق های مختلف بیان شده یک بخش از دلایل صریح در الفاظ به تحریم متعه است. و یکی از دلایل بر حرمت متعه قول خلیفه مسلمین سیدنا عمر و پسرش رضی الله عنهما می تواند باشد، طوری که عمر رضی الله عنه متعه کننده را به رجم تهدید نموده و از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما وقتی در مورد متعه پرسیده شد وی لفظ (حرام) را استفاده کرده است، و در حدیث اخیر گفته «نهانا عنها رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم وما كنا مسافحين» این ها همه الفاظ صریح اند بر تحریم یا حد اقل کراهیت و ممانعت آن که بیان شده است.

¹¹⁴ أحمد بن الحسين. البيهقي. 1344. السنن الكبرى. ج. 10. اول. حیدرآباد. مجلس دائرة المعارف النظامية الكاتبة. ص. 14528.

¹¹⁵ مسلم بن حجاج. نیشابوری. مختصر صحیح مسلم. مترجم: عبدالقادر ترشابی. ج. 2.

فرع سوم:

دلایل تحریم ازدواج موقت از اجماع علماء:

اما دلیل از اجماع اصحاب رسول خدا (ﷺ) بر حرام بودن نکاح متعه اجماع کرده اند به دلیل اینکه رسول خدا (ﷺ) از آن نهی کرده است و حضرت عمر (رضی الله عنه) در دوران خلافت خود بر منبر آن را نهی کرده است، چنانچه در شرح صحیح البخاری آمده:

«وقد جزم بعض أهل العلم بإجماع المسلمين على تحريم المتعة»¹¹⁶

ترجمه: بعضی از اهل تأکید بر اجماع مسلمین دارند برای این که نکاح متعه حرام است.

و نیز در رابطه به قول ابن عباس رضی الله عنهما گفته اند:

«فَقَدْ قَالَ بَعْضُهُمْ : وَاللَّهِ مَا فَارَقَ ابْنُ عَبَّاسٍ الدُّنْيَا حَتَّى رَجَعَ إِلَى قَوْلِ الصَّحَابَةِ فِي تَحْرِيمِ الْمُتْعَةِ. وَنُقِلَ عَنْهُ أَنَّهُ قَامَ خَطِيبًا يَوْمَ عَرَفَةَ وَقَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْمُتْعَةَ حَرَامٌ كَالْمَيْتَةِ وَالْدِّمِّ وَالْخِنْزِيرِ».¹¹⁷

ترجمه: بعضی علما گفته اند، قسم به الله متعال که ابن عباس وقتی از دنیا می رفت در رابطه تحریم متعه به قول رجوع کرده بود، طوری از وی نقل شده که در روز عرفه نزد مردم ایستاده شد، و گفت: ای مردم بدون شک نکاح متعه مانند حیوان خود مرده، خون و گوشت خنزیر حرام است.

امام شوکانی¹¹⁸ در "نیل الاوطار" سخن قاضی عیاض را نقل کرده :

«وَقَالَ عِيَاضٌ: ثُمَّ وَقَعَ الْإِجْمَاعُ مِنْ جَمِيعِ الْعُلَمَاءِ عَلَى تَحْرِيمِهَا إِلَّا الرَّوَافِضَ»¹¹⁹

ترجمه: قاضی عیاض می گوید: بعد از آن اجماع علماء بر تحریم آن واقع گردید و فقط رافضی ها به آن راضی نیستند.

¹¹⁶ حمزه، مجد قاسم، منار القاری شرح مختصر صحیح البخاری (5/ 108)، نشر: مکتبه دارالبیان، سال: 1410 هـ.

¹¹⁷ حاشیه الجیرمی علی الخطیب (10/ 155)، <http://www.al-islam.com>.

¹¹⁸ امام شوکانی، بدرالدین بن علی بن مجد مشهور به شوکانی، در سال (1173م) در کشور یمن تولد شده و از انمه مسلمین بود، که در علوم اسلامی دارای تصانیف بیشتر است.

¹¹⁹ شوکانی، مجد بن علی... نیل الأوطار (6/ 162)، نشر دارالحديث مصر، طبع اول سال: 1413 هـ.

قرطبی می گوید: علماء سلف و خلف بر تحریم آن اتفاق نظر دارند مگر کسی که از رافضی ها باشد که به رأی او توجه نمی شود. 120

پس این همه دلایل بر تحریم نکاح متعه است که علماء به الفاظ و سیاق های مختلف بیان کرده اند.

مطلب دوم: پیامد های منفی ازدواج موقت.

ازدواج موقت دارای پیامد های منفی می باشد که هرکدام به طور شماره وار پی هم بیان می گردد.

1- فقدان علاقه بین زن و مرد و سرگردانی فرزندان:

زن و مرد باهدف تشکیل خانواده و علاقه ی که به صورت فطری در طبیعت ایشان به یکدیگر قرار داده شده زندگی مشترک را آغاز می کنند. قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره دارد که می فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ).¹²¹

ترجمه: اما از آنجا که ازدواج موقت عمدتاً به دلیل اطفای شهوت است به طور طبیعی فاقد عشق و علاقه بین زن و مرد است. هرچند ممکن است این نوع ازدواج به ازدواج دائم منجر شود، در بیشتر موارد این چنین نیست. همچنین فرزند حاصل از ازدواج موقت متعلق به پدر است در نتیجه نیازی که فرزند در دوران کودکی به مهرمادر دارد تأمین نمی گردد و از تأثیر عمیق مهرمادری در تربیت و شکل گیری شخصیت کودک خبری نیست.

وجه استدلال این که: در آیه فوق از سکون آرامش و از مودت و رحمت سخن گفته که این مطلب در نکاح متعه حاصل نمی شود.

2- عدم تمایل به ازدواج دائم:

120- احمد بن علی بن حجر، عسقلانی. (1379 ه.ش). فتح الباری. ج9. اول. بیروت: دارالمعرفه. صص 78 و 79.

¹²¹ (الروم: 21).

گسترش و ترویج ازدواج موقت در بین جوانان باعث می‌گردد تا آنان کمتر به ازدواج دائم روی آورند این مسئله علاوه بر مسائل روحی و روانی، باعث رشد آسیب های اجتماعی می شود، زنانی که هیچ پناهی ندارند و برای تأمین معاش خود و فرزندشان ممکن است در دوران عده دست به هرکاری بزنند. هر چند برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی می توان از ایجاد قوانین سود جست، ساختار فرهنگی جامعه پذیرای چنین قوانینی نیست. دیگر اینکه ازدواج جوانان معمولاً با دوشیزگان صورت می گیرد، ازدواج موقت دختر باکره فرصت ازدواج دائم را از او سلب می کند. 122

مطلب سوم: تحریم نکاح متعه توسط امیر المؤمنین، عمر رضی الله عنه

عمر (رضی الله عنه) در زمان خلافت خود برمنبر آن را نهی نموده و در مجلس شورای اصحاب حکم تحریم آن منعقد گردید و اصحاب آن را تثبیت نمودند:

«وَرَوِيَ عَنْ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ : مُتْعَتَانِ كَانَتَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَا أَنَهَى عَنْهُمَا وَأَعَاقِبُ عَلَيْهِمَا : مُتْعَةُ النِّسَاءِ، وَمُتْعَةُ الْحَجِّ». 123

ترجمه: از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: دو نوع متعه در زمان رسول الله ﷺ رواج داشت که من از هردوی آن ها منع می کنم و مرتکب آنها را مجازات می کنم: و آن متعه در نکاح زنان و متعه در مراسم حج بود.

این تحریم وی پیش چشم یا زیر نظر اصحاب رضی الله عنهم بود اما آنان چیزی نگفتند و در مقابل عمر رضی الله عنه سکوت کردند، پس اگر صحابه مفهوم این مطلب را از پیامبر ﷺ نمی شنیدند حتما در مقابل عمر رضی الله عنه ایستاد می شدند و او را امر به معروف و نهی از منکر می کردند.

122- عبدالحسین، امینی. الغدير في الكتاب والسنة والادب ج 6. ص 291-292.

123 مالک بن انس، موطأ مالک (1/ 171)، نشر: مؤسسه زاید بن سلطان، الامارات، طبع اول سال: 1425 هـ.

مبحث دوم

ازدواج موقت در نصوص شریعت

مطلب اول: در قرآن برای ازدواج موقت احکامی وجود ندارد.

هنگامی که قرآن ازدواج شرعی را بیان کرد، بدان اکتفا ننمود، تا این که احکامش را به صورت مفصل تشریح کرد و هنگامی که ازدواج با کنیزان را تشریح نمود، احکامش را به تفصیل بیان کرد. و در آیات بسیاری که حصر و محدود سازی آن ها دشوار می باشد، بدان پرداخت؛ از جمله ی آن ها:

{فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنِي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ حَفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (3) وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا}.¹²⁴

«با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگري را مراعات دارید، به يك زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود (که هزینه کمتری و تکلفات سبکتری دارند) ازدواج نمائید. این (کار، یعنی اکتفاء به يك زن، یا ازدواج با کنیزان) سبب می شود که کمتر دچار کجروي و ستم شوید و فرزندان کمتری داشته باشید. و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید».

{وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ}.¹²⁵

«و برای شما نصف دارائی به جاي مانده همسرانتان است، اگر فرزندی (از شما یا از دیگران و یا نوه یا نوادگانی) نداشته باشند (و باقی ترکه، برابر آیه قبلی، به فرزندانشان و پدران و

¹²⁴ (نساء / 3 - 4).

¹²⁵ (نساء / 12).

مادرانشان تعلق می‌گیرد) و اگر فرزندی داشته باشند، سهم شما يك چهارم ترکه است (و باقیمانده ترکه به ذوی الفروض و عصبه، یا ذوی الارحام یا بیت المال می‌رسد. به هر حال چه فرزندی نداشته باشند و چه فرزندی داشته باشند، سهم شما) پس از انجام وصیّتی است که کرده اند و پرداخت وامي است که بر عهده دارند (و پرداخت وام بر انجام وصیّت مقّم است). و برای زنان شما يك چهارم ترکه شما است اگر فرزندی (یا نوه و نوادگانی از آنان یا از دیگران) نداشته باشید».

{الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً (34) وَإِنِ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْغُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيمًا}.

126

«مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند. پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و آسرار (زناشوئی) را نگاه می‌دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. (زنان صالح چنین بودند ولیکن زنان ناصالح آنانی هستند که سرکش می‌باشند) و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید (و با ایشان سخن نگوئید. و اگر باز هم مؤثر واقع نشد و راهی جز شدت عمل نبود) آنان را (تنبیه کنید و کتک مناسبی) بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند (ترتیب تنبیه سه گانه را مراعات دارید و از اخفّ به اشدّ نروید و جز این) راهی برای (تنبیه) ایشان نجوئید

(و نپوئید و بدانید که) بیگمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و اگر ایشان را بیش از حدّ اذیت و آزار کنید، انتقام آنان را از شما می گیرد). و اگر (میان زن و شوهر اختلافی افتاد (و ترسیدید (که این کار باعث) جدائی میان آنان شود، داوری از خانواده شوهر، و داوری از خانواده همسر (انتخاب کنید و برای رفع و رجوع اختلاف) بفرستید. اگر این دو داور جویای اصلاح باشند، خداوند آن دو را (کمک نموده و در یکی از دو کار: سازش نیک و خدایسندانه، یا جدائی زیبا و معقولانه) موفق می گرداند. بیگمان خداوند مطلع (بر ظاهر و باطن مردمان و) آگاه (از نیات همگان) است».

وجه استدلال این که : این احکام با تمام جزئیاتش مربوط به نکاح مؤبد است نه، ازدواج موقت یا متعه.

{وَمَنْ لَّمْ يَسْتَنْطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ}.¹²⁷

ترجمه: و اگر کسی از شما نتوانست با زنان آزاده مؤمن ازدواج کند، می تواند با کنیزان مؤمنی ازدواج نماید. خداوند آگاه از ایمان شما است. (از ازدواج با کنیزان مؤمن سرپیچی نکنید، چرا که) برخی از برخی هستید (و شما و ایشان در برابر دین یکسان می باشید)، لذا با اجازه صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید. کنیزانی را برگزینید که با عفت و پاکدامن باشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند. اگر پس از ازدواج، از ایشان زنا سر زد، عقوبت ایشان نصف عقوبت زنان آزاده (یعنی: پنجاه تازیانه) است. ازدواج با کنیزان به هنگام عدم قدرت برای کسی از شما آزاد است که ترس از فساد داشته باشد (و بترسد به مشقّتی دچار شود که به زنا منتهی گردد). و اگر شکیبائی ورزید (و از ازدواج با کنیزان

¹²⁷ (نساء / 25).

خودداري كنيد و بتوانيد عفت خود را مراعات داريد) براي شما بهتر است. و خداوند داراي مغفرت و مرحمت فراوان است.

ده ها آيه در قرآن كريم وجود دارد كه به طور مفصل پيرامون احكام ازدواج و خانواده در حالت هاي اتحاد، ناسازگاري و يا طلاق بيان شده است.

شكي نيست كه ازدواج موقت اگر مشروع مي بود، - چه در گذشته و چه در زمان حال - بيشتر از ازدواج با كنيزان رايج بود، چرا كه دسترسي به آن ميسر و آسان است. پس بايد خداوند - عز وجل - احكام آن را همانند دو مورد ديگر مورد بحث قرار مي داد.

چگونه بايد خداوند - عز وجل - احكام مربوط به نكاح كنيزان را در چندين جاي قرآن ذكر نمايد و احكام آن را توضيح دهد، در حالي كه مي داند چنين نكاحي به پايان مي رسد و ديگر در جامعه به وجود نمي آيد، اما از ذكر نكاح ديگري غافل مي ماند كه انعكاس بيشتري در جامعه دارد و بيشتر مورد استفاده واقع مي گردد؟!!

بايد اذعان داشت كه عدم ذكر احكام نكاح متعه در قرآن دليل واضحي بر عدم مشروعيت آن مي باشد، زيرا چگونه ممكن است كه الله متعال اين ارتباط ميان زن و مرد را با آن خطورت و حساسيتي كه دارد، صحيح اعلام دارد، اما حتي يك حكم را راجع بدان بيان ندارد! حتي گفته اند: چگونه گفته مي شود: نكاح متعه جزو دين است در حالي كه قرآن اهميت گاو بني اسرائيل را براي آن قايل نشده است!

قرآن ازدواج موقت را حرام مي داند

در همان اوائل نزول قرآن كريم - كه هنوز مسلمانان در مكه بودند - ازدواج موقت و هر نوع رابطه جنسي ديگر نامشروع را غير از دو نوع ازدواج معروف يعني ازدواج دائمي و ازدواج با كنيزان را حرام اعلام داشت. با توجه به اين كه در دو سوره ي قرآن و براي دو مرتبه چنين آيه اي نازل شد كه خداوند - عز وجل - فرمود:

{وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ}.¹²⁸

«و عورت خود را حفظ مي کنند. مگر از همسران يا کنيزان خود، که در اين صورت جاي ملامت ايشان نيست. اشخاصي که غير از اين (دو راه زناشويي) را دنبال کنند، متجاوز (از حدود مشروع) بشمار مي آيند (و زناکار مي باشند)».

اين آيات تصريح دارند به اين که غير از همسران دائمي و کنيزان، هرگونه همبستري حرام است و ازدواج موقت در اين دو نوع ازدواج داخل نمي شود پس با توجه به آيه (وَرَاءَ ذَلِكَ) مشخص مي شود که اين نوع ازدواج حرام است.

اين آيات امري در نهايت اهميت را اثبات مي کند و آن اين که اصل بر حرمت «فروج» است و مباح شمردن آن نيازمند دليل است که عکس آن چنين نيست. پس هنگامي که خداوند - عز وجل - ازدواج دائمي و کنيزان را مباح گردانيد هر نوع ازدواج ديگري را غير از آن دو حرام نمود، پس فرمود:

{فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ} اين از يک طرف و از جهت ديگر - که اهميت کمتری از دو مورد اولي را ندارد - دليل اباحه ي ازدواج ابتدا بايد قرآني باشد و در ثاني بايد صريح هم باشد؛ زيرا پاسداري کردن از نسل و ناموس از ضروريات ديني است که اثباتش با روايات و اجتهادات صحيح نيست. و در قرآن دليلي صريح بر مشروعيت (نکاح موقت) وجود ندارد، پس در نتيجه اين ازدواج حرام است.

¹²⁸ (مؤمنون / 5 - 7).

مطلب دوم: عصر پیامبر (ﷺ) از نکاح موقت خالی بود

اگر ازدواج موقت در عصر پیامبر مرسوم بود حتماً خداوند در قرآن مشروعیت و احکام تفصیلی آن را بیان می‌نمود همانطور که در ازدواج دائم و ملک یمین بیان کرده است.

یقیناً اگر ازدواج موقت مشروع بود بخاطر سهولتش عمل به آن بیشتر می‌شد پس چگونه خداوند نسبت به این امر مهم سکوت می‌کند ولی دو ازدواج دیگر را تشریح می‌نماید.

خداوند نکاح جاریه را در هشت جای قرآن بحث کرده است و آیات دیگر مربوط به مشروعیت واحکام آن در قرآن فراوانند حتی خداوند مسئله‌ای مانند شراب را که اهمیتش از نکاح متعه کمتر است چندین بار ذکر کرده است پس چگونه نکاح متعه را که خطیرتر و وقوع آن بیشتر خواهد بود در قرآن ذکر نمی‌کند.

در این زمینه فقط یک قول درست است. اینکه نکاح متعه بر مسلمانان حرام بوده و آن را عملی نساخته‌اند و از اول عهد اسلام در مکه بر آنان حرام گشته است همانطور که در سوره مؤمنون و معارج ذکر شده است.¹²⁹

¹²⁹ اسحاق، دبیری. (1437 هـ.). ازدواج موقت. ج. 1 ص 9. طبع دیجیتال: کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com.

فصل چهارم

وجوه اشتراک و دیدگاه‌های علما به ارتباط زواج موقت

مبحث اول: دیدگاه علمای مذاهب اربعه

مبحث دوم: دیدگاه علمای معاصر

فصل چهارم

وجوه اشتراك و دیدگاه‌های علما به ارتباط زواج موقت

در نخست باید واضح شود که میان نکاح متعه و موقت کدام فرقی وجود دارد یا خیر؟ و بعد مشترکات نکاح متعه و دائمی را بررسی می‌نمائیم.

اگرچه نکاح موقت و متعه از نکاح مؤبد جدا هستند ولیکن در میان نکاح متعه و موقت فرق وجود دارد، طوری که امام کاسانی¹³⁰ در "بدائع الصنائع" بیان کرده است:

«يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا مِنْ جِهَةِ اللَّفْظِ، فَالنِّكَاحُ الْمُتَعَةَ هُوَ الَّذِي يَكُونُ بِلَفْظِ التَّمَتُّعِ، كَأَنْ يَقُولَ لَهَا: أُعْطِيكَ كَذَا عَلَى أَنْ أَتَمَّتْ بِكَ يَوْمًا أَوْ شَهْرًا أَوْ سَنَةً وَنَحْوَ ذَلِكَ، وَهُوَ غَيْرُ صَحِيحٍ عِنْدَ عَامَّةِ الْعُلَمَاءِ. وَأَمَّا النِّكَاحُ الْمُؤَقَّتُ فَهُوَ الَّذِي يَكُونُ بِلَفْظِ التَّزْوِيجِ وَالنِّكَاحِ، وَمَا يَقُومُ مَقَامَهُمَا، وَيُفَيِّدُ بِمُدَّةٍ، كَأَنْ يَقُولَ لَهَا: أَتَزَوِّجُكَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَنَحْوَ ذَلِكَ، وَهُوَ غَيْرُ صَحِيحٍ عِنْدَ عَامَّةِ الْعُلَمَاءِ»¹³¹

ترجمه: میان نکاح موقت و متعه از دید لفظی فرق وجود دارد، پس نکاح متعه آنست که به لفظ تمتع مانند "من این مقدار را برای تو دادم برای این که یک روز یا یک ماه یا یکسال نفع بگیرم، در حالی که این نزد عامه ی علماء صحیح نیست، هرچه نکاح موقت آنست که بلفظ تزویج و نکاح و امثال آن باشد و افاده یک مدت را داشته باشد مانند این که به زن بگوید من همراه تو ده روز ازدواج می‌کنم یا مانند آن و این نیز نزد عامه علماء صحیح نمی‌باشد.

مشترکات ازدواج موقت و دائمی :

از آنجایی که به شرایط، ماهیت و هدف ازدواج موقت معلومات در یافت نمودیم بنا بر این برخورد لازم دانستم تا در مورد مشترکات های ازدواج موقت و دائم نکاتی را یاد آور شوم.

¹³⁰ علاء الدین ابوبکر بن مسعود بن احمد کاسانی حنفی، متوفی (587هـ)، مؤلف "بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع" که در فقه حنفی تألیفات زیادی دارد.

¹³¹ کاسانی، علاء الدین الکاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، (272/2)، نشر: دارالکتب العربی بیروت، طبع سال: 1982م.

1- هر دو ازدواج باید با الفاظ مخصوص صورت بگیرند و به اصطلاح عقد خوانده شود. یعنی غیر از رضایت طرفین که پایه و اساس ازدواج است، و با گفتن کلماتی، روح اطاعت از قانون را در طرفین بیدار و تقویت می‌گرداند و این عمل جنسی را به صورت عبادت درمی‌آورد و مایه آرامش می‌شود و ایجاب و قبول در هر دو به یک صورت است.

یعنی با یکی از سه لفظ «أَنْكَحْتُ»، «زَوَّجْتُ» و «مَتَّعْتُ» ایجاب صورت می‌گیرد و با لفظ «قَبِلْتُ» قبول انجام می‌پذیرد.¹³²

2- هر دو ازدواج، دارای مهر هستند که باید میزان آن در متن عقد دقیقاً تعیین شود و به آن تصریح گردد. اعم از آن که با توازن باشد یا با ذکر عدد و یا با مشاهده و یا با توصیفی که رافع جهالت است و میزان مهر بسته به توافق طرفین است و حد اقل و حد اکثری در آن مطرح نیست. ولی باید نه به آلف و الوف بکشد و نه به یک شاخه‌گل بسنده شود که این خود نوعی افراط و تفریط است که کارجاهلان می‌باشد. وزن نمی‌تواند از قبول مهر خودداری کند. زیرا شرع مقدس وجود مهر را امری لازم و ضروری شمرده که اگر نباشد، عقد باطل است و مالک مهر خود زن است، نه کس دیگر و این نشان می‌دهد که اسلام قائل به استقلال اقتصادی زن است و اگر زن در مدت زناشویی بمیرد، هرگز مهر زن ساقط نمی‌شود به طوری که اگر دخول شده باشد کل مهر و اگر دخول نشده باشد نصف مهر را باید پرداخت.

3- در هر دو ازدواج مدت و زمان مطرح است. با این تفاوت که در ازدواج دائم، دائمی است و نیازی به تعیین ندارد و اصولاً قابل تعیین هم نیست. زیرا نه زمان مرگ افراد معلوم است و نه مدت زمان توافق و یکدلی زوجین قابل پیش‌بینی است. و در ازدواج موقت، موقتی است و لذا باید مدت آن کاملاً معین و مشخص شود. به طوری که اگر مدت تعیین نشود ازدواج موقت تبدیل به ازدواج دائم می‌شود و یا باطل اعلام می‌گردد.

¹³² شامی، محمد امین معروف به ابن عابدین شامی، حاشیه رد المحتار (119/3)، <http://www.al-islam.com>.

تفاوت های ازدواج موقت و دائمی :

تفاوت هایی که بین این دو ازدواج وجود دارد ناشی از احکام این دو ازدواج است که مفصلاً خواهد آمد و ما در این جا اجمال به بعضی آن ها اشاره می‌کنیم:

1- آنچه در درجه اول، این دونوع ازدواج را از هم متمایز می‌سازد، حرمت و حلیت یا باطل بودن و جایز بودن آن است، چون ازدواج موقت حرام و دائمی مجاز است، طوری که در کتب اهل سنت تفصیل وار بیان شده است.¹³³

2- همچنان موقت بودن یکی و دائم بودن دیگری است. البته به این نکته باید توجه داشت که این دوام صرفاً در ثبات زوجین متجلی است. یعنی ازدواج دائم ازدواجی است که زن و شوهر از روز نخست بنا را بر دوام می‌گذارند نه اینکه به طور دائم زندگی می‌کنند و لذا به یک اعتبار می‌توان گفت که برگشت ازدواج دائم نیز به ازدواج موقت است. زیرا در این دنیا دوامی در کار نیست و کسی از آینده خبر ندارد چه بسا اختلافی پیش آید و زوجین را از هم جدا سازد. مگر اینکه زن و مرد به قدری باهم انس و الفت داشته باشند که بخواهند در دار آخرت نیز با هم زندگی کنند و خداوند (ﷻ) خواسته آن ها را مستجاب کند. در این صورت دوام جنبه عینی پیدا خواهد کرد. ازدواج دائم آن است که زن و مرد با هم توافق می‌کنند تا پایان عمر خود، زندگی مشترک داشته باشند. در حالی که در ازدواج موقت زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت با هم ازدواج کنند و پس از پایان مدت اگر مایل بودند که تمدید کنند، تمدید می‌کنند و یا به ازدواج دائم تبدیل می‌کنند و اگر مایل نبودند از هم جدا می‌شوند. البته باید توجه داشت که مدت در ازدواج موقت جز وارکان آن می‌باشد که باید در متن عقد از لحاظ کمیّت دقیقاً تعیین و تصریح شود و هیچ گونه ابهامی از جهت نقصان و زیاد نداشته باشد. بیان مدت به قدری اهمیّت دارد که اگر در متن عقد ذکر نشود عقد باطل می‌شود و یا طبق نظر برخی از علماء، تبدیل به عقد دائم می‌گردد. و باید توجه داشت که حداقل و حداکثری در ازدواج موقت برای مدت، مطرح نیست و زوجین می‌توانند ولو برای یک ساعت یا برای مدت طولانی، ازدواج موقت نمایند.¹³⁴

¹³³ ابن نجیم، زین الدین ابن نجیم الحنفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق (115/3) نشر: دارالمعرفة، بیروت.

¹³⁴ محمدی، یوسف محمدی، ازدواج موقت از دیدگاه روایت، (ص: 21)، نوبت انتشار: اول (دیجیتال) تاریخ انتشار: 1394 ه.ش.

2- زن و مرد در ازدواج موقت از لحاظ شرایط، آزادی بیشتری دارند که به طور دلخواه به هرنحوه بخواهند پیمان می بندند و روابط خود را آزادانه تعیین می کنند. به عبارت دیگر، محدودیت هایی که در طبیعت ازدواج دائم وجود دارد، در ازدواج موقت نیست. ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود آزاد است، یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین است. حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی به طرفین می بخشد و زمان را در اختیار آن ها قرار می دهد.¹³⁵

3- در ازدواج دائم خواه ناخواه مرد باید عهده دار مخارج روزانه، لباس، مسکن و احتیاجات دیگر زن از قبیل دارو و طبیب بشود. ولی در ازدواج موقت، نفقه واجب نیست، ولو اینکه زن آبستن شود. ولذا مردانی که به خاطر ضعف اقتصادی و مشکل مالی از ازدواج دائمی رویگردان شده اند، می توانند از ازدواج موقت استفاده کنند، و به جای رهبانیت و یا گناه به ازدواج مشروع اقدام کنند. البته این موضوع بستگی دارد به نوع قرارداد، ممکن است مرد نخواهد و نتواند متحمل این مخارج بشود و یا زن نخواهد از پول مرد استفاده کند و وابسته به او باشد که در چنین صورتی نفقه نیست و یا برعکس، زن به خاطر نداری وجود نفقه را شرط کند که در این صورت پرداخت نفقه بر مرد واجب خواهد بود.

4- در ازدواج دائم خواه ناخواه زن باید مرد را به عنوان رئیس خانواده بپذیرد و امر او را در حدود مصالح خانواده اطاعت کند، اما در ازدواج موقت چنین وجوبی در کار نیست و بیشتر بستگی به نوع قراردادی دارد که در میان آن ها منعقد می گردد. اصولاً در ازدواج موقت، فرمان شوهر تنها در چهارچوب قرارداد ازدواج، برای زن قابل تبعیت است، نه بیشتر.

5- در ازدواج دائم تعیین محل زندگی در اختیار مرد است. یعنی به صرف عقد دائم، برای زن، چنین تعهدی انجام می شود که در محل مورد نظر مرد زندگی کند. مگر اینکه زن در ضمن عقد شرط کند که در محل خاصی زندگی کنند و شوهر این شرط را بپذیرد. در حالی که در ازدواج موقت، تعیین محل از ابتدا در اختیار طرفین است، مگر اینکه شرط شده باشد در اختیار یکی از آن دو باشد و یا در محل خاصی دیدار و زندگی کنند و اگر چنین شرطی نشده باشد به صرف عقد متعه، برای زن چنین تعهدی ایجاد نمی شود که در محل مورد نظر مرد زندگی کند. ولذا در روایت آمده است که در ازدواج دائم، مرد می تواند همسر خود را برای سکونت از شهری به شهر دیگر ببرد. ولی در نکاح متعه نمی تواند چنین کاری کند و شاید علتش این باشد که ازدواج موقت،

¹³⁵ ابراهیم بن نجیم، *الإشباه والنظائر علی مذهب أبي حنيفة النعمان (177/1)*، نشر: دارالکتب العلمیه بیروت، طبع سال: 1400 هـ.

موقتاً است و ممکن است مرد پس از انقضای مدّت زن را در دیار غربت تنها رها سازد و این به ضرر زن است.¹³⁶

6- در ازدواج دائم زن وشوهرخواه ناخواه از یکدیگر ارث می‌برند، درحالی که در ازدواج موقت طبق نظر مشهور هیچ یک از آن‌ها از همدیگر ارث نمی‌برند مگر آن که شرط کنند. ولذا در ازدواج موقت، اغنیاء و فقراء به راحتی می‌توانند به ازدواج اقدام کنند، بدون آنکه مسائل مالی در این امر مقدّس دخالت داشته باشد. درحالی که در ازدواج دائم به خاطر وجود قانون ارث، نوعاً فقراء با فقراء ازدواج می‌کنند و اغنیاء با اغنیاء که مبادا ثروت از خانواده‌ای به خانواده دیگر منتقل شود. زیرا در ازدواج دائم حتی با شرط ضمن عقد نیز نمی‌توان نبود ارث را شرط کرد.

7- در ازدواج دائم، زن موظف به تمکین از مرد است و مکلف است که در مرادوات و مسایلی جنسی، دعوت مرد را اجابت کند. درحالی که در ازدواج موقت مرد نمی‌تواند همسر متعه‌ی خود را وادار به تمکین کند و در صورت عدم تمکین، مرد فقط می‌تواند عقد را به هم بزند، و یا متناسب با نشوز زن (عدم تمکین زن) از پرداخت بخشی از مهر امتناع کند. و البته هر یک از طرفین می‌توانند نحوه مرادوات خود را به دلخواه تعیین کنند. مثلاً زن می‌تواند در ضمن عقد، شرط کند که شوهرش چه زمانی به دیدار او برود و روابطشان برچه اصولی استوار باشد و مرد هم ملزم به رعایت تعهّدات خویش است.¹³⁷

در ازدواج موقت، حتی زن و مرد می‌توانند شرط کنند که بهره برداری‌های آن‌ها محدود به حدی باشد. مثلاً آمیزشی صورت نگیرد و فقط استمتاع و لذّت جنسی بردن باشد و این شروط، لازم الاجراء هستند. مگر اینکه بعداً به آمیزش و مقاربت راضی شوند. کلینی به سند خود از عمّار بن مروان نقل می‌کند که می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم: مردی به پیش زنی می‌رود. زن درخواست ازدواج می‌کند و می‌گوید: خود را به عقد ازدواج تو درمی‌آورم، به این صورت که مرا نگاه کنی و لمس نمایی و هر آنچه یک مرد از زن بهره می‌برد، استفاده کنی. الاّ این که مقاربت و دخول نکنی، اما هر لذّتی خواستی ببری. زیرا من می‌ترسم بکارت خود را از دست دهم. امام فرمود: مرد باید به تعهّد خود عمل کند. و به خاطر همین امر، ازدواج موقت می‌تواند برای دوران نامزدی در ازدواج دائم به کارگرفته شود و طرفین ازدواج، بدون اینکه

¹³⁶ محسن، نجفی. (ب ت). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ج 39. دوم. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

¹³⁷ زیلعی، فخر الدین عثمان الزیلعی الحنفی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (146/6)، نشر: دار الکتب الاسلامی، سال: 1313 هـ.

احساس گناه داشته باشند و بدون انجام زناشویی مدّتی با همدیگر زندگی کنند و روحیات همدیگر را کاملاً شناخته و در بوته آزمایش قرار دهند. و آنگاه که اطمینان پیدا کردند می‌توانند به صورت دائم همدیگر را تحمّل کرده و در زندگی یار و غمخوار هم باشند، تن به ازدواج دائم بدهند و همچنین هریک از زن و مرد می‌توانند شرط کنند که رفت و آمد، شب یا روز باشد و یا واقعه و نزدیکی در یک مدّت زمان معین، یک بار یا دو بار و یا چند بار باشد. در حالی که در ازدواج دائم، زن مطلقاً در اختیار مرد است.

8- در ازدواج دائم، طبق نظر مشهور هیچ یک از زوجین بدون جلب رضایت دیگری حق ندارد از بچه دار شدن و تولید نسل جلوگیری کند، به طوری که اگر مرد، بدون رضایت زن عزل نماید باید به زن خود جریمه نقدی (دیه) بپردازد البته برخی از علماء نظیر ابن ادریس می‌گویند اصل برائت ذمه است و مرد اگر بدون جلب رضایت زن، عزل نماید حتی مرتکب گناه نیز نشده است و روایاتی که قائلین به حرمت استناد کرده اند، قابل اعتنا نیست). ولی در ازدواج موقت، جلب رضایت طرف دیگر ضرورت ندارد. یعنی هر یک از طرفین می‌توانند رأساً از تشکیل نطفه جلوگیری کنند، لذا زن نمی‌تواند فرزند را بر مرد تحمیل کند و مرد نیز نمی‌تواند وجود فرزند را بر زن تحمیل کند تا اینکه از طریق فرزند، مسئله ارث مطرح شود و محذورات جدیدی به وجود آورد، مگر اینکه هر دو به آن راضی شوند. به عبارت دیگر هر یک از مرد و زن می‌تواند در مورد بچه دار نشدن تصمیم بگیرد، ولی برای بچه دار شدن هر دو باید با هم تصمیم بگیرند و از این جا چنین برمی‌آید که هدف اصلی از ازدواج موقت تشکیل خانواده و تولید نسل و بقاء نسل و پذیرفتن مسئولیت سنگین تربیت فرزند نیست. بلکه منظور استمتاع و تعدیل غریزه جنسی است که در مدّت معین و به صورت قانونی روابط جنسی برقرار می‌شود.

9- عدم ذکر مهر در ازدواج دائم عقد را باطل نمی‌کند، بلکه در چنین مواقعی «مهر المثل» چنانچه در کتب فقه گفته شده «صَحَّ النِّكَاحُ بِلَا ذِكْرِهِ»¹³⁸ تعیین می‌شود. در حالی که در ازدواج موقت، عدم ذکر مهر موجب بطلان طلاق می‌شود.

10- میزان مهریه در ازدواج موقت، متناسب با زمان متعه است. به خلاف ازدواج دائم که نوعاً با گذشت زمان، مهریه تعیین شده، ارزش خود را از دست می‌دهد و سرّ آن شاید این باشد که در ازدواج موقت نفقه زن بر عهده مرد نیست و لذا زن باید از محل مهریه، زندگی خود را اداره کند،

¹³⁸ البحر الرائق شرح كنز الدقائق (3/ 152).

درحالی که در ازدواج دائم، مخارج زندگی زن، به عهده مرد است و زن نیاز چندانی به وجه مهریه ندارد و مهریه پیش کشی است که مرد در ابتدای ازدواج برای جلب اطمینان زن به ایشان هدیه می‌کند تا زن درخواست مرد را با خاطری آسوده اجابت کند. زیرا می‌بیند که این مرد حاضر است درآمد گذشته خود را به پای زن بریزد. پس می‌تواند درآمد آینده خود را نیز خرج ایشان کند.

11- در ازدواج موقت شوهر می‌تواند پس از عقد، همه مدت یا بخشی از آن را ببخشد و از او جدا گردد و اگر مدت را نبخشد وقتی که مدت تمام شد، عقد خود به خود و بدون طلاق، منفسخ می‌شود و جدایی حاصل می‌گردد و نیازی نیست که به مبعوض‌ترین حلال(طلاق) اقدام شود و در دسرهای طلاق را نیز ندارد. درحالی که جدایی در ازدواج دائم، منحصر به طلاق است، مگر اینکه موجبات انفساخ نظیر ارتداد و... ایجاد شود. بنابراین زن و مرد در ازدواج موقت شریک دائمی زندگی نیستند تا در انتخاب آن و اقدام به آن وسوسه شده و سخت‌گیری کنند و همچنین در صورت عدم سازش، ددرسرها، مشکلات و درگیری های طلاق را نیز ندارد. بلکه به مجرد پایان یافتن مدت و یا بخشیدن آن، جدایی حاصل می‌شود.

12- در ازدواج موقت اگر مقاربتی صورت نگرفته باشد بلافاصله پس از جدا شدن از شوهر قبلی می‌توان با فرد دیگری ازدواج مجدد کرد و اگر آمیزش جنسی صورت گرفته باشد ازدواج مجدد با فرد قبلی نیاز به انتظار ندارد، ولی ازدواج مجدد با فرد دیگر نیاز به انتظار و نگاه داشتن عده ی دوبار حیض و پریود شدن ندارد، اما این مدت کوتاه‌تر از مدت انتظار در ازدواج دائم است.

برخی گفته اند عده در ازدواج موقت، نصف ازدواج دائم است. عده در ازدواج موقت 45 روز (یا دو بار حیض و پریود شدن) و در ازدواج دائم سه ماه (یا سه بار حیض و سپس پاک شدن) است.

13- در ازدواج دائم مرد حق ندارد بیش از چهار زن دائمی اختیار کند، درحالی که در ازدواج موقت طبق نظر مشهور مرد می‌تواند با تعداد زنان بیشتری ازدواج موقت نماید.

14- در ازدواج دائم اگر سه بار عقدی انجام بگیرد و سپس فسخ شود، نیاز به وجود محلل پیدا می‌شود و زن و مرد نمی‌توانند برای بار دیگر عقد زناشویی ببندند. درحالی که در ازدواج موقت، عقد ازدواج می‌تواند برای چندین بار تکرار و فسخ شود و نیازی به وجود محلل در دفعات بعدی نیست.

15- در پایان این نکته مهم را یادآور می‌شویم که ازدواج موقت به خاطر اینکه تکالیف سنگینی به عهده زوجین نمی‌آورد و اکثر شرایط آن در اختیار طرفین عقداست، می‌تواند مورد استفاده محصلین و دانشجویان، سربازان و درجه داران، و مسافران و بازرگانان و... قرار بگیرد و راه‌های دیگر را به روی آنان سد کند. همان طوریکه در تعبیر ابن عباس، ازدواج موقت، مایه رحمتی برای امت محمد (ﷺ) معرفی شده است و حضرت علی (رضی الله عنه) فرموده است: اگر عمر متعه را حرام نمی‌کرد، کسی غیر از افراد شقی و بدبخت اقدام به زنا نمی‌کردند. در حالیکه ازدواج دائم به خاطر اینکه تکالیف سنگینی به دوش زوجین می‌آورد و شرایط آن در دست شارع مقدس و قانون است، نمی‌تواند مورد استفاده این اقشار قرار بگیرد و این نقش مهم را در جامعه ایفا کند.¹³⁹

ارکان و شرایط ازدواج موقت

ارکان ازدواج موقت :

آنچه اهل تشیع به ذکر آن در عقد موقت معتقدند عبارتند از:

1- اجرت:

2- مدت:

3- عدم میراث:

4- وجوب عده:

از زراهر روایت است که امام جعفر صادق فرمودند: متعه با ذکر دو امر جایز می‌گردد:

1- وقت معین:

2- اجر معین:

¹³⁹ محمد بن حسن حر، عاملی، (1403)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 14، دوم، قم: انتشارات آل البيت لإحياء التراث، ص 89.

از ابو بصیر روایت است که می فرماید: بر زن لازم است که در نکاح متعه بگوید که با شما به مدت چند روز و در مقابل چند درهم عقد موقت می نمایم.

از اسماعیل بن فضل روایت است که ایشان می فرمایند از امام جعفر صادق درباره ی نکاح موقت پرسیدم ایشان فرمودند: مهریه و وقت نکاح باید مشخص باشد.

از ابان بن تغلب روایت است که ایشان می فرمایند من به امام جعفر صادق گفتم به زنی که قصد نکاح موقت با او را دارم به او چه بگویم بهتر است امام فرمودند به او بگو: شما را بنا به کتاب الله و سنت پیامبر عقد موقت می نمایم بر این شرط که در بین ما ارث و ورثه نباشد و روز ما مشخص باشد و هر چه شما خواستید من به آن راضی هستم و اجر و مزد شما مبلغش نیز مشخص است، اگر زن به شما جواب مثبت داد و بله گفت او زن شما است و شما بر آن اولی و مقدم هستید.

از ثعلبه روایت است که امام جعفر صادق فرمودند به او بگو: شما را بر کتاب الله و سنت ازواج عقد موقت می نمایم بر این شرط که ارث نبریم و مدت و اجر شما مشخص وعده بر شما لازم گردد و اگر شخصی از بیان تعیین مدت صرف نظر نماید عقد دائم در بین آن دو منعقد گردیده است.¹⁴⁰

از عبدالله بن بکیر روایت است که ایشان می فرمایند امام جعفر فرمودند اگر مدت در عقد معین گردد عقد موقت و اگر تعیین نگردد عقد دائم منعقد گردیده است.

از ابان بن تغلب روایت است که ایشان به امام جعفر صادق فرمودند من شرم دارم و شرمنده می شوم که ایام را متعین نمایم ایشان فرمودند: آن بر شما ضرر دارد به او گفتیم چگونه ایشان فرمودند: اگر شما آن را بیان نمایی در آن صورت عقد دائم منعقد می گردد که بر شما نفقه او لازم وعده و طلاق و ارث نیز ثابت می گردد.

از هشام بن سالم روایت است که ایشان می فرمایند به امام جعفر صادق گفتم آیا زن به صورت مبهم و غیر تعیین به عقد نکاح موقت در می آید یا خیر؟ ایشان فرمودند آن بر شما بسیار سخت است زیرا که در آن صورت عقد دائم منعقد می گردد و زن توسط آن ارث می برد به او گفتم پس من چه کاری را انجام بدهم ایشان فرمودند: روز هایش را مشخص بنما و آن مقدار چیزی را که به آن می دهی را نیز مشخص نما در این صورت نفقه وعده بر آن لازم نمی گردد.¹⁴¹

¹⁴⁰ محمد حسن، نجفی. (ب ت). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج 39. ص 159..

¹⁴¹ روح الله، خمینی. (1368 ه.ش). تحریر الوسیله. مترجم: علی، اسلامی. ج 3. ص 348..

شرایط ازدواج موقت :

در ضمن همه عقود می‌توان شرایطی را در ازدواج موقت گذاشت که در این صورت طرفین ملزم به رعایت آن خواهند بود. در ازدواج موقت نیز به عنوان یک عقد هر یک از طرفین می‌توانند شرایطی را به نفع موجب زن یا قابل (قبول کننده مرد) وضع کنند :

1- الفاظ خاص: خواندن صیغه عقد تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست بلکه به همراه انشاء الفاظ خاص باشد. بنا به احتیاط واجب صیغه عقد باید به عربی صحیح خوانده شود. و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است، و لازم هم نیست که وکیل بگیرند اما باید لفظی بگویند که معنای زوجه و قبلت را بفهماند، اگر خود زن و مرد بخوانند صیغه عقد غیردائم (موقت) را بخوانند بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند چنانچه زن بگوید: «زوّجتک نفسی فی المدة المعلومة علی المهر المعلوم».

ترجمه: به نکاح تو در آوردم نفس خود را در مدت معلوم در برابر مهر معلوم بعداً بدون فاصله مرد بگوید: «قبلت» یعنی قبول نمودم.

اگر دیگری زن را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «متعت موکلتی موکلک فی المدة المعلومة علی المهر المعلوم».

ترجمه: به نکاح موقت دادم موکله خودم را به موکل تو در مدت معلوم در برابر مهر معلوم پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قبلت لموکلک هکذا».

ترجمه: قبول کردم نکاح موقت را به موکل خودم در مدت معلوم در برابر مهر معلوم.

2- تعیین مهریه: و نام بردن مهر زن در موقع عقد نیز لازم می باشد.

3- عقل و بلوغ: کسی که صیغه را می خواند بالغ و عاقل باشد.

4- اجازه ولی: دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد اگر بخواهد شوهر کند چنانچه باکره باشد باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد، ولی اگر باکره نباشد در صورتی که بکارتش بوسیله شوهر کردن از بین رفته باشد اجازه پدر و جد لازم نیست.

5- خاتم کسی نباشد: زن در زمان اجرای عقد موقت، به عقد دائم یا موقت در حباله نکاح کس دیگری در نیامده باشد (همسر شخص دیگری نباشد) و نیز در حال عده عقد دائم یا موقت فرددیگری نباشد.

6- رضایت عاقدین: زن و مرد به ازدواج راضی باشند و از روی اجبار و اکراه و ادا به ازدواج نشده باشند.

7- خاتم در عتد کسی نباشد: همچنین زن هنگامی که می خواهد به عقد مردی در آید، اگر قبلاً در عقد دیگری بوده و طلاق گرفته یا مدت عقد موقتش به سر آمده، مدت عده ی خود را نیز گذرانده باشد.

8- زن زانیه نباشد: شرط دیگر آن است که زن زمانی که در عقد دیگری بوده، با مردی که قصد دارد در آینده با او ازدواج کند، زنا نکرده باشد؛ زیرا اگر مردی با زن شوهرداری زنا کند برای همیشه آن زن بر او حرام می شود. بنا براین از نظر اسلام ازدواج چه دائم و چه موقت حتماً باید با رضایت طرفین (زن و مرد) باشد و اگر زن یا دختری درخواست مردی را برای ازدواج موقت رد کند مرتکب گناهی نشده است¹⁴².

¹⁴² حسن، موجودی. (1360 ه.ش). ازدواج دائم و موقت از نظر اسلام. ج.1. پنجم. تهران: موجودی. ص 14 و 15.

ازدواج موقت در آئینه دیدگاه ها

مبحث اول

دیدگاه علمای مذاهب اربعه

مطلب اول: دیدگاه مذهب احناف در باره متعه

نکاح متعه و موقت را محمد امین معروف به ابن عابدین شامی¹⁴³ (حنفی)، در "حاشیه ابن عابدین رد المحتار" باطل قرار داده و گفته است:

«(وَبَطَلَ نِكَاحُ مُتْعَةٍ، وَمَوْقَّتٍ)، وَإِنْ جُهِلَتْ الْمُدَّةُ أَوْ طَالَتْ فِي الْأَصَحِّ»¹⁴⁴

ترجمه: باطل است نکاح متعه و موقت، اگرچه مدت اش نامعلوم باشد یا به مدت زیاد دراز باشد، در روایت صحیح.

همچنان امام کاسانی در کتاب "بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع" در مورد تحریم نکاح متعه یا موقت تحقیقات و دلایل مفصلی را دارد که (با مطالعه آن قناعت هر شخص حاصل می شود) اینجا از آن یادآور می شویم:

«وَلَنَا الْكِتَابُ وَالسُّنَّةُ وَالْإِجْمَاعُ وَالْمَعْقُولُ، أَمَّا الْكِتَابُ الْكَرِيمُ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: {وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ} [المؤمنون: 5] {إِلَّا عَلَى أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ} [المؤمنون: 6] حَرَّمَ تَعَالَى الْجَمَاعَ إِلَّا بِأَحَدٍ شَيْئَيْنِ، وَالْمُتْعَةُ لَيْسَتْ بِنِكَاحٍ وَلَا بِمِلْكٍ يَمِينٍ فَيَنْفَى التَّحْرِيمَ، وَالذَّلِيلُ عَلَى أَنَّهَا لَيْسَتْ بِنِكَاحٍ أَنَّهَا تَرْتَفِعُ مِنْ غَيْرِ طَلَاقٍ وَلَا فُرْقَةٍ وَلَا يَجْرِي التَّوَارُثُ بَيْنَهُمَا، فَدَلَّ أَنَّهَا لَيْسَتْ بِنِكَاحٍ فَلَمْ تَكُنْ هِيَ رَوْجَةً لَهُ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى فِي آخِرِ الْآيَةِ: {فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ} [المؤمنون: 7] سُمِّيَ مُبْتَغِي مَا وَرَاءَ ذَلِكَ عَادِيًا، فَدَلَّ عَلَى حُرْمَةِ الْوَطْءِ بِدُونِ هَدْيَيْنِ الشَّيْئَيْنِ وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: {وَلَا تُكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ} [النور: 33] ، وَكَانَ ذَلِكَ مِنْهُمْ إِجَارَةَ الْإِمَاءِ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ، وَسَمَّاهُ بَغَاءً فَدَلَّ عَلَى الْحُرْمَةِ،

¹⁴³ ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز مشهور به ابن عابدین فقیه حنفی، که در سال (1198 هـ) در دمشق تولد شده، وی در فقه حنفی دارای تألیفات زیادی است.

¹⁴⁴ الدر المختار وحاشیه ابن عابدین (رد المحتار) (3/ 51)،

ترجمه: دلیل ما (در مذهب احناف) از قرآن، سنت، اجماع امت و عقل است؛

1- دلیل از آیات قرآن:

الله متعال فرموده است: "و عورت خود را حفظ می‌کنند. مگر از همسران یا کنیزان خود" یعنی الله متعال بغیر از این دو مورد (زنان اصیل با نکاح مؤبد و کنیزان) جماع را حرام قرار داده، پس متعه نه نکاح است و نه در ملک یمین که، لذا تنها تحریم باقی می‌ماند. دلیل بر این که متعه نکاح نیست: چون آن بدون طلاق و فرقت از بین می‌رود و مسئله میراث در آن جاری نمی‌شود، بدین اساس واضح می‌شود که آن نکاح نیست و آن زوجه شخص مجسوب نمی‌شود. الله متعال فرموده: "اشخاصی که غیر از این (دو راه زناشویی) را دنبال کنند، متجاوز (از حدود مشروع) بشمار می‌آیند (و زناکار می‌باشند)". بغیر از این دو مورد را بغاوت کننده مسمی نموده، که این دلالت به حرمت وطئ به غیر از این دو مورد دارد، چنانچه الله متعال در سوره نور فرموده: "همچنین کنیزان خود را (با جلوگیری از ازدواج ایشان) وادار به زنا نکنید" قبلا این مطلب در رابطه به اجازه کنیزان بود که آن را نهی کرد، و آن را بغاوت گفته پس این دلیل تحریم است.

وَأَمَّا السُّنَّةُ فَمَا رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «نَهَى عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ وَعَنْ أَكْلِ لُحُومِ الْحُمْرِ الْإِنْسِيَّةِ» وَعَنْ سَمْرَةَ الْجُهَنِيَّةِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ»، وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَوْمَ خَيْبَرَ عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ وَعَنْ أَكْلِ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ»، وَرُوِيَ «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَهُوَ يَقُولُ: إِنِّي كُنْتُ أَذْنُتُ لَكُمْ فِي الْمُتْعَةِ فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ شَيْءٌ فَلْيَفَارِقْهُ وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

2- اما دلیل از حدیث؛ * از سیدنا علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم: "در روز خیبر از متعه زنان و از خوردن گوشت خرهای انسیه نهی کرده است" * از سمره جهنی رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ از "در روز خیبر از متعه زنان و از خوردن گوشت خرهای اهلی نهی کرده است" * و نیز از عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله ﷺ "در روز خیبر از متعه زنان و از خوردن گوشت خرهای انسیه نهی کرده است"، روایت شده که رسول الله ﷺ در میان رکن و مقام ابراهیم علیه السلام

ایستاده بود و می گفت: من به شما در مورد متعه زنان اجازه داده بودم، هرکه از این مورد چیزی نزدش است باید از آن مفارقت نماید و از آنچه که به آنان داده اید نگیرید زیرا الله متعال (متعّه) را تا روز قیامت حرام گردانید.

3- دلیل از اجماع و عقل:

وَأَمَّا الْإِجْمَاعُ فَإِنَّ الْأُمَّةَ بِأَسْرِهِمْ امْتَنَعُوا عَنِ الْعَمَلِ بِالْمُتْعَةِ مَعَ ظُهُورِ الْحَاجَةِ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ.

وَأَمَّا الْمَعْقُولُ فَهُوَ أَنَّ النِّكَاحَ مَا شُرِعَ لِاقْتِضَاءِ الشَّهْوَةِ بَلْ لِأَغْرَاضٍ وَمَقَاصِدٍ يُنَوِّسَلُ بِهِ إِلَيْهَا، وَاقْتِضَاءِ الشَّهْوَةِ بِالْمُتْعَةِ لَا يَقَعُ وَسِيلَةً إِلَى الْمَقَاصِدِ فَلَا يُشْرَعُ.

ترجمه: همه ی امت از نکاح متعه امتناع ورزیده با آن که بسیار حاجت شان به آن آشکارا بوده. لیکن دلیل از عقل این که: نکاح تنها برای برآورده ساختن شهوت تجویز نشده بلکه اغراض و مقاصدی است که توسط نکاح انسان به آن وصل می شود، و در برآورده ساختن شهوت توسط متعه آنچه که مقصد از نکاح است حاصل نمی شود، بدین اساس (متعّه) مشروع قرار داده نشده.

وَأَمَّا الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ فَمَعْنَى قَوْلِهِ: {فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ} [النساء: 24] أَي: فِي النِّكَاحِ؛ لِأَنَّ الْمَذْكُورَ فِي أَوَّلِ الْآيَةِ وَآخِرِهَا هُوَ النِّكَاحُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ أَجْنَاسًا مِنَ الْمَحْرَمَاتِ فِي أَوَّلِ الْآيَةِ فِي النِّكَاحِ، وَأَبَاحَ مَا وَرَاءَهَا بِالنِّكَاحِ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: {وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ} [النساء: 24] أَي: بِالنِّكَاحِ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: {مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ} [النساء: 24] أَي: غَيْرَ مُتَنَاجِحِينَ غَيْرَ زَانِينَ. وَقَالَ تَعَالَى فِي سِيَاقِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ: {وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ} [النساء: 25] ذَكَرَ النِّكَاحَ لَا الْإِجَارَةَ وَالْمُتْعَةَ، فَيُصْرَفُ قَوْلُهُ تَعَالَى: {فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ} [النساء: 24] إِلَى الْإِسْتِمْتَاعِ بِالنِّكَاحِ. وَأَمَّا قَوْلُهُ: سَمَى الْوَاجِبَ أَجْرًا فَتَعَمَّ الْمَهْرُ فِي النِّكَاحِ يُسَمَّى أَجْرًا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: {فَأَنْكِحُوا ابْنَانَ أَهْلِيكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ وَأَوْلَادَ أَهْلِيكُمْ وَأَوْلَادَ أَهْلِيكُمْ وَأَوْلَادَ أَهْلِيكُمْ وَأَوْلَادَ أَهْلِيكُمْ} [النساء: 25] أَي: مُهُورَهُنَّ.

ترجمه: و معنی آیت {فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ} "آنچه از زنان تمتع و فایده گرفتید" منظورش نکاح است، زیرا در اول و آخر آیت از نکاح یاد آور شده، چون یک تعداد از محرمات را در اول آیت پیرامون نکاح ذکر نموده است، و به غیر آن ها را توسط نکاح مباح قرار داده، چنانچه فرموده: "برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان (یعنی جز زنان مؤمن حرام) حلال گشته است و می توانید با اموال خود (از راه شرعی) زانی را جویا شوید و با ایشان ازدواج کنید (بدان شرط که منظورتان زنا و دوستبازی نباشد و)". یعنی توسط نکاح. و معنی آیت {مُحْصِنِينَ غَيْرَ

مُسَافِحِينَ} یعنی پاکدامن و از زنا خوشتنندار باشید. و نیز الله متعال در سیاق آیت گفته: و اگر کسی از شما نتوانست با زنان آزاده مؤمن ازدواج کند. که این جا ذکر نکاح است نه اجاره و متعه، پس معنی این قسمت آیت {فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ} استمتاع به نکاح است. اما این واجب را اجر مسمی نموده پس بهترین مهر در نکاح همان است که اجر گفته شده.

وَقَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ} [الأحزاب: 50] وَقَوْلُهُ: أَمَرَ تَعَالَى بِإِتْيَاءِ الْأَجْرِ بَعْدَ الْإِسْتِمْتَاعِ بِهِنَّ، وَالْمَهْرُ يَجِبُ بِنَفْسِ النِّكَاحِ وَيُؤْخَذُ قَبْلَ الْإِسْتِمْتَاعِ قُلْنَا: قَدْ قِيلَ: فِي الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ تَقْدِيمٌ وَتَأْخِيرٌ كَأَنَّهُ تَعَالَى: قَالَ: فَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ إِذَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ، أَي: إِذَا أَرَدْتُمْ الْإِسْتِمْتَاعَ بِهِنَّ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ} [الطلاق: 1] أَي: إِذَا أَرَدْتُمْ تَطْلِيقَ النِّسَاءِ عَلَى أَنَّهُ إِنْ كَانَ الْمُرَادُ مِنَ الْآيَةِ الْإِجَارَةَ وَالْمُتْعَةَ فَقَدْ صَارَتْ مَسْخُوحَةً بِمَا تَلَوْنَا مِنَ الْآيَاتِ، وَرَوَيْنَا مِنَ الْأَحَادِيثِ وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - أَنَّ قَوْلَهُ: {فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ} [النساء: 24] نَسَخَهُ قَوْلُهُ - عَزَّ وَجَلَّ - : {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ} [الطلاق: 1] وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّهُ قَالَ: الْمُتْعَةُ بِالنِّسَاءِ مَسْخُوحَةٌ نَسَخَتْهَا آيَةُ الطَّلَاقِ، وَالصَّدَاقُ وَالْعِدَّةُ وَالْمَوَارِيثُ وَالْحُقُوقُ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا النِّكَاحُ، أَي: النِّكَاحُ هُوَ الَّذِي تَنَبَّأَتْ بِهِ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ وَلَا يَنْبُتُ شَيْءٌ مِنْهَا بِالْمُتْعَةِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ»¹⁴⁵

ترجمه: الله متعال فرموده: اي پیغمبر! ما براي تو (جهت توفیق در کار تبلیغ دعوت و چیزهای دیگر) حلال کرده ایم همسرانت را که مهرشان را پرداخته ای. الله متعال به گرفتن اجر بعد از استمتاع از زنان امر نموده و مهر به نفس نکاح واجب می شود، و قبل از استمتاع گرفته می شود، ما می گوئیم در آیت یک نوع تقدیم و تأخیر است گویا که گفته باشد (فَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ إِذَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ) یعنی وقتی اراده استمتاع به زنان را داشتید. مانند این آیت {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ}... لیکن اگر مراد از آیت اجاره و متعه باشد بدون شک طبق آیات و احادیث منسوخ شده است، چنانچه پیرامون روایت ابن عباس گفته شده که منسوخ است، از ابن مسعود روایت شده که گفت: متعه زنان در آیات طلاق، مهر، عدت، موارث، و حقوقی که در آن نکاح واجب می شود منسوخ شده. یعنی توسط نکاح انواع این حقوق ثابت می شود که در متعه هیچ کدام از این حقوق ثابت نمی شود.

¹⁴⁵ بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (2/ 272).

مطلب دوم: دیدگاه مذهب مالکی در باره متعه

امام ابن رشد قرطبی اندلسی¹⁴⁶ (مالکی) نیز در کتاب خود "بداية المجتهد" روایت نهی و منع نکاح متعه را آورده و از آن به باطل بودن این نوع نکاح (متعه) استدلال کرده است:

«وَرَوَى عَنْ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ : مُتَعَاتِنِ كَانَتَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَا أَنهَى عَنْهُمَا وَأَعَاقِبُ عَلَيْهِمَا : مُتَعَةُ النِّسَاءِ ، وَمُتَعَةُ الْحَجِّ».¹⁴⁷

ترجمه: از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: دو نوع متعه در زمان رسول الله ﷺ رواج داشت که من از هردوی آن ها منع می کنم و مرتکب آنها را مجازات می کنم: و آن متعه در نکاح زنان و متعه در مراسم حج بود. (تمتع در ضمن حج انجام نگیرد بهتر است).

در کتاب "الإستذکار" گفته است:

«اتَّفَقَ أئِمَّةُ عُلَمَاءِ الْأَمْصَارِ مِنْ أَهْلِ الرَّأْيِ وَالْأَثَارِ مِنْهُمْ مَالِكٌ وَأَصْحَابُهُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَسُفْيَانُ وَأَبُو حَنِيفَةَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَالشَّافِعِيُّ وَمَنْ سَلَكَ سَبِيلَهُ مِنْ أَهْلِ الْحَدِيثِ وَالْفَقْهِ وَالنَّظَرَ وَاللَيْثُ بْنُ سَعْدٍ فِي أَهْلِ مِصْرَ وَالْمَغْرِبِ وَالْأَوْزَاعِيُّ فِي أَهْلِ الشَّامِ وَأَحْمَدُ وَإِسْحَاقُ وَأَبُو ثَوْرٍ وَأَبُو عُبَيْدٍ وَدَاوُدُ وَالطَّبْرِيُّ عَلَى تَحْرِيمِ نِكَاحِ الْمُتَعَةِ لِصِحَّةِ نَهْيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْهُمْ عَنْهَا»¹⁴⁸

ترجمه: علما و امامان شهرها که اهل رأی و آثار هستند اتفاق نظر دارند، مانند: (امام مالک و اصحاب وی از اهل مدینه و سفیان و ابو حنیفه از اهل کوفه و امام شافعی و کسانی که راه وی را پیروی می کنند از اهل حدیث و الفقه و نظر و اللیث ابن سعد در اهل مصر و مغرب و اوضاعی در شام و احمد و اسحاق و ابو ثور و ابو عبید و داود و طبری) بر تحریم نکاح متعه نظر دارند، به اساس صحت نهی پیامبر ﷺ نزد ایشان در رابطه به متعه.

¹⁴⁶ ابن رشد، محمد بن احمد بن رشد، قرطبی اندلسی مالکی، متوفی (520هـ) که در فقه اسلامی تصانیف زیادی را به ارمغان گذاشته است.

¹⁴⁷ بداية المجتهد ونهاية المقتصد (ج 1 ص: 261)،

¹⁴⁸ ابو عمر ابن عبد البر، لاستذکار (5/ 508)، نشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، طبع اول: 1421هـ-2000، عدد الاجزاء: 9.

مطلب سوم: دیدگاه مذهب شافعی در باره متعه

محمد ابن ادريس (شافعی)¹⁴⁹ رحمه الله در کتاب خود "الأم" پیرامون نهی و باطل بودن نکاح متعه روایتی را از حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه آورده است:

«عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ وَعَنْ أَكْلِ لَحْمِ الْحُمْرِ الْأَنْسِيَةِ».¹⁵⁰

ترجمه: از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ در روز خیبر از نکاح متعه با زنان و از خوردن گوشت خرهای خانگی منع کرده است.

همچنان در کتاب "المجموع شرح مهذب" گفته است:

«ولا يجوز نكاح المتعة وهو أن يقول: زوجتك ابنتي يوما أو شهرا لما روى محمد بن علي رضي الله عنهما (أنه سمع أباه علي بن أبي طالب كرم الله وجهه وقد لقي ابن عباس وبلغه أنه يرخص في متعة النساء، فقال له علي كرم الله وجهه: إنك امرؤ تائه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْهَا يَوْمَ خَيْبَرَ وَعَنْ لَحْمِ الْحُمْرِ الْأَنْسِيَةِ) ولأنه عقد يجوز مطلقا فلم يصح مؤقتا كالبيع ولأنه نكاح لا يتعلق به الطلاق والظهار والارث وعدة الوفاة فكان باطلا كسائر الانكحة الباطلة أما الاحكام فلا يصح عندنا نكاح المتعة، وهو أن يتزوج لمدة معلومة أو مجهولة بأن يقول زوجني ابنتك شهرا أو أيام الموسم، وبه قال جميع الصحابة رضوان الله عليهم والتابعين والفقهاء إلا ابن جريج فإنه قال يصح، وقد ورد ابن جريج خطأ في نيل الاوطار بابن جرير والصواب ما ذكرنا. وقال ابن المنذر جاء عن الاوائل الرخصة فيها، ولا أعلم اليوم أحدا يجيزها إلا بعض الرافضة».¹⁵¹

ترجمه: نکاح متعه جواز ندارد و آن اینست که : شخص بگوید من دخترم را به نکاح تو دادم یک روز یا یک ماه.... از جهت محمد بن علی رضی الله عنهما روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (که وی از پدرش علی ابن ابی طالب شنیده که همراه ابن عباس روبرو شد و

¹⁴⁹ محمد بن ادريس شافعی، در سال (150هـ) در فلسطین بدنیا آمده، که یکی از مجتهدین و امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت است، امام شافعی رحمه الله خدمات زیادی را انجام داده و تالیفات ارزنده ای را برجای گذاشته است.

¹⁵⁰ الأم - دار المعرفة (79 /5)، تألیف: محمد بن ادريس شافعی، نشر دارالمعرفة، بیروت، سال: 1393هـ.

¹⁵¹ نووی، شرف الدین النووی، المجموع شرح المهذب (254-249/16)، کتاب النکاح، باب ما یحرم من النکاح وما لا یحرم، نشر: دارالفکر، تألیف: شرف الدین النووی.

به وی رسیده بود که او به متعه زنان اجازه می دهد، پس علی رضی الله عنه به وی گفت: تو یک شخص، متحیر استی و رسول الله ﷺ در روز جنگ خیبر از متعه زنان و خوردن گوشت خر های انسیه نهی کرده است)، زیرا این یک عقدی است که مطلقا جواز دارد و موقت صحیح نیست مانند بیع و چون این یک نکاحی است که هیچ متعلق به طلاق، ظهار، ارث، عدت وفات نمی شود پس این باطل است مانند سایر نکاح های باطل... اما احکام، پس نزد ما نکاح متعه درست نیست، و آن اینست که شخص به یک مدت معلوم یا مجهول مثل این که بگوید شما دخترتان را به نکاح من در آورید یک ماه یا روزهای موسم حج، و به این نظر (حرمت آن) جمیع صحابه رضی الله عنهم، تابعین و فقهاء هستند، مگر ابن جریج که او می گوید درست است، و در کلمه ابن جریج در کتاب (نیل الاوطار) یک اشتباه صورت گرفته و آن این که به عوض آن ابن جریج گفته اند در حالی که اصل آن ابن جریج است. همچنان ابن منذر گفته در اوایل متعه رخصت بود، لیکن حالا نمی دانم یک شخص هم جواز آن را بگوید مگر روافض.

مطلب چهارم: دیدگاه مذهب حنبلی در باه متعه

علی ابن سلیمان المرادوی¹⁵² در کتاب خود "الانصاف للمرداوی" گفته است که نکاح متعه درست نیست و گفته است که نظر امام احمد بن حنبل رحمه الله نیز همین است:

«الصَّحِيحُ مِنَ الْمَذْهَبِ أَنَّ نِكَاحَ الْمُتَعَةِ لَا يَصِحُّ وَعَلَيْهِ الْإِمَامُ أَحْمَدُ رَحِمَهُ اللَّهُ»¹⁵³

ترجمه: قول صحیح از مذهب این است که نکاح متعه درست نیست و امام احمد بن حنبل نیز به همین نظر است.

در کتاب "المغنی لابن قدامه" گفته است:

«القسم الثالث: ما يبطل النكاح من أصله مثل أن يشترطاً تأقيت النكاح وهو نكاح المتعة أو أن يطلقها في وقت بعينه أو يعلقه على شرط مثل أن يقول زوجتك إن رضيت أمها أو فلان أو يشترط الخيار في النكاح لهما أو لأحدهما فهذه شروط باطلة في نفسها ويبطل بها النكاح وكذلك إن جعل صداقها تزويج امرأة أخرى وهو نكاح الشغار ونذكر ذلك في مواضعه إن شاء الله تعالى»¹⁵⁴

ترجمه: قسم سوم از آنچه که نکاح را از اصل باطل می گرداند، اینست که شرط بگذارد موقت بودن نکاح را، و آن نکاح متعه است، یا این که همزمان که نکاح کرده طلاق اش دهد، یا به کدام شرط آن را معلق نماید مثل این که بگویی به زوجه ات اگر مادرت را رضا کردی، یا شخص دیگری را یا این که شرط خیار را در نکاح بگذارند در هر دو زن و شوهر یا یکی از آنها، پس این شرط ها همه در نفس خود باطل استند و نکاح را باطل می کنند، همچنان اگر مهر یک زن را سبب ازدواج زن دیگری قرار دهد که آن نکاح شغار است. و این مسایل را همه در جای مناسب آن بیان می کنیم ان شاء الله تعالی.

¹⁵² علی بن سلیمان المرادوی، متوفی (885 هـ) یکی از فقهای مفروف و مشهور در مذهب امام احمد ابن حنبل است، که خدمات و تألیفات زیادی را از خود بجا مانده است.

¹⁵³ الإنصاف للمرداوی (163/8)، تألیف: علی بن سلیمان المرادوی، تحقیق محمد حامد الفقی، الناشر داراحیاء التراث العربی، بیروت.

¹⁵⁴ ابن قدامه، لمغنی (449/7)، کتاب النکاح، فصل اشتراط المرأة لتزويجها طلاق ضررتها بطلاقه.

مبحث دوم

دیدگاه علمای معاصر

مطلب اول: دیدگاه دکتور وهبه زحیلی¹⁵⁵

دکتور وهبه زحیلی که یکی از علمای معاصر در مذهب حنفی است پیرامون باطل بودن نکاح متعه یا موقت نظر خود چنین ارائه کرده است:

«وأما نكاح المتعة (وهو أن يقول لامرأة: أتمتع بك لمدة كذا) والنكاح المؤقت (وهو أن يتزوج امرأة عشرة أيام مثلاً) فهو باطل».¹⁵⁶

ترجمه: و نکاح متعه (و آن این است که شخص به یک زن بگوید: من از تو فایده می گیرم تا فلانه مدت) و اما نکاح موقت (این است که شخص ازدواج بکند تا مدت ده روز یا بیشتر از آن) پس آن باطل است.

همچنان دکتور زحیلی در کتاب "فقه خانواده در جهان معاصر" تحت عنوان (انواع عقدهای باطل و صحیح) بحث جالبی دارد که نکاح متعه و موقت را از جمله عقود باطل شمرده است که اینجا قسمتی آن عقدها را با اختصار نقل می کنیم:

در عصر حاضر پاره‌ای از عقد و نکاح‌ها انجام می‌گیرند که آگاهی از حکم شرعی‌شان مطلوب است و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1- عقد موقت:

ازدواج موقت آن است که زنی به مدت چند روز، چند ماه و یا چند سال به نکاح مردی دربیاید. این نوع از نکاح باطل و نامشروع است. زیرا در این‌گونه نکاح هدف اصلی همان تمتع است. و در عقود و قراردادهای ملاک مفهوم آنهاست و از طرف دیگر عقد ازدواج مشروع همان عقد دائمی است.

¹⁵⁵ دکتور وهبه زحیلی، فرزند شیخ مصطفی زحیلی، از کشور سوریه (دمشق) در سال (1351هـ) تولد شده، و در سال (1956م) بحیث دکتور شناخته شده در علوم اسلامی صاحب تصانیف زیادی است.

¹⁵⁶ الفقه الإسلامي وأدلته (9/ 107).

2- نکاح متعه:

آن است که مردی خطاب به خانمی بگوید: می‌خواهم برای فلان مدت با تو معاشرت نمایم و زن هم موافقت خود را اعلان نماید. همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد اجماع - به استثنای شیعه امامیه - بر حرام بودن آن است، زیرا دوام و ماندگاری اساس مشروعیت ازدواج است.

3- نکاح تحلیلی:

یا نکاح محلل نکاحی است که هدف از آن حلال گردیدن نکاح مجدد زنی که طلاق ثلاثه او واقع شده، برای شوهری است که او را طلاق داده است. این نوع از نکاح از نظر اکثریت قریب به اتفاق علما حرام و باطل است. زیرا رسول خداص فرموده‌اند:

«لَعْنَةُ اللَّهِ الْمُحِلِّ، وَالْمُحَلَّلَ لَهُ»¹⁵⁷

ترجمه: خداوند، انجام دهنده نکاح تحلیلی و کسی را که تحلیلی برای او انجام می‌گیرد لعنت کرده است.

اما از نظر شافعیه تنها زمانی نکاح محلل حرام است که در متن عقد هدف از آن گفته شود. اما اگر در اثنای عقد راجع به آن چیزی گفته نشود و دو طرف به صورت پنهانی در مورد آن توافق کرده باشند، ظاهر عقد صحیح است، اما چون نیت نامشروع و ناپاکی را پنهان داشته‌اند، نیت آنها به خداوند واگذار می‌گردد که آنها را مورد محاسبه قرار دهد.

4- خواستگاری بر روی خواستگاری دیگران:

مالکیه می‌گویند اگر کسی دختری را که توسط دیگری خواستگاری شده و جواب مثبت دریافت کرده، خواستگاری و عقد نماید، پیش از معاشرت با او باید او را يك طلاق بائن بدهد. اما اکثریت فقها نظرشان بر این است که چنین ازدواجی صحیح است. زیرا اشکال آن به چیزی خارج از چهارچوب عقد برمی‌گردد و لازم است که به خاطر آن عقد باطل شمرده شود. در واقع همچون وضو گرفتن با آب غصبی است.

5- نکاح شغار:

¹⁵⁷المستدرک علی الصحیحین للحاکم (2/ 217).

نکاح شغار آن است که ولی دختری او را به شرطی به نکاح دیگری درآورد که او هم خواهر و یا دختر خود را راضی به ازدواج با او بنماید و این مبادله یا معامله به صورتی باشد که برای هر یک از آنها مهریه جداگانه‌ای معین نشود، این نوع نکاح به اتفاق علما باطل است. زیرا رسول خدا ﷺ از نکاح شغار نهی فرموده است. اما حنفیه می‌گویند: اگر پس از عقد برای هر یک از آنها مهریه جداگانه‌ای معین شود نکاح‌شان صحیح است. و آن نهی را بر کراهت تحریمی حمل می‌نمایند.

6- نکاح پنهانی:

مالکیه می‌گویند: نکاح و ازدواج پنهانی آن است که زن و مرد و ولی و دو نفر شاهد توافق نمایند که موضوع نکاح را از زن او یا عده‌ای دیگر پنهان نگاه دارند. مالکیه می‌گویند چنین نکاحی اگر با هم معاشرت نموده باشند باید به وسیله یک طلاق بائن باطل شود. و مثل باطل دانستن نکاح بدون وجود شاهدین است. و چنانچه با هم معاشرت و هم‌بستری داشته باشند و به آن اقرار کنند، یا چهار نفر عمل آنها را ببینند و شهادت بدهند، همانند زناکار هر دو ی آنها مجازات می‌شوند. و ناآگاهی آنها از حکم آن به عنوان عذر از ایشان پذیرفته نمی‌شود.¹⁵⁸

7- ازدواج مدنی:

ازدواج مدنی به روش غربی این است که زن و مردی به پاسگاه پلیس مراجعه نموده و روابط خود را در دفتر آنها بدون حضور ولی و شاهدین و بدون ایجاب و قبول صریح، یادداشت می‌کنند. این‌گونه نکاح قطعاً باطل و نامشروع است. زیرا هدف از آن زندگی مشترک و بر دوش گرفتن مسئولیت‌های همسری نیست، بلکه تنها کامجویی و ترویج بی‌بندوباری در مورد آن مطرح است و بس. و همچنین باعث آن می‌شود که دختر مسلمانی با مردی نامسلمان ازدواج نماید. و در عین این‌که چنین ازدواجی حرام و باطل است. از طرف دیگر مرد در این‌گونه نکاح‌ها به هیچ‌وجه خود را به احکام نکاح پایبند نمی‌شمارد و مخارج زندگی زن را نمی‌پردازد. و چنین کاری در واقع خطری است که حرمت و کرامت و حقوق زن و مرد هر دو را در ارتباط با نسب و عده و ... مورد تهدید قرار می‌دهد.

¹⁵⁸ الدسوقی، محمد بن احمد الدسوقی مالکی، الشرح الكبير للشيخ الدردير وحاشية الدسوقي: ج 2 ص 236، [أقسام النكاح الفاسد]، نشر دارالفکر.

مقابله با چنین پدیده شومی که برخی از گروه‌های سیاسی در پی آنند که برای آن قانونی را به تصویب برسانند، بسیار ضروری است. زیرا این کار زمینه‌ای بسیار خطرناک را برای ترویج فساد و به هم ریختن خانواده‌ها و زندگی موقت و مشترک کسانی که از نظر دینی با هم اختلاف دارند، فراهم می‌نماید.

8- ازدواج عرفی:

نکاح عرفی نکاحی است که عقد آن توسط دو شاهد و ایجاب و قبول در آن به صورتی که صیغه عقد توسط يك نفر روحانی یا عالم دینی دیگر خوانده می‌شود، اما در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق یا ادارات ثبت احوال ثبت نشده باشد. این‌گونه عقد، و نکاح صحیح بوده و طلاق مترتب بر آن صحیح است و تمام پیامدها و احکام شرعی عقد نکاح نیز بر آن جاری می‌شود؛ زیرا صحت عقد ازدواج، مشروط به ثبت آن در دفاتر رسمی نیست، اما در جهان معاصر به خاطر حفظ حقوق زن و شوهر و اثبات رسمی تعلق فرزندان به آنها و نیز معلوم بودن حق مهریه و مقدار آن، لازم است که ازدواج و عقد در دفاتر رسمی به ثبت برسد.

9- ازدواج مسیار:

این نوع از ازدواج که اخیراً در کشورهای خلیج به طور محدود روی داده، براساس مراعات اصول و ارکان عقد و نکاح اجرا می‌شود و در آن ایجاب و قبول، ولی و شاهد حضور دارند. اما زن در آن تعهد می‌نماید که از حقوق نفقه و حق خود در مورد تقسیم زمان میان او و شوهرش صرف نظر نماید. این نکاح شرعاً جایز است اما مقاصد و اهداف اساسی ازدواج از قبیل آرامش و معاشرت و تربیت اولاد در آن تحقق نمی‌یابد.¹⁵⁹

¹⁵⁹ زحیلی، دکتور وهبه زحیلی فقه خانواده در جهان معاصر (ص: 124-120)، مترجم: عبد العزیز سلیمی.

مطلب دوم: دیدگاه دکتور یوسف قرضاوی¹⁶⁰

ازدواج در اسلام عقدی است محکم و پیمانی است ناگسستنی که برپایه ی نیت زندگی مشترک دایم استوار است. طرفین باید بانیت تشکیل خانواده و همکاری پیوسته این بیماران را منعقد نمایند، تا نتایج روحی که قرآن برای نکاح در نظر گرفته است تحقق پیدا کند و آرامش روح، علاقه و محبت در کنار خانواده و بقای نوع بشر در این جهان تضمین شود خداوند(ﷻ) می فرماید:

(وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً).¹⁶¹

ترجمه: خداوند همسران شما را از نوع خودتان قرار داده و از همسران اولاد و نوادهایی برای شما خلق نموده است، اما نکاح متعه یا موقت، که عبارت است از ارتباط مرد با زن در مدت زمان معینی در برابر اجرت معین، نتایج و آثاری را که قرآن به آن اشاره فرموده است در بر ندارد.

قبل از اینکه شریعت اسلام استقرار یابد و دردلها رسوخ نماید، پیغمبر(ﷺ) اجازه نکاح موقت را در سفر و غزوات به اصحاب دادند اما بعد برای همیشه آن را حرام نمودند. فلسفه اجازه پیغمبر(ﷺ) و مباح نمودن متعه در اوایل اسلام این بود که مسلمانان در مرحله ی قرار داشتند که می توان آن را به دوره انتقال از جاهلیت به اسلام نام نهاد، وزنا در زمان جاهلیت زیاد و شایع بود؛ زمانی که اسلام آمد و از مردم خواست به منظور غذا و جهاد به ترک خانه اقدام نمایند، دوری از زنان شان بری آنها سنگین و مشکل بود، مسلماً در بین مسلمانان افراد قوی و ضعیف الایمان هر دو وجود داشتند و بیم آن میرفت که افراد ضعیف الایمان دچار زنا شوند، که به حق بدترین گناه و شنیع ترین انحراف است.

اما افرادی که ایمان راسخ داشتند تصمیم گرفتند که خود را اخته کنند و یا آلت تناسلی خود را قطع نمایند همان طوریکه ابن مسعود(رض) می گوید: ما با پیامبر(ﷺ) غذا میکردیم و همسرانمان با ما نبودند گفتیم: آیا خود را مصروف نکنیم؟ پیغمبر(ﷺ) ما را از این کار منع کردند و اجازه داد که زنانی را به طور موقت در مقابل خریدن لباس نکاح نماییم.

¹⁶⁰ دکتور شیخ یوسف قرضاوی در سال (1926م) در کشور مصر تولد شده، قرآن کریم را در کودکی حفظ کرده، علوم اسلامی را در الازهر تحصیل نموده و در سال (1973م) به درجه دکترا ی خویش نایل گردیده است، و در عرصه خدمت به جامعه و مسلمانان بیشتر از 100 تألیف دارد...

¹⁶¹ (نحل آیه 72).

پس اباحه متعه در اوایل اسلام رخصتی بود به منظور حل مشکلات هر دو دسته قوی و ضعیف الایمان و قدمی بود در مسیر تکاملی زندگی مشترک زناشویی حقیقی، که تمام اهداف عالیه را تضمین می نماید، و عفت، آرامش، دوام نسل، مهر و محبت و گسترش دایره خویشاوندی را به ارمغان می آورد.

همان گونه که قرآن کریم در مورد تحریم شراب و ربا که در زمان جاهلیت رواج و تسلط زیادی در جامعه داشتند به صورت تدریجی اقدام کرد، در این مورد هم ابتدا در موقع اضطراری و ناچاری و ضرورت اجازه داد که از نکاح موقت استفاده شود ولی بعد این نوع نکاح را حرام نمودند حضرت علی (رضی الله عنه) و جماعتی از اصحاب، تحریم متعه را از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده اند، یکی از این روایات را مسلم در کتاب صحیح خود آورده و از سیره جهنی نقل نموده است: که سیره در غزای فتح مکه با پیغمبر (ﷺ) بود؛ پیغمبر (ﷺ) به آنان اجازه داد که نکاح موقت (متعه) را انجام دهند، ولی هنوز از مکه خارج نشده بود که آن را تحریم نمود. در یکی از احادیث سیره جهنی چنین آمده است: «وان الله حرم ذالک إلى یوم القیامة». ترجمه: خداوند (ﷺ) نکاح موقت را تا روز قیامه حرام نموده است.

اما آیا تحریم نکاح موقت از نوع تحریم نکاح مادر و دختر است؟ به این معنا که یک تحریم قطعی و در جمیع اوضاع و احوال حرام می باشد که به هیچ وجه نباید انجام گیرد. یا اینکه تحریم آن از نوع تحریم گوشت مردار و خوک می باشد که در شرایط عادی، حرام، ولی به هنگام ضرورت و ناچاری به اندازه رفع ضرورت جایز است؟

عموم اصحاب پیغمبر (ﷺ) بجز ابن عباس (رض) بر این باور اند که از نوع تحریم نکاح محارم است و در هیچ شرایطی حلال نیست و زمانی که شریعت اسلام استقرار پیدا کرد نکاح متعه به صورت حرام ابدی درآمد. اما ابن عباس عقیده داشت که به هنگام ضرورت و خوف فتنه، نکاح موقت مباح است. شخصی از ابن عباس (رض) گفت در حال ضرورت جایز است، ولی بعدها دید که مردم از فتوای او سوء استفاده می کنند و بدون توجه به ضرورت آن را انجام می دهند از فتوای خود پشیمان شد.¹⁶²

¹⁶² دکتر یوسف، قرضای (1389). حلال و حرم در اسلام. مترجم: ابوبکر، حسن زاده. ج. 1. نهم. تهران: نشر احسان.

مطلب سوم: حکم نکاح به نیت طلاق

سوال 3- : شخصی از طرف یکی از ارگان ها ناچار می شود به خارج سفر کند در آنجا به منظور حفظ عفت و پاکي خویش تصمیم می گیرد در مدت اقامتش با یک خانم ازدواج نموده و هنگام برگشت او را طلاق دهد، البته بدون این که خانم را در جریان موضوع طلاق قرار دهد، آیا این کار جایز است یا خیر؟

جواب : نکاح با نیت طلاق از دو حالت خارج نیست: حالت اول این که تعیین مدت از ابتدا هنگام عقد ذکر می شود که این خانم را به مدت یک ماه، یک سال یا تا پایان درشش یا کارش به عقد خویش در می آورد؛ چنین نکاحی دقیقاً مانند متعه است و از نظر شرعی حرام است.

حالت دوم این که: مردی زنی را با این نیت به عقد خویش در می آورد که پس از مدتی معین او را طلاق می دهد؛ البته هنگام ایجاب و قبول و شرائط ضمن عقد، موضوع طلاق را به هیچ عنوان ذکر نمی کنند یا به عنوان شرط مطرح نمی کنند؛ قول مشهور مذهب حنبلی این است که این کار حرام است و عقد فاسد است؛ زیرا علمای حنابله می گویند آنچه را انسان در قلب خود اراده کند مانند این است که شرط نموده است «إِنَّ الْمُنْوَیَ كَالْمَشْرُوطِ»؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»

ترجمه: همانا اعمال به نیتها بستگی دارد. و هرکس مطابق بانیتش رفتار میشود.

این موضوع همانند مسئله ی حلاله است که شخصی زن مطلقه ای را نکاح می کند تا برای شوهر اولش حلال شود؛ زیرا زنی که شوهرش او را سه طلاق داده است، شوهر اول برای همیشه حرام است و نمی تواند با او عقد مجدد ببندد؛ مگر این که این زن با مرد دیگری ازدواج نماید. پس از طلاق دو باره می تواند با همسر اولش ازدواج نماید.

این نکاح فاسد است هر چند که موضوع حلاله هنگام اجرای صیغه ی عقد مطرح نشود «لأن المنوي كالمشروط» مادامی که نیت تحلیل عقد نکاح را فاسد می کند، همچنین نیت متعه، عقد را فاسد می کند. این فتوا مطابق با مذهب حنبلی است.

قول دوم در این موضوع: نظر آن دسته از علمایی است که می گویند: شخص می تواند با زنی ازدواج کند؛ در حالی که نیت قلبی و اراده اش این است که هنگام بازگشت او را طلاق دهد؛

مانند دانشجویانی که جهت تحصیل به خارج می روند و مدت زمانی در آنجا هستند با یک خانم ازدواج می کنند با این نیت که پس از فارغ التحصیل شدن طلاقش دهند. از دیدگاه این دسته از علما چنین نکاحی صحیح است. استناد ایشان این است که این مرد هنگام اجرای صیغه ی نکاح شرط طلاق عنوان نکرده است، هرچند که اراده ی طلاق را داشته باشد؛ این دسته از علما معتقدند چنین نکاحی یک فرق اساسی با متعه دارد و آن این که متعه محدود به زمان مشخص است که هنگام عقد تعیین شده است و به محض این که مدت به پایان برسد، زن و مرد خود به خود از هم جدا می شوند. چه شوهر بخواهد یا نخواهد جدایی صورت می گیرد، برخلاف ازدواجی که مقرون به نیت طلاق باشد. زیرا مرد می تواند از نیت خود برگردد و همسرش را دوست داشته باشد و برای همیشه با او زندگی کند، این نظریه یکی از دو قول شیخ الاسلام ابن تیمیه است.¹⁶³

به نظر بنده چنین نکاحی صحیح است و در حکم متعه نیست؛ زیرا تعریف متعه برآن صادق نیست؛ اما یک مسئله بسیار مهم باقی مانده و آن این که چنین نکاحی یک کلاه برداری بزرگ است و قطعاً حرام است؛ زیرا این مرد با این نیت پنهانی، همسر و خانواده ای را فریب داده است. در حالی که رسول الله (ﷺ) فریب دادن و خدعه و نیرنگ را حرام قرار داده است. شما توجه داشته باشید اگر این خانم و خانواده او از اراده ی قلبی این مرد خبر می داشتند که فقط برای مدت محدودی می خواهد ازدواج کند؛ هرگز این خانم حاضر نمی شد با این مرد ازدواج کند و خانواده اش نیز مخالفت می کردند.

این آقای که می خواهد برای مدت محدودی و با فریب دادن خانواده ای با خانمی ازدواج کند و دوباره او را طلاق دهد، آیا خودش راضی می شود دخترش را به نکاح شخصی درآورد که پس از اتمام کارش او را طلاق دهد؟! چگونه چیزی را که برای خودش نمی پسندد، برای دیگران می پسندد؟! چگونه یک مؤمن واقعی، ایمانش به او اجازه می دهد دست به چنین کاری بزند؟

رسول الله (ﷺ) می فرماید:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ».¹⁶⁴

¹⁶³ تقی الدین ابن تیمیه، حرانی. (1426 هـ ق). مجموع الفتاوی. ج. 32. دوم. بیروت: دار الوفاء. ص. 27.

¹⁶⁴ - محمد بن عیسی، الترمذی. (1419 هـ ق). الجامع الصحیح سنن الترمذی. ج. 4. دوم. قاهره: دار الحدیث. ص. 667.

ترجمه: هیچ یکی از شما مومن واقعی نمی شود؛ مگر تا زمانی که آنچه را برای خودش دوست می دارد، برای برادرش دوست داشته باشد.

در مواردی شنیده ام که بعضی از مردم فقط بخاطر ازدواج به جاهای دیگر سفر می کنند و با یک خانم ازدواج می کنند و تا وقتی که ایشان در آنجا اقامت می کنند با او زندگی می کنند و هنگام بازگشت زن را طلاق می دهند؛ زیرا از ابتدا او را برای زمان محدودی عقد نموده است. باید دانست که هیچ عالمی چنین امری را جایز نمی داند، و این موضوع، بحران به وجود خواهد آورد. بنا بر سدّ ذرایع و به دلیل سوء استفاده ی مردم از این موضوع، بستن این دروازه بهتر است؛ و از طرفی عموم مردم از نظر مسائل دینی جاهل و بی سواد هستند و خواهشات نفسانی آنان را وادار می نماید تا نسبت به احکام و حدود شریعت بی توجه باشند.

سوال 4:- بعضی از مسلمانان بنا به دلایلی مثل تحصیلات و مواردی دیگر به خارج سفر می کنند و در آنجا به نیت طلاق، ازدواج می کنند، لطفاً بفرمایید فرق این ازدواج با متعه چیست؟

جواب: ازدواج در کشورهای غربی و اروپایی و بلاد کفر با مشکلات و ضررهای زیادی همراه است، اصلاً سفر به خارج جایز نیست؛ مگر با شرایط خاص و ویژه ای؛ بدلیل این که:

مسافرت به سرزمین های کفار، مسلمانان را در معرض کفر و انواع گناهان مانند: شرابخواری، زنا و انواع فساد قرار می دهد؛ از همین رو علما سفر به سرزمین های کفار را تحریم نموده اند، و به دلایلی که رسول الله (ﷺ) فرموده اند: «أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ»¹⁶⁵.

ترجمه: من بری هستم از مسلمانانی که بین مشرکین اقامت می گزینند.

بنا بر این اقامت در میان کفار موضوعی خطر ساز است، اعم از این که مسافرت به قصد سیاحت باشد یا تحصیل یا تجارت یا هر موضوع دیگر.

¹⁶⁵ سلیمان بن الأشعث، السجستانی. (1344هـ.ش) سنن أبی داود. ج. 2. ص. 349. کتاب الجهاد، باب النَّهْيِ عَنِ الْقَتْلِ مِنَ اعْتَصَمَ بِالسُّجُودِ. قال الألبانی : صحیح.

محصلین مدارس راهنمایی و دبیرستان و دانشجویانی که در خارج درس می خوانند با موضوع مهمی رو به رو هستند. دولت موظف است به آموزش محصلین توجه نماید و شرایط ادامه تحصیل را در داخل مهیا سازد و زمینه های تحصیلی را در کشور فراهم سازد تا احادی مجبور نشود جهت ادامه تحصیل به خارج سفر کند، حکومت موظف است تا سفر به سرزمین های کفر را به دلیل خطر ساز بودن آن ممنوع اعلام کند.

خیلی از افراد به دلیل رفت و آمد و مسافرت به سرزمین های کفر از دایره ی اسلام خارج گشته و به مرز ارتداد وارد شده اند. بسیاری از این افراد در انجام خیلی از معاصی مانند زنا و شرب خمر بی پروا شده اند. بدتر از همه ترك نماز برایشان امری عادی شده است. بررسی وضعیت کسانی که به خارج مسافرت می کنند، بیانگر همه این مشکلات است. مگر تعداد اندکی که مشمول رحمت الهی شده اند و ایمان و اعمال خویش را حفظ کرده اند. بنابراین راه چاره این است که جلوی این مسافرت ها گرفته شود؛ مگر برای کسانی که از نظر دین و ایمان و علم و عمل شناخته شده هستند؛ آن ها فقط به منظور دعوت الی الله یا فرا گیری رشته های تخصصی که دولت اسلامی بدان نیازمند است، به خارج کشور سفر می کنند.

علمایی که به خارج سفر می کنند باید اهل استقامت باشند و در مسیر دعوت، دیگران را با بصیرت بر دین الله دعوت نمایند و لحظه ای هدف خود را فراموش نکنند.

البته بعضی از موارد را می توان مستثنی نمود، از جمله: علوم دانشگاهی که ما به آن دسترسی نداریم و مجالی هم برای آموزش آن در داخل، توسط استادان این فنون نیست و چاره ای جز سفر به سرزمین های کفار نیست. در چنین مواردی باید افراد ملتزم و متعهد به اصول دینی و دستورات الهی را انتخاب نمود.

اما موضوع ازدواج با نیت طلاق: علمای اسلامی در این موضوع باهم اختلاف نظر دارند، گروهی از علما از جمله: علامه، اوزاعی معتقدند این کار ناجایز است و شبیه ازدواج موقت است. گروه دوم که اکثریت با آنان است بنا به آنچه که علامه، ابن قدامه در کتاب، المغنی ذکر نموده اند؛ معتقدند ازدواج با نیت طلاق درست است مادامی که شخص نیتش را بین خود و خدای خود مخفی نماید و آن را به عنوان شرط ازدواج مطرح ننماید. به عنوان مثال فرد به منظور تحصیلات به خارج سفر می کند بر نفس خویشتن بیمناک می شود که مبادا در فتنه و فساد بیفتد، می تواند آنجا ازدواج کند و هرچند که اراده اش بر این باشد که پس از اتمام درس دوباره زنش

را طلاق می دهد، این نکاح صحیح است مشروح بر اینکه اراده ی طلاق را بین خود و خدای خود مطرح کند و هرگز آن را به عنوان شرط نکاح یا محض اطلاع به همسر یا به ولی همسر عنوان نکند که در صورت شرط کردن یا خبر دادن از موضوع طلاق، نکاح منعقد نمی شود و تبدیل به ازدواج موقت می شود که حرام و ناجایز است.

قول راجح و نظر جمهور علما بر جواز نکاح با نیت طلاق است و تشابهی با ازدواج موقت ندارد؛ زیرا قید زمانی در آن به کار نرفته است. فرق متعه با ازدواج با نیت طلاق در این است که متعه یا همان ازدواج موقت دارای مدت زمان مشخصی است که هنگام عقد، مذکور و مشروط است که زوجین بر یک یا دو ماه یا یک سال یا دو سال با هم توافق می کنند پس از پایان مدت ازدواج موقت خود به خود فسخ می شود. ازدواج موقت نزد تمام مسلمین بجز روافض، حرام است. لازم به ذکر است که نکاح متعه در آغاز اسلام حلال بود. سپس منسوخ شد و حرمت آن اعلام گردید. آن گونه که در احادیث در این زمینه بیان شده است.

بنابراین توضیحاتی که داده شد، ازدواج با نیت طلاق صحیح است اما بهتر آن است که مرد ابتدا چنین اراده ای را نکند تا بر احتیاط عمل نموده و در اختلاف اهل علم قرار نگیرد؛ باید توجه نمود که داشتن چنین اراده و نیتی لازم نیست، زیرا هرگاه شخص مصلحت خویش را در طلاق همسرش دید می تواند او را طلاق دهد بدون این که مانعی باشد.¹⁶⁶

سوال 5-: در میان جوانان شایع شده است که به منظور ازدواج با نیت طلاق به خارج سفر می کنند و از مسافرت هدفی جز ازدواج برای مدتی محدود ندارند و در مورد فتوایی که در رابطه با ازدواج با نیت طلاق صادر شده است در اشتباه افتاده اند، حکم چنین ازدواجی با این هدف خاص چیست؟

جواب: ازدواج با نیت طلاق، مانند ازدواج موقت باطل است؛ زیرا ازدواج موقت همان نکاح متعه است و متعه به اجماع حرام و ناجایز است؛ ازدواج، زمانی صحیح است که به نیت استمرار زوجیت و ادامه ی زندگی مشترک باشد.

¹⁶⁶ دکتر خالد بن عبدالرحمن جریسی، (1432) فتاوی علماء البلد الحرام فتاوی شرعیة فی مسائل عصریة. مترجم: شبکه مترجمین اشراق، تبریز ایران ج.4، ریاض: مکتبة الملك فهد الوطنية.

چنانچه زن و مرد باهم سازگار شدند براي همیشه زندگي مي کنند و در صورت عدم سازگاري از هم جدا مي شوند.

الله تعالی مي فرماید:

(الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ).¹⁶⁷

ترجمه: طلاقى که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است؛ و در هر مرتبه، باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند و آشتی نماید، یا با نیکی او را رها سازد و از او جدا شود.

مطلب چهارم: مناقشه در حکم نکاح متعه

سوال 1- : نظر دین اسلام در مورد نکاح متعه چیست؟

جواب : نکاح متعه حرام و باطل است؛ به دلیل روایتی که بخاری و مسلم از حضرت علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) نقل نموده اند که رسول الله (ﷺ) در زمان فتح خیبر از نکاح متعه و خوردن گوشت خرهای اهلی نهی فرمودند. در روایتی آمده است که پیامبر (ﷺ) از متعه زنان در فتح خیبر نهی فرمودند.

خطابی می گوید: به اجماع مسلمانان از دواج موقت حرام است؛ مگر نزد بعضی از شیعه، و این قول شیعه بر خلاف اصول آنان است که می گویند: در مسائل اختلافی مرجع، قول حضرت علی (رضی الله عنه) است. در روایتی صحیح از علی (رضی الله عنه) نقل است که نکاح متعه منسوخ است. بیهقی از جعفر بن محمد نقل می کند که از ایشان در مورد نکاح متعه سؤال شد، فرمود: متعه، عین زنا است.

مسلم در صحیح خویش از سبره بن معبد الجهنی (رضی الله عنه) نقل می کند که پیامبر (ﷺ) فرمود:

«إِنِّي قَدْ كُنْتُ قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فِي الْأَسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ ذَلِكَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُنَّ شَيْءٌ فَلْيُحْلِلْ سَبِيلَهُ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْنًا».¹⁶⁸

¹⁶⁷ (البقرة 229).

ترجمه: من در مورد نکاح متعه به شما اجازه داده بودم و از این به بعد تا قیامت، الله تعالی آن را حرام قرار داده است؛ بنا براین چنانچه کسی از شما همسری با عقد متعه در اختیار دارد او را رها سازد، و آنچه را که به زنان داده اید باز پس نگیرید.

سوال 2- : در بعضی از کتاب ها خوانده ام که متعه حلال است بدلیل این آیه:

(فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً).¹⁶⁹

ترجمه: و زنانی را که متعه می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. نکاح متعه بعد از وفات رسول الله (ﷺ) توسط حضرت عمر (رضی الله عنه) حرام شد. خلیفه چهارم حضرت علی (رضی الله عنه) می‌گفت: اگر عمر (رضی الله عنه) متعه را حرام نمی‌کرد، احادی مرتکب زنا نمی‌شد، مگر انسان شقی و بدبخت. لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

جواب: بله، متعه در ابتدای اسلام جایز بود؛ زیرا مسلمانان تازه به اسلام گرویده بودند، به منظور تألیف قلوب و جلب توجه آنان متعه حلال بود، سپس رسول الله (ﷺ) در یوم الفتح متعه را برای همیشه و تا قیامت حرام اعلام نمود.

حضرت عمر (رضی الله عنه) متعه را حرام ننمود، بلکه از طرف رسول الله (ﷺ) حرام شده بود. اما این مسئله ای که شما خوانده اید، برخی در آن به اشتباه رفته اند و آن این که حضرت عمر (رضی الله عنه) از متعه ی حج (حج تمتع) نهی نمودند؛ نه متعه النساء یا همان ازدواج موقت؛ زیرا ازدواج موقت یا متعه در زمان پیامبر (ﷺ) ممنوع شده بود.

اما گفته ای که به حضرت علی (رضی الله عنه) نسبت داده اند، از دروغهای روافض است و حضرت علی (رضی الله عنه) چنین چیزی نگفته اند.

آیه 24 سوره نساء در مورد نکاح و ازدواج دائم است و منظور از کلمه «اجور» در آیه مهریه است. اجور به معنای مهر است که مترادف یکدیگر هستند.

¹⁶⁸ - مسلم بن حجاج نیشابوری. (1392 هـ ش). مختصر صحیح مسلم. عبدالقادر ترشابی. ج. 2. ص. 533.

¹⁶⁹ (النساء: 24).

نتیجه گیری :

بنده با تحقیق در مورد نکاح متعه و موقت به این نتیجه رسیدم که :

آنچه در قرآن کریم آمده برای تحریم ازدواج موقت است، نه تحلیل آن. چنانچه خداوند (ﷺ) می فرماید: (وَلَيْسَتَغْفِبِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْزِبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).¹⁷⁰

ترجمه: و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند (ﷺ) از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند.

پس هرکس زوجه یا کنیز را نیافت تا با او ازدواج کند، خداوند (ﷺ) به او توصیه می کند صبر و عفاف را پیشه کند یعنی غیر از آن دو نکاح، راه های دیگر را اختیار نکند که حرام اند. اگر نکاح موقت حلال بود در اینجا ذکر می شد. مثلاً به جای (لیستغفف) می فرمود (لیستمتع)، چون لیستغفف مقتضی منع است. خصوصاً با توجه به این که اصل در فروج حرمت است.

همچنان جامعه عصر پیامبر (ﷺ) از نکاح متعه عاری بوده است جز در جنگ خیبر که پیامبر (ﷺ) سه روز آن را مباح کردند و بعد خودشان حرام نمودند.

زمانی که حضرت عمر (رضی الله عنه) فرمود: من شما را از دو متعه منع می کنم اگر کسی هر یک از این دو را انجام داد آن را مجازات می نمایم، منظورش نکاح متعه و حج تمتع بوده است. اما در مقابل این حرف حضرت عمر (رضی الله عنه) تمام اصحاب از جمله علی بن ابی طالب و ابن عباس (رضی الله عنهما) سکوت اختیار نمودند اگر واقعاً در نکاح موقت کوچکترین راهی برای جواز وجود می داشت قطعاً اصحاب در مقابل قول حضرت عمر (رضی الله عنه) مخالفتی نشان می دادند، در اینجا که همه سکوت اختیار نمودند پس در واقع این یک اجماع سکوتی محسوب می گردد، و اجماع نیز یکی از ادله شرعی است.

نکاح متعه در سالهای اولیه تاریخ اسلام در مکه حرام شد و تحریم آن تا روز قیامت ادامه دارد و جز شک و شبهه و روایات دروغ دلیلی بر مباح بودن آن وجود ندارد.

¹⁷⁰ (النور: 33).

علمای مذاهب اربعه (اهل سنت و جماعت) نیز به تحریم آن اتفاق نظر دارند، و در هیچ کتاب از مذاهب اربعه قول به جواز نکاح متعه و موقت داده نشده است.

در واقع ازدواج موقت یک نوع نکاحی است که در مقابل مبلغ معین بین مرد و زن صورت می گیرد. و زنا هم توافقی است که بین مرد و زن در مقابل مبلغ معین صورت می گیرد پس ظاهراً ازدواج موقت با زنا جز در کلمه (نکاح و زنا) تفاوت دیگری وجود ندارد، بنابراین ازدواج موقت یک زنا توافقی است که با میل طرفین صورت می گیرد. پس این نوع نکاح نباید ترویج پیدا کند بلکه باید منع شود.

پیشنهادهات :

1- آنچه که بنده در تحقیق این پایان نامه انجام داده ام (در باره ی ازدواج موقت است که خیلی کم بوده و آن هم تحت یک عنوان کوچک) بنابر این اولین پیشنهادی که می نمایم این است، باید علمای اهل سنت به خصوص مذهب احناف کتاب های را در مورد ازدواج موقت تصنیف نمایند؛ تا تمام جوانانی که بنابر غریزه ی جنسی شان به این نوع ازدواج رغبت نشان می دهند، معلومات یافته امتناع ورزند.

2- باید تمام دانشگاه های شرعیات امارت اسلامی افغانستان مضمونی را تحت عنوان ازدواج موقت ضمیمه تدریس سمستروار خود نمایند؛ تا تمام محصلین که از مذاهب مختلف وجود دارند از جنبه های منفی این نوع ازدواج و دستورات پیامبر (ﷺ) و عملکرد صحابه و تابعین و فقهای مذاهب آگاهی یابند و از حق و باطل بودن این نکاح مطلع شوند.

3- تا جایکه بنده اطلاع دارم پیروان مذهب اهل تشیع به خصوص مذهب جعفری کشور ما هم با استناد از احادیث منسوخه و موضوعه با وجود منع پیامبر (ﷺ) و خلفای راشدین به خصوص منع حضرت عمر (رضی الله عنه) و عدم عملکرد و مخالفت حضرت عثمان و علی (رضی الله عنهما) به چنین ازدواج علاقه مندی نشان می دهند. بنابر این پیشنهاد سومی من اینکه تمام رسانه های دولتی و خصوصی کشور ما برنامه های را در مورد ازدواج موقت بگیرند تا از تمام مزایا و معایب ازدواج ها و رسم و رواج باطلی که در ازدواج ها و نکاح موقت وجود دارد، پخش نمایند تا تمام شهروندان از آن اطلاع یافته از این نوع ازدواج های بی اساس و عنعنوی دست بردارند. تا جامعه از وجود اطفال بی سر پرست و جوانان فسادگری که از این نوع ازدواج به وجود می آید در امان باشد. چونکه این نوع ازدواج به مثابه یک زنایی که به توافق طرفین در مقابل مبلغ معینی صورت می گیرد؛ می باشد و طفلی که از این ازدواج تولد می شود ولد زنا، محسوب گردیده و کار آنان جز فسادگری و نا امنی در جامعه نخواهد بود.

4- موضوع ازدواج موقت یا متعه را در هیچ کدام از قوانین ملی کشور (قانون مدنی افغانستان یا قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان) به قسم صریح دریافت نکردم، امیدوارم که وزارت عدلیه یا محکمه با صلاحیت (استر محکمه) در رابطه به منع آن اقدامات لازم را کتبی ارائه نمایند.

فهرست آیات قرآنی

شماره	طرف آیات	سوره	شماره آیات	صفحه
1	نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى...	البقره	223	23-20
2	قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَنْظِرْهُ.	البقره	163	40-29
3	وَمَتَّعُوهُمْ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى.	البقره	236	40-29
4	فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا..	البقره	169	40
5	الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ ...	البقره	229	103
6	ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ...	آل عمران	14	40-29
7	فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي.	النساء	3	67-14
8	وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...	النساء	4	21
9	فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَ.	النساء	24	105-21
10	الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ.	النساء	37	21
11	وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُو.	النساء	19	22
12	فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَ.	النساء	24	43-41
13	وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ...	النساء	12	67-58

58	3	النساء	وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ ...	14
59	25-24	النساء	وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا...	15
67	3-2	النساء	فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ	16
68	35-34	النساء	الرِّجَالِ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ.	17
69	25	النساء	وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ....	18
98	72	النحل	وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ...	19
57-70	6-5	المؤمنون	وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْئِدَتِهِمْ حَافِظُونَ ...	20
51	33-32	النور	إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.	21
107-59	33	النور	وَلَيْسَتَغْفِبَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا...	22
65-17	21	الروم	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...	23
1	21	الروم	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...	24
22	6	الطلاق	أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ.	25
44-29	33	النازعات	مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ....	26

فهرست احاديث نبوى

شماره	متن احاديث	صفحه
1	تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوَلُودَ، فَإِنِّي مُكَاتِرُ الْأَنْبِيَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ....	19-14
2	جاء ثلاثة رهة الى بيوت ازواج النبى، يسألون...	15
3	إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ كَمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي... مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَعْضُ لِلْبَصْرِ.....	18
4	لَوْ أَدْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ، مَا أَحَدَثَ النِّسَاءُ لَمَنْعَهُنَّ كَمَا....	19
5	لِيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَ وَالْحَرِيرَ.....	24
6	لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ وَلَا نِكَاحَ إِلَّا بِشُهُودٍ.....	25
7	قَدْ أَدْنَى لَكُمْ أَنْ تَسْتَمْتِعُوا يَعْنِي: مُتْعَةَ النِّسَاءِ.....	35-34
8	مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ امْرَأَةً صَالِحَةً، فَقَدْ أَعَانَهُ عَلَى شَطْرِ دِينِهِ.....	45
9	من ترك التزويج مخافة العيلة فليس منا.....	51
10	نَهَى عَنِ مُتْعَةِ النِّسَاءِ، وَعَنْ أَكْلِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ يَوْمَ....	52
11	ياايهاالناس اني كُنْتُ أَذْنْتُ لَكُمْ فِي الْاسْتِمْتَاعِ مِنْ.....	61
12		62

62	رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ، عَامَ أُوطَاسٍ فِي الْمُتَعَةِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ثُمَّ...	13
62	أَذِنَ لَنَا فِي الْمُتَعَةِ ثَلَاثًا، ثُمَّ حَرَمَهَا، وَاللَّهُ، لَا أَعْلَمُ أَحَدًا	14
62	حَرَمَهَا يَوْمَ خَيْبَرَ وَمَا كُنَّا مَسَافِحِينَ	15
63	ثُمَّ قَالَ ابْنُ عَمْرٍو: نَهَانَا عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَمَا كُنَّا ...	16
92-66	مُتَعَتَانِ كَانَتَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أَنْهَى عَنْهُمَا ...	17
94	لَعَنَ اللَّهُ الْمُحِلَّ، وَالْمُحَلَّلَ لَهُ ...	18
90-86	نَهَى عَنِ مُتَعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ وَعَنْ أَكْلِ لُحُومِ الْحُمْرِ ...	19
99	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى	20
100	لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ	21
101	أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يَقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ	22
104	إِنِّي قَدْ كُنْتُ قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فِي الْإِسْتِمْتَاعِ مِنَ النِّسَاءِ،	23

فهرست اعلام:

43	ابو اسحاق ثعلبی.	1
63	بدرالدین شوکانی.	2
74	علاء الدین کاسانی.	3
85	ابن عابدین شامی.	4
89	ابن رشد اندلسی.	5
90	محمد بن ادريس شافعی.	6
92	علی بن سلیمان مرداوی.	7
93	دکتر وهبه زحیلی.	8
97	دکتر یوسف قرضاوی.	9

فهرست مأخذ و منابع

قرآن عظیم الشان.

- 1- ابن عابدين شامی، الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار)، نشر: دارلفکر- بیروت، طبع دوم سال 1412 هـ.
- 2- ابن نجيم، زين الدين ابن نجيم الاشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، نشر: دارالکتب العلميه بیروت، طبع سال: 1400 هـ.
- 3- ابن نجيم، زين الدين ابن نجيم الحنفی، البحر الرائق شرح كنزالدقائق نشر: دارالمعرفة، بیروت.
- 4- ابو الحسن يحيى بن ابى الخير... الشافعی، البيان في مذهب الإمام الشافعي نشر: دارالمنهاج-جده، طبع اول: 1421 هـ.
- 5- ابوبكر حسن بن حسين، بيهقي. (1410 هـ ق) شعب الايمان. بیروت: دارالکتب العلميه.
- 6- احمد بن حسين بن على، بيهقي. (1344 هـ.ش). سنن كبرى اول. حيدر آباد: مجلس دائرة المعارف النظامية.
- 7- ابو جعفر الطبري، ابن جرير، تفسير الطبري = جامع البيان/ تحقيق احمد شاکر، نشر: مؤسسه الرساله، طبع اول سال (1420 هـ.-2000م)، عدد الاجزاء 24.
- 8- أحمد بن حنبل. (1416 هـ ق) مسند الإمام أحمد بن حنبل. بیروت. مؤسسه الرساله.
- 9- أحمد بن الحسين. البیهقي. 1344. السنن الكبرى. حيدرآباد. مجلس دائرة المعارف النظامية.
- 10- احمد بن على بن حجر، عسقلانی. (1379 هـ.ش). فتح الباری. طبع بیروت: دارالمعرفة.
- 11- اسحاق، دبیری، ازدواج موقت. تاريخ انتشار: 1394ش، www.aqeedeh.com.

- 12- الام، دار المعرفة، تأليف: محمد بن ادريس شافعي، نشر دارالمعرفة، بيروت، سال: 1393هـ.
- 13- البيهقي في شعب الإيمان، نشر مكتبة رشد در رياض، طبع اول سال 2003م.
- 14- الإنصاف للمرداوي، تأليف: علي بن سليمان المرداوي، تحقيق محمد حامد الفقي، الناشر داراحياء التراث العربي، بيروت.
- 15- الطوسي، شيخ محمد بن الحسن الطوسي (متوفى 460هـ.)، الخلاف، نشر: مؤسسه نشر اسلامي از جماعت مدرسين قم تاريخ: جمادى الآخر 1407هـ.
- 16- الطوسي، شيخ محمد بن الحسن الطوسي، المبسوط في فقه الامامية، نشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سال: 1270هـ.
- 17- المستدرک على الصحيحين للحاكم، نشر: دارالكتب العلمی بیروت، طبع اول سال: 1411هـ.
- 18- تقي الدين بن تيمية، حراني . (1426هـ ق). مجموع الفتاوى، طبع دوم بيروت: دار الوفاء.
- 19- ثعلبي، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم الثعلبي، تفسير الثعلبي ط دار التفسير، نشر: دارالتفسير جده، طبع اول سال: 1436هـ.
- 20- جمال الدين، الزيلعي.(1987هـ ق). نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي. بيروت: دارالإحياءالتراث.
- 21- حسين ابن محمد، راغب اصفهاني.(1383هـ.ش). مترجم: غلام رضا.
- 22- حمزه، محمد قاسم، منار القاري شرح مختصر صحيح البخاري، نشر: مكتبة دارالبيان، سال: 1410هـ.
- 23- حسن، موجودی. (1360هـ.ش). ازدواج دائم و موقت از نظر اسلام. طبع پنجم. تهران: موجودی.

- 24- حسن، عميد. فرهنگ عميد. ج 2. ص1053.
- 25- حاشية البجيرمي على الخطيب، <http://www.al-islam.com>.
- 26- خرم دل، داکتر مصطفى خرم دل. تفسير نور، ناشر (احسان ت تهران: 1388 چاپ خانه اسوه چاپ هفتم).
- 27- دکتر خالد جريسي. (1432) فتاوى علماء البلد الحرام فتاوى شرعية فى مسائل عصرية. مترجم: شبكه مترجمين اشراق. تبريز ايران. رياض.
- 28- زيدي حنفى، أبوبكر بن على، الجوهرة النيرة على مختصر القدوري، نشر مطبعه خيريه، طبع اول: 1322هـ.
- 29- زحيلي، دكتور وهبه زحيلي، فقه خانواده در جهان معاصر، مترجم: عبدالعزيز سليمى. <http://www.shamela.ws>
- 30- زيلعى، فخر الدين عثمان الزيلعى الحنفى، تبيين الحقائق شرح كنزالدقائق، نشر: دارالكتب الاسلامى، سال: 1313هـ.
- 31- سعيد القحطاني، موسوعة الإجماع فى الفقه الإسلامى، ناشر: دار الفضيلة للنشر والتوزيع، الرياض، طبع اول سال: 1433هـ.ق.
- 32- سيد سابق، فقه السنه، د. سيد سابق، مرجم: د. محمود ابراهيمى، سال 1430هـ. (نرم افزار) كتابخانه سايت نوار اسلام، www.IslamTape.com.
- 33- سليمان بن الأشعث، السجستاني. (1344هـ.ش) سنن أبي داود.
- 34- شمس الأئمة سرخسى، المبسوط للسرخسى، نشر: دار المعرفه - بيروت، سال: 1414هـ.
- 35- شوکانى، محمد بن على... نيل الأوطار، نشر دار الحديث مصر، طبع اول سال: 1413هـ.
- 36- شرح الكافي (11 / 53)، <http://www.shamela.ws>.
- 37- صاوى، احمد بن محمد مشهور به صاوى مالکى، حاشية الصاوى على الشرح الصغير، نشر: دار المعارف.

- 38- عبدالرحمن بن محمد بن سليمان، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، طبع بيروت، سال: 1415هـ.
- 39- عبدالرحمن الجزيري (1347هـ.ش). الفقه على المذاهب الاربعه. طبع اول. بيروت: دارالفكر.
- 40- عبدالرحمن بن محمد، القماش(2009م). الحاوي في تفسيرالقرآن الكريم . بيروت. دارالنشر.
- 41- علاء الدين، الكاساني.(1982هـ.ق). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دالفكر.
- 42- على اكبر، قرشي(1307هـ.ش). قاموس قرآن. اول. تهران: دارالكتب الاسلامي.
- 43- عيني، بدرالدين عيني حنفي، البنايه شرح الهدايه، نشر دارالكتب العلميه – بيروت- طبع اول سال: 1420هـ.
- 44- عبدالحسين، اميني.(1340هـ.ش). الغديري في الكتاب والسنة والادب. دوم. تهران: كتابخانه بزرگ اسلامي.
- 45- فيروز آبادي، مجد الدين، القاموس المحيط ، نشر مؤسسه الرساله طبع 8 سال: 2005م.
- 46- قرضاوى، دكتور يوسف قرضاوى(1389). حلال و حرم دراسلام. مترجم: ابوبكر، حسن زاده، طبع 1 تهران: نشر احسان.
- 47- كامل محمد محمد، عويضة.(ب.ت). فقه جامع بانوان. مترجم: عبدالله، عبداللهي. اول. بيروت: دارالفكر. صص. 396-400.
- 48- محمد بن اسماعيل، بخارى، صحيح البخارى نشر دار طوق النجاة، طبع اول سال: 1422هـ.
- 49- مسلم بن الحجاج... صحيح مسلم، نشر، دار الجيل بيروت. www.temawy.com.
- 50- محمد بن يزيد، القزويني. (1430هـ). سنن ابن ماجه. طبع اول، بيروت دارالفكر.
- 51- محمد بن عيسى، الترمذي.(1419هـ.ق). الجامع للترمذي، طبع دوم. قاهره.

- 52- محمد بن حبان، صحيح ابن حبان، نشر: مؤسسه رساله - بيروت، طبع دوم سال: 1414هـ ق.
- 53- مالك بن انس، موطأ امام مالك، نشر: مؤسسه زايد بن سلطان، طبع اول سال: 1425هـ.
- 54- مولانا مجيب الله، ندوى. فقه اسلامى. (1388)، مترجم: گل ملا، همكار.
- 55- مرتضى، عسكرى، محمد جواد كرمى ازدواج موقت در اسلام، تهران، دارالكتب الاسلامى. (1377هـ.ش).
- 56- منقور، احمد بن محمد.... الفواكه العديدة في المسائل المفيدة، نشر: شركة الطباعة العربية السعودية، طبع پنجم، سال: 1407هـ.
- 57- محمد بن فتوح، الحميدى. (1423هـ.ق.) الجمع بين الصحيحين البخارى ومسلم. بيروت: دار ابن حزم.
- 58- محمد زكريا، كاندهلوى. (1424هـ.ق.) اوجز المسالك الى موطا ابن مالك. دمشق: دار القلم.
- 59- محمد، صادقى. (1384هـ.ش). الفرقان فى تفسير القرآن و السنه. طهران: اميد فردا.
- 60- محمدى، يوسف محمدى، ازدواج موقت از دیدگاه روایت، نوبت انتشار: اول (ديجيتال) تاريخ انتشار: 1394هـ.ش.
- 61- محمد حسن، نجفى. جواهرالكلام فى شرح شرائع الاسلام. طبع بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
- 62- محمد بن حسن حر، عاملى. تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة. طبع دوم قم: انتشارات آل البيت لإحياء التراث.
- 63- وزارت عدليه. جريده رسمى. قانون مدنى افغانستان.
- 64- يوسف على بدوى، السعادة الزوجية ومقوماتها فى ظل الإسلام، نشر اول (ديجيتال)، سال: 1438هـ، www.qalamlib.com.

And Suffering from animal slime and moral corruption, so that young people legitimize their lust instinct through Mohammadi legal marriage and also, the birth, reproduction and formation of the family unit, which is the ultimate goal of marriage, is fulfilled. The method which I have used in writing my thesis is the library method, the number of footnotes is lined up in the serial number. I have taken the translation of the verses of the Holy Quran from Tafsir-e-Noor, the translator of which is Mustafa Khorram Dil. I have explained point of views of each party by mentioning its reasons, then I have compared them with the Islamic Fiqah and point of views of the scholars and explained them without any prejudice or inclination. I have included a list of announcements of personalities at the end of my thesis.

Finally, as a conclusion, I can say that temporary marriage was legal in the early days of Islam because the Holy Prophet (Peace Be Upon Him), out of urgency and necessity allowed him to use a temporary marriage for a limited number of days, but then the same marriage he declared it forbidden for the last time in the Ghazwa-e-Khyber in the presence of the Companions of the Holy Prophet and said, "Be aware that Almighty Allah has forbidden you to eat the meat of a domestic donkey for the last time and to have mut'ah or concubine marriage until the Day of Judgment." All the scholars and jurists of the four religions of the Ahl-e-Sunnah Wal-Jama'ah also agree on its prohibition, because indeed temporary marriage has no difference from the act of adultery except in the word (marriage and adultery). Therefore, temporary marriage is an agreed adultery which takes place with the desire of both parties. Thus, this type of marriage should not be promoted in the Islamic society, and the Muslim youth should be infected with the moral corruption under the name of marriage.

Summary

Marriage in Islam is a strong contract and an unbreakable covenant based on the intention of living together permanently. The parties must conclude the principle of family formation and continuous cooperation in this pact, in order to achieve the goals and objectives set by the Qur'an for marriage and to ensure peace of soul, love and affection with the family and the survival of mankind in this world. Almighty Allah has asked the human being for the construction and development of the world so that the human and mankind have existence to build this world, undoubtedly, the development of the world depends on human existence, and human existence depends on birth and reproduction, birth and reproduction only is achieved through permanent marriage and through it, the continuation and survival of the family unit is provided. While this goal and purpose is not achieved through concubine marriage, because in concubine marriage, the only goal is to saturate the instinct of lust, not to have a child and form a family.

Therefore, the subject that I have researched on is entitled "Scheduling in marriage from the point of view of Sunnis, Shias and the National Laws of the Country" and its content includes four chapters. The first chapter has three topics, the first of which is dedicated to the legitimacy of marriage, the importance of marriage, and the wisdom of marriage. The second topic discusses the historical background of temporary marriage, the definition of temporary marriage and the purpose of temporary marriage, and the third topic discusses the elements of temporary marriage, the conditions and goals of temporary marriage.

The second chapter also has three topics, the first of which is devoted to the definition, ruling and Qur'anic reasons for temporary marriage according to Shias. Topic second: Discussed the reasons for temporary marriage from the hadiths and the practice of the Companions from point of view of Shias.

The third chapter also includes two topics, the first of which discusses the view of the obstacles to temporary marriage and its prohibition from the point of view of the Sunnis. The second topic is allocated in relation to the decree of temporary marriage from the point of views of Ahl-e-Sunnat and its negative outcomes.

And the fourth chapter also includes three topics, the first of which discusses the commonalities and differences between concubine and permanent marriage, and the second of which deals with the views of the scholars of the four religions and the views of modern scholars. The purpose of research on this subject is to make people aware of the truth and nature of concubine marriage, rather than its negative consequences, which are only the saturation of the instinct of lust



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program of Fiqah and Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Scheduling in Nikah from the point of view Of Ahl-e-Sunnah shia and National laws of the country

Master thesis

Student: Aqa Gul “kohbandi”

Instructor: Dr. Najibullah “Saleh”

Year: 2019



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program of Fiqah and law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

**Scheduling in Nikah from the point of view
Of Ahl-e-Sunnah shia and National laws of the country
Master thesis**

Student: Aqa Gul "kohbandi"

Instructor: Dr. Najibullah "Saleh"

Year: 2019